

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooch.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

عنوان تحقیق :

جدا سازی محصولات

طبیعی آبی

پیشگفتار :

اقیانوس ها در جهان بیش از ۷۰٪ سطح زمین را می پوشانند و دارای بیش از ۲۰۰۰۰۰۰ بی بهره و گونه های جلبکی هستند . این ارگانیسم ها در جوامع پیچیده و در ارتباط نزدیک با دیگر ارگانیسم ها زندگی می کنند . چه به صورت ارگانیسم های ماکرو (مانند جلبک ، اسفنج ، نرم تنان پوشش دار و یا به صورت میکرو (مانند باکتریهای غیررشته ای ، قارچ ها و آکتینوفایست). بعضی از ارگانیسم ها مواد شیمیایی خود را از منابع غذایی به دست می آورند اگر چه مابقی آنها ترکیبات را دوباره سنتز می کنند . بعضی از ترکیبات می توانند توسط میکرو ارگانیسم های مربوطه تولید شوند در حالی که مابقی آنها جهت تولید به یک ارتباط بین میزبان و میکرو ارگانیسم نیاز دارند . مواد شیمیایی یک نمونه خاص می توانند تحت تأثیر زیستگاه و عوامل فصلی و جغرافیایی باشد. در حقیقت منشاء واقعی بیوژنتیکی سنتز محصولات طبیعی آبی - در جامعه این محصولات یک موضوع مورد بحث است.

به علت تنوع ارگانیسم های آبی و زیستگاهها ، تولیدات آبی طبیعی طبقات شیمیایی زیادی را احاطه می کنند (مانند ترین ها) شیمیکیماها ، پلی کتیو ها ، استورژین ها ، پیتیدها، آلکالوئیدهای ساختارهای متفاوت و یک دامنه ای از ترکیبات بیوسنتز مخلوط ،

در دهه گذشته به تنهایی ، ساختارهای بیش از ۵۰۰ محصول طبیعی دریایی به چاپ رسیده اند.

در بسیاری از موارد طبقه ترکیب موجود در ارگانسیم می تواند بر اساس طبقه بندی ارگانسیم منبع پیش بینی شود . متأسفانه حتی شناخت علم به طبقه ترکیب همیشه ما را در جهت تعیین یک ساز خالص سازی هدایت نمی کند . مجموعه هایی از محصولات طبیعی آبی می توانند دارای چندین عامل شیمیایی باشند (مانند $\text{Na} - \text{Oac} - \text{oso}_3$ $\text{oh} - \text{och}_3$) . هرگونه تغییر در عامل می تواند تغییر اساسی در قطبیت ترکیبات ایجاد کند بنابراین روش مورد نیاز برای خاص سازی نیز تغییر خواهد یافت . به عنوان مثال نمونه های اسفنج ته دریایی با جنس *Spongosorites* دارای آبیس (ایندول) آلکالوئید است . تاپستین (طرح ۱) ، ساده ترین ترکیب این مجموعه میتواند با کروماتوگرافی هر ژل سیلیکا با استفاده از مخلوطهای $\text{Meoh} - \text{ckcl}_3$ به عنوان شوینده ، خالص گردد . در الگاسیدین *d* (طرح ۲) ک دارای یک زنجیره جانبی . ۲- آمینو ایمیدازول است که خیلی قطبی تر است و به کروماتوگرافی بر فاز ثابت فاز معکوس و ششسه شدن با مخلوطهای اسید استونیتریل - آب - تری فلئورواستیک (TFA) نیاز دارد . در این حالت علم به طبقه ارگانسیم می تواند در تعیین ساختار ترکیبات خالص کمک کند ولی

در تعیین روش عالص سازی برای متابولیست قطبی تر که دارای یک عاملیت شیمیایی غیر منتظره است کمکی نمی کند.

به منظور دسترسی به بینشی در مورد روش هایی که بیشتر در خالص سازی محصولات طبیعی آبی استفاده می شوند ۱۱۵ گزارش از این محصولات که در سال ۱۹۹۵ در روزنامه انجمن شیمیادانان آمریکا، روزنامه شیمی آلی، تتراهدرون و روزنامه محصولات طبیعی به چاپ رسیده بودند مورد بررسی قرار گرفتند. هر نشریه به طریق زیر طبقه بندی می شود:

- ۱- شاخه ارگانسیم منبع .
- ۲- طبقه ترکیبات شیمیایی گزارش شده.
- ۳- روش حفظ ارگانسیم (تازه / منحصر در مقابل خشک فریز کردن) .
- ۴- روش استخراج " غیر قطبی " حلال هایی مانند: CH_2Cl_2 ، هگزان ها، استون، Eto_2 ، $ETAO_2$ ، تولئون، اترنفت؛ " غیر قطبی و الکل " هر یک از مواد فوق مخلوط با یک الکل؛ " الکل " معمولاً اتانول، متانول، و یا ایزوپروپانول؛ " طرح پیچیده "؛ مانند استخراج متوالی و یا مخلوطهای غیر معمول خیلی پیچیده حلالها با " آبی " ۱۰۰٪ آب یا مخلوطهای آب دیگر محلولها در حالی که آب بیش از ۵۰٪ مخلوط را شامل باشد .

۵- روش مورد استفاده تقسیم حلال در صورت وجود این روش ها به طبقات زیر

تقسیم می شوند :

الف - " ساده " مانند یک تقسیم تک مرحله ای (مثل یوتانول - آب) و یا تقسیم دو

مرحله ای مانند ETOAC - آب) و به دنبال آن تقسیم بعدی فاز آبی با یوتانول.

ب) " کوپکان " شامل هر طرح واقعی و یا تغییر یافته کوپکان (Kypchan) که در آن

درصد فاز آبی به طور متوالی تنظیم می شود.

ج) " پیچیده " (کمپکس) : شامل هر طرحی که در آن یک توالی غیر معمول حلال ها

و یا مخلوطهای کمپکس غیر معمول حلال ها استفاده می شوند مانند :

مخلوطهای هیپتان : ACOH : CHCl₃ : MEOH : ETOA

که در جدا سازی با تزیوین ها استفاده می شوند.

۶- نوع کروماتوگرافی ستون باز ، درخششی و یا ستون خلاء. این ها به ژل سیلیکا ،

فازهای پیوندی (مانند CN,Did, C-8 DDS) و یا نفوذ ژل بر رزین های غیر

عاملی تقسیم می شوند من جمله سیستم های کروماتوگرافی تقسیم و اندازه ه مانند)

SephadenLH- 20 ، SephadenLh- 60 ، Nsbels ، Bibeaddssx-20 ، sn- ، Sn-8

، 4 ، 2 - AMBERLIT EXAD ، XAD ، XAD- 7 ، ژل (TSK- G3...S) .

۷- نوع روش HPLC مورد استفاده در صورت وجود - این ها به فاز طبیعی، فاز

معکوس (C-18 , C-8 , C-4) دیگر فازهای پیوندی مانند : (NH₂ , CN , DIOL)

(و مواردی تقسیم می شوند که در آنها ترکیباتی از مثالهای فوق استفاده کردند.

۸- کروماتوگرافی مایع فشار میانی (MPLC) ، کروماتوگرافی جریان مخالف (

CCC) ، و کروماتوگرافی لایه نازک تدارکاتی (PILC) کدام یک استفاده می شوند.

۹- آیا هر یک از روش های دیگر نیز استفاده می شوند (مانند ترم سازی و بلور

سازی ، تبادل آنیون / کاتیون ، فراصافی) .

نتایج این بررسی در جداول ۱-۳ ارائه شده اند . جدول ۱ : توزیع ترکیبات را در شاخه
ها نشان می دهد.

جدول ۲ - رایج ترین روش های خالص سازی شاخه های متفاوت را نشان می دهد .

جدول ۳ - رایج ترین روش های خالص سازی را برای طبقات ترکیبات نشان می دهد.

تعدادی از نتایج حاصل عبارتند از :

۱- نگهداری نمونه ها :

در ۷۷٪ گزارشات مواد تازه و منجمد استخراج شدند در ۲۳٪ گزارشات از ارگانسیم

قبل از استخراج خشک فریز شد و یا در هوا خشک گردید. (دو نمونه) .

۲- استخراج :

رایج ترین حلال های استخراج عبارت بودند از الکل ها (۶۶٪) و یا مخلوطهای الکل و حلال های کم قطبی تر (۲۵٪) .

۳- تقسیم سازی :

هیچ تقسیم حلالی در ۲۸٪ موارد استفاده نشد تقسیم های ساده در ۴۱٪ زمان انجام شدند. طرح های کوپکان (kychan) در ۲۵٪ زمان و طرح های کمپکس در ۵۰٪ زمان استفاده شدند.

۴- کروماتوگرافی ستونی (VCC) ، درخششی و یا جاذبه باز) :

الف) در ۱۰٪ روندهای جداسازی از هیچ شکلی از کروماتوگرافی ستون باز استفاده نشد.

ب) در ۶۵٪ جداسازیها از فازهای ثابت ژل سیلیکا استفاده شد.

ج) در ۱۲٪ جداسازیها از فازهای ثابت فاز پیوندی (مانند ODS , DIOL , CN1) استفاده شد .

د) در ۱۰٪ جداسازیها از فازهای ثابت ، فاز پیوندی و ژل سیلیکا استفاده شد(یعنی مراحل چندگانه کروماتوگرافی ستونی استفاده گردید) .

ذ) در ۴۶٪ جداسازیها از کروماتوگرافی تراوش ژل بر رزین های غیر عاملی استفاده شد. LH-20 در ۴۲٪ جداسازیها استفاده گردید .

(ر) در ۴۴٪ جداسازیها فقط فازهای ثابت، فاز معکوس و یا سیلیکا استفاده شد (بدون

کروماتوگرافی)

(ز) در ۱۳٪ جداسازیها فقط از رزین های غیر عاملی استفاده شد مانند Sephadex Lh

، -20

(خ) در ۳۳٪ جداسازیها از ترکیب کروماتوگرافی فاز پیوندی و یاسیلیکا و کروماتوگرافی

بر رزین های غیر عاملی استفاده شد.

-۵ MPLC در ۹۰٪ مطالعات استفاده شد.

-۶ CCC در ۷۰٪ مطالعات استفاده شد.

-۷ PTLC در ۱۰٪ مطالعات استفاده شد.

-۸ : HPLC

(الف) در ۲۷٪ جداسازیها از HPLC استفاده نشد.

(ب) در ۶۰٪ فقط فازهای ثابت فاز نرمال استفاده شد. (مانند سیلیکا).

(ج) در ۴۹٪ فازهای ثابت، فاز معکوس استفاده شد. (PR-18, PR-8, PR-4)

(د) در ۱۰٪ جداسازیهای چندگانه HPLC بر فازهای ثابت، فاز معکوس و طبیعی

استفاده شد.

(ذ) در ۳٪ دیگر فازهای پیوندی استفاده شدند. (NH₂, DIOL, CN).

ر) در ۱۴٪ مطالعات از دیگر روش های جداسازی استفاده شد مانند فرم سازی ، بلورسازی ، فراصافی و یا کروماتوگرافی تبادل آنیون / کاتیون .

۱-۱ : روش کلی مورد استفاده در HBOI :

این فصل یک طرح کلی است از روش کلی مورد استفاده در آزمایشگاه مؤلف جهت خالص سازی کردن محصولات طبیعی دریایی. یک طرح در شکل ۱ آمده است . در روش ها تمام جداسازیها در یک مقیاس کوچک انجام می شوند تا این که ترکیب خالص به طور تکرار پذیر جدا شود. تعدادی روش خالص سازی برای تضمین جداسازی مقام ترکیبات مورد نظر استفاده می شوند و مقام اجزاء یا سنجش زیستی ، ILC- و یا HPLC ، NMR شناسایی می گردند . روند کلی ما شامل مراحل زیر است :

- ۱- جمع آوری و شناسایی میدانی ارگانسیم آبی.
- ۲- استخراج اولیه ارگانسیم .
- ۳- سنجش بیولوژیکی عصاره استخراجی.
- ۴- تقسیم جهت تأیید و غنی کردن فعالیت زیستی .
- ۵- تعیین قطبیت محصولات طبیعی موجود در عصاره و یا derplicatixn ترکیبات معلوم.
- ۶- انتخاب اولین مرحله کروماتوگرافیک بر اساس قطبیت.

۷- کروماتوگرافی بیشتر.

۸- توسعه جداسازی یک HPLC در صورت امکان .

۹- افزایش مقیاس جداسازی برای آزمایش بیشتر بیولوژیکی و یا تشخیص ساختار.

۲- جمع آوری و ذخیره ارگانسیم های آبی .

۱-۲ - کنترل ارگانسیم های آبی :

ارگانسیم های آبی منبع هزاران محصول طبیعی مختلف هستند . بسیاری از این

ترکیبات در سیستم های پستانداران بی نهایت سعی بوده اند. به عنوان مثال پالی توکسین

که در ابتدا در زوانتید *Palythoa toxica* یافت شد یکی از مهمترین ترکیبات غیر

پروتئینی کشف شد تا امروز می باشد . حوض جزر ومدی که در آن زوانتید رشد می

کند در شرحهای اولیه سعی تشخیص داده شد و دانشمندانی که با آن ارگانسیم کار می

کردند بیمار شدند وعلائم شبیه آنفلونزا در طی مرحله جمع آوری وکارهای بعدی دیده

شد.دیگر ترکیبات مانند میکا لامبد واپلی سیاتوکسین بی نهایت مشکل ساز بودند آپلی

سیاتوکسین همچنین دارای ویژگیهای قوی توسعه دهنده توموری است. به طور کل

هنگام کار با هر ارگانسیم جدید ایمن تر آناست که فرض کنیم مقدار دقیق ترکیبات

آبی باید احتیاط و دقت کافی مبذول شود . وسیله محافظی مناسب مانند دستکش و

یاحفاظ چشم باید همیشه استفاده شود. بسیاری از محققان (مانند خود مؤلف) مواردی از

ناراحتی شدید چشم داشته اند که در کلی جمع آوری ارگانسیم ها به وجود آمده بود این در حالی بود که هیدروژنها و اسفنج هایی مانند : *Veof : bularia* , *Tedania ignis* , *heitangere* دارای مؤلفه های آزار دهنده زیادی هستند که باعث خارش و تشکیل دانه در بعضی افراد می گردند. به طور نمونه یک رویارویی با اسفنج *NEOF : bularia* به تنهایی می تواند محققانی را که در آزمایشگاه مؤلف کار می کنند بر آن دارد تا همگام کار یا نمونه ها از دستکش استفاده کنند . قویاً توصیه می شود که هنگام شنا و استفاده از لوله مخصوص تنفس برای ارگانسیم ها از دستکش مناسب استفاده شود. اینجا می تواند از یک لباس مرطوب (یا پوست غواصی) و یا دستکش استفاده نمود ماسک های غواصی می توانند حافظ شخص باشند و شیشه های ایمنی و یا عینک های آفتابی می توانند حافظ شخص باشند برای کار در آزمایشگاه و جهت استفاده از ترکیباتی با خواص بیولوژیکی مجهول باید از اصول استاندارد تبعیت کرد . باید مراقب باشید که در معرض مستقیم ترکیبات قرار نگیرید هنگام ضرورت دستکش بپوشید ، با استفاده از هودهای شیمیایی کار کنید از تماس ترکیبات با پوست جلوگیری کنید ، از نمونه ها قورت ندهید و آنها را به طور مستقیم بو نکنید . اگر به دلایلی نمونه را باید بو کنید (مؤلف توصیه می کند که این کار را نکنید) از موارد احتیاطی شیمیایی طبیعی استفاده کنید و بخار را در جهت بینی خود به حرکت در آورید تا از مقدار آسیب کاسته شود.

اگر عصاره ها ، اجزاء و یا ترکیبات خالص بر زمین می ریزند باید بلافاصله آنجا را پاک کنید در غیر این صورت ممکن است دیگر افراد در معرض آن ترکیب قرار بگیرند .حتی یک قطره کوچک یک ترکیب مانند میکلامید (Myclamideya) یک ماده ای است که بی نهایت آزار دهنده است . باعث تورم فوری پوست می گردد ، می تواند در صورت تماس با پوست بی نهایت مشکل ساز باشد . اثرات بلند مدت رویارویی با اینترکیبات مانند پیدایش تومور و تراژیستی در بسیاری از این ترکیبات ثابت نشده اند. بنابراین باید از رویارویی با آنها جلوگیری کنید. به طور خلاصه تمام نمونه ها و عصاره های آبی را با احتیاط بررسی کنید از وسایل پوششی مناسب استفاده کنید در معرض مستقیم مواد قرار نگیرید . این امر در مورد ارگانسیم خام و عصاره ها و اجزای حاصل از آنها صادق است.

۲-۲: جمع آوری :

فلسفه های متفاوتی در مورد این نکته وجود دارد که کدام ارگانسیم جالبترین ماده شیمیایی تولیدات طبیعی آبی را به دست می دهد و بسیاری از گروه های دخیل در غربال مقیاسی بزرگ عصاره های آبی جهت کشف داروهای فراوان جمع آوری می شوند تا بتوان بالاترین تنوع شیمیایی را برای آزمایش در آنزیم ویژه و یا سنجش های زیستی مبنای گیرند. پیوندی به دست آورد دیگر گروههایی که وجود دارند زمینه مواد شیمیایی

محصولات طبیعی گروههای خاص که غنی از محصولات طبیعی هستند تخصص دارند .
هنوز گروههای دیگری هستند که به ارگانسیم هایی توجه دارند که در آنها یک دلیل اکولوژیکی برای تولید ترکیبات یافت می شود . اسفنج ها ویا نرم تنان پوشش دار یا سطوحی آزاد ارگانسیم های رسوب کننده می توانند ترکیباتی تولید کنند که از رسوب ممانعت به عمل می آورند ارگانسیم هایی با روکش و پوشش نازک اغلب غنی از متابولیست های ثانویه می باشند وپیشنهاد شده است که این ترکیبات برای مهار رشد ارگانسیم های مجاور تولید می شوند و بدین ترتیب به ارگانسیم هایی پوششش دار و boring اجازه می دهند که در فضای اضافی و بیشتری کولونی بدهند .ارگانسیم هایی که در مناطق گیاهخوار ویا شکار وجود دارند اغلب ترکیبات سعی و یاغیر خوراکی تولید می کنند که برای جلوگیری از شکار می باشند . در نهایت انتخاب ارگانسیم جهت جمع آوری به سطح تجربه و اولویت جمع کننده و هدف نهایی برنامه تحقیق بستگی دارد .

جمع آوری ارگانسیم ها باید به دقت انجام شود ونکات مربوط به عرض جغرافیایی ، طول جغرافیایی ، عمق ، جریان، امواج ، دمای آب ،میزان شوری وتاریخ جمع آوری باید ثبت شوند.نکات مربوط به زیستگاه . مجموعه (مانند تپه های دریایی) حفرات ،زیر سنگ ها ، در جانب انتهایی صخره ها ،که بر سطوح و جلویی سنگ ها و یا بر سطح

دیگر ارگانیسم ها) و هر بر هم کنش مشاهده شد با دیگر ارگانیسم ها (که با برهنه آبخش تغذیه می شوند.) با سیانوفیت ها رشد می کنند ، در حاشیه ها به علت ارگانیسم مجاور می میرند) باید ثبت شوند . توصیفات دقیق ارگانیسم ها مانند رنگ ، ریخت ، سازگاری ، وجود معکوس ، بود و حالت تولید مثل ، باید در صورت آشکار شدن ثبت شوند . عکس *decksid* ، *Insitu* برای ارزیابی بعدی در امر طبقه بندی مهم است . وجود ارگانیسم های مربوطه در داخل و خارج باید مورد توجه قرار می گیرد. اغلب رایجاست کرم ها ، جانوران نرم تن ، پاروپایان ، ستاره های کننده ، شقایق های نعسانی ، و حتی ماهی های کوچکی که در بی مهرگان بزرگ دریایی زندگی کشف شوند . ایفیت ها . زوآنتید ها تا حد زیادی در رابطه با بی مهرگان کم تجربه نمی توانند بر مواد شیمیایی موجود اثر بگذارند . در بسیاری از موارد جمع آوری کنندگان کم تجربه نمی توانند تمام ارگانیسم های مربوطه را شناسایی کنند بلکه یادداشت های تفصیلی میدانی و شواهد آماده شده دقیق می توانند به فرد طبقه بندی کننده با تجربه و بیولوژیست میدانی کمک کنند تا در امر شناسایی ارگانیسم های مربوطه های بعدی موفق گردند.

نمونه های شواهدی باید برای تکمیل شناسایی گردآوری شوند. این شواهد برای مستند کردن یک اختراع در صورت بایگانی یک ثبت اختراع لازم هستند این نمونه ها باید نمایشگر کل نمونه باشند اگر رنگ و یا شکل های متفاوت یک نمونه جمع آوری شوند

شواهد هر یک باید نگهداری شوند. اگر نمونه ها کوچک هستند یک نمونه کاملی در صورت امکان باید حفظ شود در آزمایشگاهها نمونه های با 40ml تا 100 پارچ متناسب هستند و این به شکل نمونه بستگی دارد. به طور نمونه ، اسفنج ها یابرش یک قطعه ای که ساختار درونی و بیرونی و شکل کلی ارگانیسم را نشان می دهد به شکل یک نوع شواهد در می آیند. اسپیکول هایی که در شناسایی بیشتر خانواده های اسفنج ها مهم هستند. می توانند در یک محل گرد آیند و مشخص شوند و لازم است که مقام بخشهای اسفنج به صورت یک نمونه در آیند. به علاوه یک نمونه واحد می تواند یک اجتماعی باشد که در آن یک اسفنج در سطح دوم قرار می گیرد . یک مثال اسفنج Myriastra kalitetilla , carribbean می باشد که به شکل یک اسفنج شیار دار کروی بایک بخش خارجی نارنجی مایل به قرمز و یک بخش درونی کرم رنگ یافت می شود. سطح قرمز به علت تجمع پوسته خیلی نازک توسط یک Desmacella SP می باشد. استخراج لایه سطح قرمز یک دنباله متفاوتی از ترکیبات تولید می کند و با استخراج بخش درونی کرم رنگ اسفنج نمونه های اسفنجی معمولاً در اتنول آبی ۷۰٪ ذخیره می شوند (30ml آب در هر ۷۰ لیتر اتنول ۱۰۰٪) . Octocoral ها و مرجان های سخت می توانند همانند اسفنج ها به صورت یک نمونه در آیند.

نرم تنان پوشش دار و ارگانسیم های نرم تن دیگر مانند آلسیوناسیان ها ، شقیق نعمانی ، حلقویان و بعضی از ستاره های شکننده (سخت تر نهداری می شوند . این ارگانسیم ها قبل از نگهداری بلند مدت در حالت رخوت و آرامش قرار می گیرند . و به این ترتیب بعد از نگهداری روز باز باقی می ماند این عملکرد با قرار داد نمونه در آب دریا که دارای چند بلور متانول است انجام می شود. این نمونه بعد از آن در یک یخچال به طور ۲۴ ساعته ذخیره می شود . (در صورت امکان) و بعد آب دریا به آهستگی ریخته می شود . نرم تنان پوشش دار به طور دائم در محلول فورمالین ۱۰٪ ذخیره می شوند . این محلول با تر دقیق محلول فرومالید استحکام کامل (۳۷٪) به دست می آید (1ML محلول فرمالند در هر 9ML آب) در حالی که دیگر بی مهرگان نرم تن (آلسوناسیان ها ، شقایق یمانی ، ستاره های شکننده) می توانند برای همیشه در اتانول ۷۰٪ نگهداری شوند. نرم تنان کولونی می توانند به سختی شناسایی شوند زیرا به سختی نگهداری می گردند . ارزش آن را دارد که به مراحل دقیق نگهداری مستقیماً از سوی متخصص طبقه بندی که نمونه ها را شناسایی خواهد کرد دست یابیم . ژله ماهی ها و بسیاری از خارپوستان بعد از رخوت با متانول در محلول فرمالین ۱۰٪ نگهداری شوند. این ها در اغلب شکل خود را به سرعت از دست می دهند و بنابراین سند تصویری می تواند مهم باشد جلبکها به عنوان نمونه های خشک شده با فشار ذخیره نگهداری می شوند ولی می

توانند در محلول فرمالین ۵٪ نیز ذخیره شوند. اگر یک نفر تصمیم بگیرد که نمونه ها را به آزمایشگاهی داخل یک هواپیمای تجاری برگرداند حمل و نقل مقادیر با اتانول مجاز نمی باشد. در این موارد نمونه ها می توانند در فرمالین ۱۰٪ ذخیره شوند. (هر چیزی به جزء جلبک ها) و یا در فرمالین ۵٪ حفظ می شوند تا این که به آزمایشگاه برگردانده شوند. در آزمایشگاه ما ، وقتی سفر هوایی مورد نیاز باشد نمونه ها در کیسه نمونه Whipak قرار می گیرند ؛ محلول ۰٪ فرمالین . اینها بعد از آن برای حمل و نقل در قوطی های حمل و نقل خشک قرار داده می شوند. آنها به محض برگشت به آزمایشگاه می توانند برای ذخیره طولانی به محل نگهداری مناسب منتقل شوند. مقام مجموعه های ارگانسیم آبی همانند تمام نمونه هایی که برای تحقیق پیرامون محصولات طبیعی جمع آوری می شوند باید با رضایت ایالت و یا کشور میزبان ساخته شوند . اجازه برای بیشتر جمع آوریهای ارگانسیم های آبی الزامی است و باید تحت قوانین فدرال و یا داخلی باشد. بعضی از گونه های آبی توسط CHES حفظ شوند و نمی توانند بدون اجازه ویژه جمع آوری شده صادر شوند . یک بررسی توسط باکر و دیگران بیانگر فلسفه های کلی و خط مشی های لازم باتوجه به جمع آوری ارگانسیم های آبی و خاکی می باشد.

۲-۳: ذخیره ارگانسیم های آبی :

ارگانسیم های آبی اغلب در محل های متروکی جمع آوری می شوند که تسهیلات آزمایشگاهی محدودی دارند. بسیاری بلافاصله در رویایی با هوا می میزند و به سرعت تجزیه می شوند. ترکیبات یافت شده در ارگانسیم ها می توانند به سرعت با فرآیندهای اکسیداسیون، آنزیمی و یا پلیمریزاسیون تجزیه شوند بنابراین ارگانسیم ها باید بلافاصله خشک شوند و یا منجمد گردند تا تخریب شیمیایی کاهش یابد. ترکیبات موجود در بعضی ارگانسیم ها مانند اسفنج های Verongid می توانند بلافاصله هنگام لمس تخریب شوند و پلیمر می گردند. این با تغییر رنگ سریع از سفید و زرد و یا نارنجی به آبی تیره قابل مشاهده است حتی وقتی که آنها در آب دریا حفظ شوند.

بسیاری از گروه های ارگانسیم ها را بلافاصله بعد از جمع آوری در 20c- منجمد می کنند و آنها را در حالت انجماد نگه می دارند تا این که عملکرد بیشتر انجام شود. در بعضی وارد ارگانسیم ها در یک الکل قرار می گیرند مانند متانول، اتانول و یا ایزوپروپانول. بعد از آن ارگانسیم حفظ شده در دمای اتاق و یا در یک فریزر نگهداری می شود. بعضی از ارگانسیم ها و جلبک ها اغلب در معرض هوا خشک می شوند و سپس در دمای اتاق و یا در فریزر ذخیره می شوند. تا اقدامات بعدی صورت گیرد. اگر تسهیلات موجود در دسترس باشند نمونه ها می توانند بلافاصله بعد از جمع آوری

خشک فریز گردند و سپس در دمایی اتاق و یافریزر ذخیره شوند. یک گروه که در آزمایشگاه میدانی با تسهیلات محدود کار می کرد ارگانسیم را به مدت ۲۴ ساعت در ETOH-H₂O / ۵۰-۵۰ فرو برد. این محلول بعد از آن قارچ شد. ارگانسیم ها در پلیمرهای Nalgene قرار گرفتند و به آزمایشگاه وطن برگردانده شده و در دمای محیط قرار گرفتند.

در گروه ما، ارگانسیم ها به صورت تصویری مستند شدند، یک نمونه طبقاتی گرفته شده، یک زیر نمونه برای استخراج انتخاب شد و نکات مربوط به جمع آوری و طبقه بندی ثبت شدند و سپس مابقی نمونه جهت کار بیشتر ۲۰- درجه سانتیگراد منجمد شد. تلاش های زیادی صورت گرفت تا نمونه در عرض ۱ ساعت جمع آوری در فریزر قرار گیرد. اینکار برای کاهش تخریب ترکیبات بوده است. وقتی چنین چیزی عملی نباشد نمونه ها ذخیره می شوند تا آزمایش کامل گردد.

۳- استخراج

۳-۱: بی مهرگان:

یک طرح استخراجی نمونه برای بی مهرگان آبی (منجمد، خشک و یا خشک فریز):
بی مهرگان به قطعات کوچکی برش داده می شوند و در یک مخلوط کن با سرعت زیاد با حلال مخلوط می گردند. عصاره های حاصل از هر طریق کاغذ صافی شماره ۱ واتن)

جاذبه و یا خلاء) و یا بستری از Celite 521 بسته بندی شده و در یک قیف Buchner تصفیه می شوند. بعد از تصفیه مابقی بافت به مخلوط کن برمی گردد و با یک بخش دوم حلال استخراج می شود. این فرآیند ادامه می یابد تا اینکه هیچ رنگ دیگری استخراج نشود. در حالاتی که عصاره ها بی رنگ گردند. عصاره های متوالی می توانند به طور جداگانه تلغیظ شوند و جرم باقی ماند. بعد از تلغیظ تعیین می شود. استخراج می تواند زمانی کامل در نظر گرفته شود که هیچ باقی ماند؟ اضافی دیگری بعد از تلغیظ به دست نیاید. هنگام دنبال کردن خالص سازی زیستی، عصاره های متوالی می توانند به طور جداگانه تلغیظ شده و سنجش شوند. در آزمایشگاه ها نمونه ها ۳ تا ۶ بار استخراج می شوند تا استخراج کامل تضمین گردد.

بعضی از آزمایشگاه ها عصاره های متوالی هر ارگانیسیم را با استفاده از حلال هایی باقطبیت بالا آماده می کنند. در این جا مقیاس جداسازی مقدماتی مؤلفه ها مورد نیاز است. ارگانیسیم ها ابتدا با یک حلال غیر قطبی استخراج می شوند مانند دی اتیل اتر، هگزان، اتیل استات، و یا یک حلال هالوژنه (دی کلرو متان، کلروفرم) سپس با یک الکل (متانول و یا اتانول) و بعد با آب و مخلوطهای آب - الکل استخراج می گردند. بعضی ها گروهها از استون برای استخراج استفاده می کنند ولی باید مراقب بود که محصول افزایشی تشکیل نشود.

دانشمندان در دوسه ملی سرطان، مؤسسه ملی بهداشت امریکا، یک برنامه وسیع غربال سازی برای محصولات طبیعی دارند تا بتوانند ترکیبات دارای خواص ضد HIV و ضد تومور را کشف کنند آنها یک روش استخراجی توسعه داده اند که در آنارگانیسم منجمد بایخ خشک آسیاب می شود و در H_2O با ۴ درجه سانتیگراد استخراج می گردد عصاره آبی با سانتریفوژ دفع می شود و خشک فریز می گردد باقی ماند ارگانیسم نیز خشک فریز می شود. تفاله خشک بعد از آن به طور متوالی با $MeH\ CH_2\ CL_2$ به دنبال متانول استخراج می شود. عصاره های آلی در خلاء ترکیب شده و خشک می شوند. عصاره های آلی ترکیبی و آبی بعد از آن برای سنجش و جداسازی بعدی شیمیایی در دسترس قرار می گیرند (به عنوان مثال مراجعه کنید به هالوگ و دیگران { ۲۴ }).

۲-۳: جلبک های بزرگ :

بیشتر محققان نمونه های جلبک قهوه ای (Pahanphgta) و جلبک قرمز (Rhodphyta) را قبل از استخراج در معرض هوا خشک کرده فریز می کنند . نمونه های جلبک نیوکالاکاریوس (Chlorophytoy) گاهی اوقات قبل از استخراج خشک می شوند ولی اغلب موارد چنین نیست . جلبک خشک گاهی اوقات بایک هاون و دسته هاون می شود و یا با Wiley Mill آسیاب می گردد تا از یک الک 2-mm عبور کند ماده آسیاب شده بعد از آن به طور متوالی با حلال هایی باقطبیت بالا هگزان ، دی کرومتان ، متانول ، با

استفاده از یک استخراج کن Oxhled استخراج می شود. به طور متناوب ماده خشک ، تازه و یا منجمد شده می توانند با خیس کردن در مخلوط کنی با سرعت بالا استخراج شوند. عصاره ها با نیروی جاذبه با استفاده از کاغذ فلتر چین دار (واتفن شماره ۱) و یا با خلاء با استفاده از یک قیف Buchney دارای سیلک شیشه ای آبگینه ای تصفیه می شوند. بافت جلبکی دوباره به مخلوط کن بر می گردد و استخراج می شود. در هر دو روش مخلوط کن و یا Sexhlet به هر حال ادامه می یابد . تا این که هیچ رنگ دیگری استخراج نشود. عصاره ها با تقطیر تحت فشار کاهنده بر یک تبخیر کن چرخشی در خلاء تغلیظ می شوند.

۳-۳ - طرح روند مورد استفاده در آزمایشگاه. مؤلف در HBOI :

یک روند سریع مورد استفاده در HBOI جهت تهیه عصاره هایی برای آزمایش بیولوژیکی در زیر آمده است. در این روند ، اتانول به عنوان حلال استخراج استفاده می شوند زیرا مطابق عملکرد سنجش زیستی در آزمایشگاه ها است (که شامل یک باطری پیوند گیرنده و سنجش آنزیم و کل سلول می باشد). برای تأیید این که اتانول یکحلال استخراج مناسب بوده است . مجموعه ای از ارگانیزم ها با متانول ، اتانول و یا متانول - تولئون استخراج شدند - ۳:۱ . سرعت های ضربه ای قابل مقایسه برای مقام سه مجموعه عصاره مشاهده شدند و این در حالی بود که در مقابل خط سلول تومور p388

، ویروس HSV - I و با توژن خارجی *Candida albicans* سنجش می شوند. وقتی اتانول بهتر از دیگر حلال ها از این سنجش ها عمل کند حلال استخراجی انتخاب در HBOI خواهد بود .

طرح روند فوق :

۱- تقریباً 8g ارگانسیم منجمد را در 20ml اتانول ۱۰۰٪ غیر تاتوره به مدت ۲

دقیقه با استفاده از یک آسیاب Virtis آسیاب کنید .

۲- باقی مانده ارگانسیم و عصاره را به شیشه کوچک سوسوزن 20ml منتقل کنید و

۲۴ ساعت در ۲۰- درجه سرازیر نمایید.

۳- عصاره را بانیریوی جاذبه از طریق کاغذ صافی چین دار صاف کنید.

غلظت میانگین عصاره هایی که به این روش تهیه شوند 9mg/ ml با دامنه 1-20 mg/

mi می باشد بسته به ماهیت ارگانسیم استخراج شده . ارگانسیم های سخت مانند مرجان

های Scleractinian و اسفنج های Lithistid بازده های کلی کمی دارند . عصاره ها در-

c 20- ذخیره می شوند. یک مقایسه TLV عصاره های آماده شده تازه با آنها که با همین

روش ۳-۵ سال زودتر تولید شده اند. نشان می دهد که هیچ اختلاف مهمی در مؤلفه

های اصلی عصاره ها بعد از ذخیره بلند مدت وجود نداشته است.

۴- برنامه ریزی برای روش جداسازی :

سیستم جداسازی مورد استفاده تا حد زیادی به قطبیت ترکیبات مورد نظر بستگی دارد .
تعدادی روش برای تعیین قطبیت محصولات طبیعت موجود در عصاره ها استفاده می
شود. روش هایی که در HBOI استفاده می شوند عبارتند از تقسیم بین حلال های آبی و
آلی ، تحلیل کروماتوگرافی لایه نازک با شوینده هایی با قطبیت متفاوت و شناسایی
مقیاس کوچک خواص کروماتوگرافیک. رفتار ترکیبات فعال بیولوژیکی در هر روش با
سنجش زیستی اجزاء حاصل دنبال می شود . یابا بیولوژیکی مستقیم در حالت

TLC .

۴-۱- طرح های تقسیم :

در آزمایشگاهها ، عصاره های بین آب و اتانول تقسیم می شوند در بعضی موارد عصاره
ها ابتدا بین اتیل استات و آب تقسیم می شوند و فاز آب بعد از آن در مقابل n- بوتانول
تقسیم می شود. ترکیبات غیر قطبی به اتیل استات ، تقسیم می شوند در حالی که
ترکیباتی با قطبیت میانی به n- بوتانول تقسیم خواهند شد. متابولیت های محلول در
آب معمولاً در فاز آبی باقی می مانند. در بعضی موارد تقسیم بین هگزان و یا هپتان و
متانول می تواند برای رفع لیپیدها از مواد قطبی قبل از کروماتوگرافی مفید باشد (لیپیدها
معمولاً به هگزان و یا فاز هپتان تقسیم می شوند) . تعدادی از گروهها از طرح تغییر

یافته کوپکان برای ارزیابی قطبیت ترکیبات استفاده می کنند . این مستلزم تقسیم متوالی عصاره ها بین حلال های غیر قطبی و محلولهای الکلی آبی می باشد . در مورد عصاره های آبی در تفسیر نتایج چنین آزمایشات تقسیمی باید دقت کافی مبذول داشت یک مثالی که این را تشریح می کند خالص سازی مجموعه های دراگاسیدین CI ترکیبات است . تقسیم یک عصاره خام بین اتیل استات و آب باعث فنی شدن با مقادیر کم د راگاسیدین CI به عنوان مولفه اصلی تقسیم اتیل استات می گردد . سنجش زیستی در مقابل پاتوژن قارچی *rmans* باعث فعالیت نسبتاً بالای این سنجش می گردد (غلظت مینیوم بازداری $\{mic\} = 6/25 \%$ mj/mL) سنجش زیستی تقسیم آب باعث تولید یک $MIC = 50 \text{ mJ/mL}$ برای این جزء می گردد . براساس یک فعالیت زیستی و توان فرض کرد که ترکیب ضد قارچی نسبتاً به درستی به فاز اتیل استات تقسیم شده است . تحلیل های TLC و NMR دو جزء نشان می دهند که مؤلفه اصلی فاز اتیل استات در فاز آبی نیز یافت می شود ولی به علت درصد بالای نمک عصاره و و بنابراین درصد نمک فاز آبی ، ترتیب به عنوان یک درصد جزء کلی یافت می شود . در حقیقت فعالیت ترکیب به علت غنی شدن نمک در فاز آبی کاهش یافته است . بنابراین بهترین مسیر خالص سازی این طبقه از متابولیت ها عبارتست از تقسیم عصاره خام بین n - بوتانول و آب و یا استفاده مستقیم از کروماتوگرافی ستول خلا (vcc) هر یک فاز

ثابت فاز معکوس با استفاده از یک گراویان مرحله ای اسید استونتریل - آب - تری
فلوئوراستیک . این مثالی دو قانون را تشریح می کند .

۱ - مقایسه تمام اجزاء با TLC ، HPLC ، و یا NMR لازم است تا بتوان شباهتهای آنها
را فهمید .

۲ - در طی خالص سازی با کک سنجش زیستی هرگز یک جزء را خالی نکنید تا این که
یک روش تحلیلی در دسترس باشد که ترکیبات فعال را از دیگر ترکیبات مخلوط متمایز
می کند . این ترکیبات م ی توانند در دسترس باشند ولی اثرات آنها با دیگر مؤلفه های
مخلوط پوشیده می شوند . این ب خصوص در مواردی مهم است که ذخیره ار گاسنیم
محدود است و جمع آوری دوباره مشکل است . هیچ یک از نمونه ها نباید تلف شوند .
۲-۴ : استخراج فاز جامد :

استخراج فاز جامد فرصتی است برای انجام جدا سازیهای کروماتوگرافیک خیلی
کوچک با استفاده از یک تعدادی فاز ثابت (که در فصل ۱ توصیف شد) دو سیستم
جدا سازی که معمولاً توسط این محقق استفاده شده اند و برای بیشتر محصولات
طبیعی من جمله محصولات طبیعی آبی مناسب هستند بشرح زیر می باشند .

۱- کروماتوگرافی عصاره برژل سیلیکا با استفاده از یک گراویان مرحله ای اتیل استات و
یا حلال ها لوژنه (CH_2Cl_2 ، $CHCl_3$ ، Cl_2CHCH_3) در هگزان و یا هپتان . بعنوان

مثال یک مجموعه شستشو عبارت خواهد بود از: هپتان، اتیل استات - هپتان (۳۷/ ۷)

(۱):، اتیل استات - هپتان (۱ V / V : ۱)، اتیل استات - هپتان (V / V : ۱ : ۳)، اتیل استات، اتیل استات - متانول (V / V : ۱ : ۱) .

۲- یک جدا سازی فاز معکوس با استفاده از یک ژل سیلیکای پیوندی ۱۸ - C در این

حالت ستول با یک گراویانمرحله ای آب - متانول و یا آب - استو متتریل توسعه می یابد . یک مجموعه از شستشو عبارتست از : ۱۰۰٪ آب، متانول - آب (V / V : ۳ : ۱)، متانول

- آب (V / V : ۱ : ۱)، متانول آب (V / V : ۳ : ۱)، ۱۰۰٪ متانول، ۱۰۰٪ دی کلرومتان

برای بسیاری از ترکیبات محلول آلی و قطبی (مانند انهایی که یک Rf برابر ۶ / ۰ - ۵ /

۰ در سیستم TLC N - پروپانول - اتیل استات - آب { ۱ : ۲ : ۷ } دارند که در زیر

توصیف شده است خوب است که ۱ / ۰ TFA بعنوان یک جفت یونی اضافه کنیم .

این دنباله را حذف می کند و ر جدا سازی نا جور حلقه های دارای نیتروژن مفید است

استو نسین دراگا سیدین CL و استنسنین آسیرن .

۳- ۴ : بیولو توگرافی :

یک روش عالی برای شناسایی مولفه های زیست فعال من جمله قطبیت آنها بیولو

توگرافی است (در فصل ۱ و ۷) . اگر چه رایج ترین شکل اوتو بیوگرافی ترکیبات ضد

میکروبی را کشف می کند این روش برای کشف ترکیبات ضد تو موری نیز به کار می

رود . در بیواتوگرافی صفحات لایه نازک عصاره های مورد نظر در مقایس با صفحات
آثاری قرار می گیرند که میکرو ارگانسیم های مورد نظر بر آنها تم گذاشته اند . برای بیو
اوتو گرافی در مقابل خطوط سلول تو مور، پوشش های آگار استفاده می شوند . صفحه
TLC بعد از یک زمان کوتاهی انکو باسیون حذف می شود و یا می تواند هر جای خود
باقی بماند اگر چه صفحه سنجش برای رشد میکرو ارگانسیم در انکو باسیونه قرار می
گیرد . بعد از یک زمان مناسب انکو با سیونه یک منطقه مهار رشد در مقادیر R_f
ترکیبات فعال مشاهده خواهد شد . در آزمایشگاه مولف ۳ سیستم لایه نازک برای
شناسایی قطبیت استفاده می شوند :

۱- برای ترکیبات غیر قطبی : اتیل استات - هپتای (۱ : ۱) برصفحات سیلیکا

۲ - برای ترکیبات با قطبیت میانی : اتیل استات - متانول (۱ : ۱۹) برصفحات سیلیکا

۳- برای ترکیبات محلول الی قطبی : n - پروپانول - اتیل استات - آب (۱ : ۲ : ۷) بر

صفحات ژل سیلیکا .

۵: کروماتوگرافی ستون :

کروماتوگرافی ستول مرحله بعدی بعد از تعیین قطبیت مولفه های اعصار است . ترکیبات

غیر قطبی معمولاً بر فازهای ثابت ژل سیلیکا کروماتوگرافی می شوند . کروماتوگرافی

ستول خلاً و یا کروماتوگرافی در خشش خلاً میتوانند یک جدا سازی اولیه سریع و آسان

یک عصار را بدست دهند . این با VCC اضافی و یا HPLC دنبال می شوند . با بسته بندیهای فاز معکوس و ژل سیلیکا هر دو می توانند استفاده شوند .

۱-۵ : کروماتوگرافی ستون خلاء :

در این روش ستون یک قیف Buchnre با یک سیک شیشه ای آبگینه ای با تخلخل متوسط می باشد. یک قطعه از کاغذ صافی بریده شود و متناسب انتهای قیف می گردد.

فاز ثابت بعد از آن به داخل آن ریخته می شود. ژل سیلیکای عیار ILC می تواند برای جداسازیهای فاز طبیعی استفاده شود (EM Science Kieselgel 60 H) در

آزمایشگاه محقق استفاده می شود. اگر چه جداسازیهای معکوس به بسته های فاز معکوس عیار کروماتوگرافی ستونی نیاز دارند . تعدادی بسته های معکوس به طور تجاری در

دسترس هستند ولی گروه محقق بسته های فاز معکوس خود را با استفاده از یک تغییر روش منتشر شده از سوی ایوانزو و دیگران تهیه می کند.

بعد از افزایش فاز ثابت، قیف بر قسمت بالای مخالف قرار می گیرد تا فاز ثابت به طور یکنواخت قرار گیرد ژل سیلیکای فاز طبیعی نیز در نهایت ساکن خواهد شد بسته های

فاز معکوس چنین حالتی نخواهند یافت . اگر ارتفاع اضافی ستون مطلوب باشد ماده بسته بندی بیشتری در این مرحله اضافه می شود سپس دوباره tap می شود تا ستون در حالت

سکون قرار قیف بعد از آن در بالای فلاسک خلاء قرار می گیرد و بایک SEAL ،

کائوچویی خلاء متناسب می گردد. فاز ثابت دوباره ساکن می گردد. سطح فوقانی با استفاده از یک شیشه کوچک یا بستر دارای بخش انتهایی مسطح به پایین برده می شود. باید حاشیه ها نیز به این حالت درآیند تا تضمین شود که بسته به طور یکنواخت ضخامت دارد. اگر حاشیه به درستی در پایین قرار نگیرد عصاره به راحتی به حاشیه شیشه می آید و به بسته ستون نخواهد چسبید. با وجود بسته های فاز معکوس نمی توان به راحتی سطح فوقانی را کاملاً صاف کرد زیرا بست خیلی شناور ساز است. این بر جداسازی اثر نمی گذارد مادامی که ستون به درستی در پایین قرار گرفته باشد.

بعد از آن ستون با اولین حلال در مجموعه های شویش تعادل می یابد: حلال کافی از ستون عبور داد و می شود تا ستون کاملاً مرطوب گردد مثلاً برای یک ستون 60-m تقریباً 75-100ml کافی است. قبل از این که ستون خشک شود خلاء را رها کنید و حلال شویشی را خالی نمایید خیلی مهم است که ستون در این نقطه خشک نشود. خشک شدن ستونهای فاز معکوس در این نقطه باعث یخی شدن ستون و سرعتهای جریان خیلی پایین می گردد. برای جداسازیها بر ژل سیلیکا، عصاره به عنوان محلول شوینده به کار میرود اگر در این محلول وارد محلول نشود یک مقدار کمی از حلال قطبی تر اضافه می شود تا آن را وارد محلول کنیم مقدار خیلی زیادی از ترکیبات و حلالهای قطبی تر نباید اضافه شود این باعث می شود که در اولین جزء شستشوند و

توسط ستون جذب نگردند. باید موادی داشته باشید که به طور کامل در محلول نسیبتند زیرا می توانند تعلیق شوند و به ستون منتقل گردند. اگر یک مقدار مهمی از ماده محلول نیست باید:

۱- یک جداسازی قطبیت زبر با تقسیم عصاره بین هپتان / متانول ، CH_2 CL_2 آب و یا آب / n- BUOH قبل از VCC انجام دهید.

۲- جداسازی را با یک شوینده قطبی تر آغاز کنید (مثلاً ۲۵٪ اتیل استات - ۷۵٪ هپتان) برای فاز معکوس VCC عصاره اغلب به عنوان یک دوغاب که از قبل در فاز ثابت جذب شده است استفاده می شود. این عملکرد با حل عصاره در متانول و سپس افزایش 2-20g فاز ثابت انجام می شود. محلول تکان داد می شود تا اطمینان حاصل کنیم که بسته به خوبی پوشیده شده ات . متانول در خلاء دفع می شود و اولین شوینده (مثلاً آب) اضافه می شود تا یک دوغاب به وجود آید. دوغاب بعد از استفاده از یک خلاء در ستون به بالای ستون ریخته می شود.

بعد از آنستون با بخش هایی از حلال های با قطبیت کم و زیاد (یک گرادیان مرحله ای)

شسته می شود. گرادیانهای مرحله ای مورد استفاده در آزمایشگاه ها عبارتند از :

۱- فازهای ثابت ژل سیلیکا :

۱۰۰٪ هپتان ، ۲۰٪ اتیل استات ، ۸۰٪ هپتان ، ۴۰٪ اتیل استات ، ۶۰٪ هپتان ، ۶۰٪ اتیل

استات ، ۴۰٪ هپتان و ۸۰٪ اتیل استات ، ۲۰٪ هپتان ، ۱۰۰٪ اتیلاستات ، ۲۵٪ متانول ، ۷۵

٪ اتیلاستات ، ۵۰٪ متانول ، ۵۰٪ اتیل استات ، ۱۰۰٪ متانول ، برای ترکیبات کم قطبی

مانند بسیاری از ترکیبات حاصل از جلبک قرمز *Laurencia* یک گرادیان مرحله ای با

استفاده از ۲۰٪ مراحل دیکلرد متان در هپتان استفاده می شود.

۲۰ فازهای ثابت ، فاز معکوس (R_p-18) : 100% h₂o ، 80% H₂o ، 20%

استونیتریل (ACN) ، 60% h₂o ، 40% ، 60% CAN ، 40% H₂o ، 100% H₂o

، 80% H₂o ، 20% ؛ 100% CAN ، 100% MEOH ، برای ترکیباتی با عاملیت

بازی افزایش ۱۰٪ حجمی TFA می تواند جداسازی را افزایش زیادی دهد.

باید یک خلاء قبل از ریختن هر حلال به ستون در ستون استفاده شود. اگر هیچ خلأیی

به کار نرود سطح فوقانی ستون می تواند با افزایش حلال شیار عمیقی بردارد. این اثر

زیادی بر جداسازی دارد. یک قطعه کاغذ صافی بعد از این که نمونه به کار رفت می

توان بر بالای ستون قرار داد و به این ترتیب در کاهش تشکیل مجرا در ستون کمک کرد.

۵- دیگر عواملی که می توانند جداسازیهای تولیدات طبیعی آبی را پیچیده کنند.

۱-۶: شک و تردید در مورد طبقه بندی :

اگر چه علم به طبقه‌ارگانسیم ها همیشه در تبیین بهترین طرح خالص سازی برای متابولیست های جدید مفید نسبت تعیین غیر قابل و ناکامل طبقه می تواند مشکلاتی به بار آورد و این در صورتی است که فرضیاتی در مورد مواد شیمیایی یک ارگانسیم ارائه شده باشند شناسایی بقاتی بسیاری از گونه های به خصوص اسفنج ها و نرم تنان کولونی بی نهایت مشکل باشد در بعضی موارد متخصصان طبقه بندی یک اسفنج را با نام های گونه های متفاوت (و حتی ژل های متفاوت) شناسایی کرده اند. کاربرد روش های طبقه بندی مولکولی این زمینه را روشن می سازد ولی در بعضی موارد این امر باعث تغییر نام و طبقه بندی کلی یک ارگانسیم می گردد همان طور که می توان تصور کرد این سابقه مکتوب شیمیایی را پیچیده کرده است. یک مثال اسفنج *Verongia aerophoba* است که اکنون *Pseudoceratira* نام دارد. یک تحقیق از بحث های شیمیایی براساس نام جدید شاید نتواند اکثریت مراجع را برای این ارگانسیم که تحت طبقه اصلی به چاپ رسیده اند آشکار سازد .

۶-۲ : خالص سازی ترکیبات محلول در آب : اثرات نمک :

محصولات طبیعی آبی محلول در آب یک چالش جداسازی ارائه می دهند . این ترکیبات کروماتوگرافی براساس تبادل یون ، وزن مولکولی و جذب سطحی بر رزین های غیر عاملی خالص می شوند. وجود مقادیر زیادی نمک های غیر آلی بیانگر مشکلات مهمی در جداسازی ترکیبات با وزن مولکولی کم می گردد زیرا هیچ روش جهانی ساده برای نمک زدایی ترکیباتی با وزن مولکولی کم وجود ندارد و رنمسازی تکراری با متانول و دیگر الکل های می توانند زمانی مؤثر باشد که ترکیب حلالیت الکلی دارد . در

بعضی موارد Bio-6el p-2 ؛ Sephadex-10 ؛ رزین های غیر بومی مانند Amberlite exad و یا xaev ، و یا زغال فعال می تواند استفاده شود. جداسازی ترکیبات محلول در آب در فصل ۱۱ بررسی می شود.

یک مثال از جداسازی ترکیب محلول در آب با وزن مولکولی کم ۳- آمینو -۱- ۲ آمینو

ایمیدازولیل (پروپ -۱- ان) طرح (۳) می باشد که از اسفنج *Teichaxinella*

morchella جدا می گردد اسفنج منجمد به طور کامل با متانول استخراج شد بعد از

تخلیظ عصاره متانول بین n- بوتانول و آب تقسیم شد تقسیم آب بر Bio Rpn-70 ،

یکرزین ضعیف تبادل یون ، با استفاده از 2% N به عنوان شوینده کروماتوگرافی شد .

این کروماتوگرافی با کروماتوگرافی لایه نازک (ژل سیلیکا : H₂O ، Acoh ، BuOH ، n-

1، 1:1:4) با کشف ترکیب با واکنش با نینهدرین کنترل شد. در تمام موارد مقادیر کم نمک غیر آلی در ماده باقی ماند و این باعث شد که تعیین مقادیر واقعی زیست فعال غیر ممکن گردد. خوشبختانه در این حالت وجود نمک در نمونه مانع تحلیل NMR ترکیب نگردد.

۳-۶ - پلی آمین ها :

تعدادی ارگانوسم آبی، به خصوص اسفنج هادارای آمین های پلیمری کایتونیا و زنمولکولی بالا هستند که فعالیت هایی در تعدادی سنجش زیست نشاندادهاند رایج ترین آنها هالی توکسین (طرح ۴) است که ابتدا از *A mphimedon campressa* گزارش شد (قبلاً *Haltclona rubens* نام داشت) پلی آمینها نیز از *Hispidonetrasp-* ، *cinachyrsp* و *Desmacidon SP* جدا شدند. این اسفنجها دارای یک مجموعه از ترکیبات با وزن مولکولی ۱۰۰۰ تا بیش از ۲۵۰۰ام^۴ هستند. این ترکیبات به سختی دنبال می شوند. با استفاده از رزین های تبادل کایتون و جداسازیهای وزن مولکولی بر LH-20 (برای هال توکسین های حلال در متانول) و یا *Sephaden G 200* (ترکیبات محلول در آب) موفقیت هایی به دست آمد CCC با استفاده از *n-Bouh/ h2o / acoh* / ۱:۴:۴ فاز متحرک *BUOH* و یا *n- BUOH / H2o* (فاز متحرک *n-BOUH*) نیز استفاده شدند. فراصافی موثرترین روش خالص سازی هالی توکسین شناخته شد

۶-۴ : ترکیبات دارای استر سولفات قطبی :

بسیاری از آگانیسم های آبی دارای ترکیباتی هستند که عامل استر سولفات دارند. این ترکیبات در تعدادی از سنجش های زیستی آنزیم و پیوند گیرنده فعال بود می توانند به سختی خالص شوند. آنها به عنوان مجموعه ترکیبات نزدیک به هم می باشند که خیلی قطبی بوده و در زمان اسیدی و بازی ناپایدار هستند شاید رایج ترین استر سولفات ، سولفات هالیتسانول (طرح ۵) باشد که ابتدا از *Halichondria cf. moorie* گزارش شد. این ترکیب همچنین از تعدادی اسفنج های مربوط به *Haplosaerid* یافت شده است مانند *Topsentispp* ، *Mananthus ciocalyptides* ، *Foliolina SP* ، و دو گونه *Pseudanynissa* به دست آمد. سولفات هالیستانول با کروماتوگرافی متوالی بخش محلول در آب یک عصاره متانول آبی با استفاده از یک ژل *TSk G3000s* ژل سیلیکا ، و یک فاز ثابت *LH-20* ، *sphoden* خالص شد . اجزاء ضد میکوبی حاصل از جداسازی *LH-20* بابلورسازی مجدد از *ELOH- H2o* بیشتر خالص شدند.

این استرهای سولفات استرول فعالی هایی در تعدادی از سنجش های پیوند گیرنده و آنزیمشان دادند و همچنین در غربال ضد *HIV* که در موسسه ملی سرطان آمریکا انجام شد فعال بودند . یک طرح *Dereplication* برای این طبقه از ترکیبات توسط کادلینا و دیگران منتشر شد . در این طرح عصاره ها در ۳ سیستم کروماتوگرافی شدند *Spehadex*

6-25 برای وزن مولکولی، منفذ پهن c4 / 3.. و منفذ باریک c18 (6-A) اجزاء در تقابل

HIV والگوهای فعالیت سنجش شدند در مقایسه با آنهایی که برای سولفات هالیت نوا

مشاهده شد استرول سولفات از ۶ عصاره اسفنج با متانول شسته شدند: h2o (۷/۷:۲)

و Dcreplication سریع این طبقه از ترکیبات راعملی ساختند در آزمایشگاه مولف ILC

جهت Derepliation سولفات هایستانول و ترکیبات مربوطه استفاده شد. یک عصاره

خام اسفنج و یا تقسیم بوتانول با استفاده از n- پروپانول اتیل استات - آب V/V/V /

(۷:۲:۱) به عنوان فاز متحرک کروماتوگرافی شد. این ترکیبات یک RP تقریبی ۵/۰ دارند

و وقتی با ۲۰ / وانیلین در محلول اسیدسولفوریک به دنبال حرارت اسپری زده می

شوند به رنگ ارغوانی تیره در می آیند. بسیاری از این ترکیبات با یک یون مخالف آمین

ناجور حلقه ای در ارتباط هستند این ترکیبات بعد از دیده شدن با واکنشگر به رنگ زرد

روشن در می آیند.

تعدادی از استرهای آروماتیک سولفات گزارش شده اند. اینها عبارتند از: ۳۴ -

سولفانوباستادین ، ۱۳-سولفات ، ۳۷ - آپلیسین ، ۳۸ - بیس سولفاتو سایکو -

سیفوتودیکتول a ، ۳۹ - سیفونودیکتول g ، بیشتر این ترکیبات با کروماتوگرافی مکرر

به LH-20 با استفاده از متانول به عنوان شوینده، جدا شدند در آزمایش مابسیاری از

متابولیست های سولفات در فازهای ثابت HI-20 برای ۱۰-۱۵ حجم ستون باقی ماندند

شستشوی بعدب یک متابولیست فعال از بسته های LH-20 ممکن است شاخص و شانه

ای از عاملیت سولفات در مولکول باشد. یک جذب قوی در 1250 cm در طیف IR می تواند ابتدا برای تأیید وجود عامل استر سولفات استفاده شود.

طبقه دیگر ترکیبی که می توانند به سختی خالص شود ساپوتینس یافت شده در I -

chinoderm ها است تقریباً تمام آئینو درم هایی که تا کنون بررسی شده اند دارای استرول

های پلی هیدروکسینالیت و یا گلکوسیدهای تریپس می باشند که بسیاری از آنها دارای

عامل استرسولفات هستند خالص تشریحی است از روند بر استفاده از خالص کردن این

متابولیست ها.

حیوانات (1/85 kg) خرد شده اند و در H₂O خیس گردیدند ۲۱ بار، ۲۷ برای هر یک ۸

ساعت عصاره های آبی ترکیبی ساکن شدند و بعد از سانتریفوژ از یکستون Amberlite

xadi ، ۱ کیلوگرم عبور داده شدند. این ستون ابتدا با H₂O II شسته شد و سپس با 2L

متانول شسته گردید تا ۳/۲۴ کیلوگرم عصاره خام به دست آید بعد از سانتریفوژ شویش

متانول این عصاره هر یک ستون LH-6 Sephaden با استفاده از H₂O Meoh (۲:۱)

کروماتوگرافی شد. 5-ml جزء جمع آوری شد و با ILC کنترل گردید (صفحات n-

Si - H₂O - HOAC - BUOH ۱۲:۳۵ ، که با سولفات سرب / H₂so₄ کشف

گردید) اجزاء ۲۰۰ - ۱۲۵ از Sephaden LH-20 با استفاده از مد فرایند - Ch₃ CL₃

Meoh - h2o (۷ : ۱۳ : ۸)، فاز پایین تر به عنوان فاز ثابت، به dccc تسلیم شد. اجزاء

دوباره با ILC طبق فوق کنترل گردیدند. بنابراین ترکیب شدند. اجزاء اولیه (۱-۶۱)

حاصل از جداسازی dccc با یک جداسازی دوم dccc با استفاده از مد فرایند ۵ : ۱ : ۳

n-BOUH - Me2 - H2o، فاز پایین تر به نوان فاز ثابت، بیشتر جدا شدند. اجزای

با ILC کنترل شدند و سپس به HPLC هر ستون Bondapak - c18m (30 cm *)

7/8 mm یا MEOG - H2O (۵۵ : ۴۵) سرعت جریان (5mL / 7 min) تسلیم

شدند E ترکیبات خالص (طرحهای ۹-۶) به دست آیند بازده های به ترتیب ۲ و ۲ و ۶ و

۳ کیلوگرم.

۶-۵ : محلولهای پیچیده متابولیست های قطبی : تولومیکالین ها / کرامبسییدین ها /

باتزلادین ها :

مجموعه ای از گوآنیدین ها کمپکس ۵ چرخه ای که با یک اسید چرب خطی ها -

هیدروکسی به یک اسپرمیدین و یا واحد اسپرمیدین هیدروکسی وصل شده اند از اسفنج

های Batzella sp ، Crambecrambe ، Hemimyclesp ، Ptilocaulis Spiculifel ،

Monanchora ، arbuscula ، گزارش شده اند و همچنین از ستاره دریایی

Celerin ، heffernan ، Formiamonilis . این ترکیبات خیلی قطبی هستند می توانند به

شکل مخلوطهایی باشند که به سختی جدا می شوند. اکثریت ترکیبات دارای یک

کروموفر مهمی که جداسازی HPLC را پیچیده سازد نمی باشند و روش های پیچیدگی خالص سازی با طرح مورد استفاده برای خالص کردن تیلوکالین (طرح ۱۰) استریلوکالین ۰ (طرح ۱۱) تیومیکالین (طرح ۱۲) ، کرامبسیدین ۸۰۰ (طرح ۱۳) ، کرامبسیدین ۸/۶ (طرح ۱۴) ، کرامبسیدین ۹ (طرح ۱۵) و باتزلیدین های a - e o (طرح ۱۶) تشریح شد تمام آنها یک مجموعه بزرگ BAH ZELLASP (شکل ۳) را تشکیل می دهند.

عصاره های خام این اسفنج پیوند HI vgp-120 را با CD4 مهار می کنند و تمام جزئی به جزئی شدن با استفاده از این سنجش دنبال می شود اسفنج خشک شده انجمادی با متانول استخراج می شود و عصاره به طور متوالی با اتیل استات ، دی کلرومتان ، و متانول نرم می شود. بخش زیست فعال دی کلرو متان با استفاده از یک محلول متانول / دی کلرو متان / هگزان (۱:۱:۱) بر Srphader lh-2 کروماتوگرافی می شود. اجزاء فعال بعد از آن با استفاده از یک گرادیان متانول / CH₂ CL₂ / H₂O / ACOH از کروماتوگرافی ژل سیلیکا عبور می کنند.

اجزاء با ILC کنترل می شوند و اجزاء مشابه ترکیب می گردند . اینها بعد از آن با PILC و یا کروماتوگرافی تکراری ژل سیلیسیم با استفاده از مخلوطهای پیچیده حلال بیشتر خالص می شوند مانند استون/ متانول / دی کلرومتان / آب / اسیداستیک : ۵: ۳/۵: ۲/۵ :

۲۰:۳۰. دیگر روش های خالص سازی این طبقه از ترکیبات عبارتند از: استفاده از

DCCC (n-BUOH- ME₂CO – H₂O) { ۷۵ : ۱۵ : ۱۰ }؛ مد فرایند که با Ilc کنترل

می شود { ۲۵ : ۱۵ : ۶۰ } 8-BOUH-ACOH –H₂O، واکنشگر اسپری در آگند.روف}

به دنبال spiculifer ptilocaluis و Hemimycale sp نمونه های p-spiculifel

دوباره ارزیابی شدند و شبیه به Batzellasp بودند که توسط پاتیل و دیگران مطالعه شد

و طبقه بندی تجدید نظر شد. به علاوه بر وجود این مجموعه از ترکیبات مربوطه در

جنس های اسفنجی Batzella، Crambe، Monanchora، تاوارز و دیگران رابر آن

داشت تا یک ارتباط طبقه ای نزدیکتر از آن چه که قبلاص برای اینها گفته شده بود

کشف کند. نشریه اخیر تربات در یک شاخه متفاوت (اکتیودرم ها) و اثر آن به

سوالات مرتبط به طبقه بندی شیمیایی هنوز باید مورد بررسی قرار گیرند. این امکان

وجود دارد که ترکیبات جدا شده از ستاره دریایی از یکرژیم غذایی اسفنجی حاصل شده

باشند.

۶-۶: ترکیباتی با خواص کروماتوگرافی حساس به PH – الگالوئیدهای پلی آکریدین:

مجموعه ای از الگالوئیدهای رنگ روشن پلی آکریدین از اسفنج های آبی خانواده

Pachosterlidoe، یک نرم تن غیر شناخته شد و نرم تنان جنس Cyst.dyte و

Eudistoma، جدا شدند. این ترکیبات می توانند به سختی برفازهای ثابت ژل سیلیا و یا

RP-18 جدا شوند زیرا بی نهایت مستعد تغییرات کوچک در PH هستند و این باعث دنباله ای شدن در بسیاری از سیستم های کروماتوگرافی می گردد در خالص سازی ترکیبات از کروماتوگرافی جریان مخالف سانتریفوژی، رسوب انتخابی بعد از کروماتوگرافی ساده LH-20 و HPLC بر فازهای ثابت آمینو و ODS استفاده شد. (شکل ۴).

یک عصاره متانول - تولئون اسفنج ته دریایی از جنس *Dercitus* رشد سلولهای لوسمی آبی P388 را متوقف کرد اسفنج منجمد با متانول و یا دی کلرومتانی که دارای 5 % NH4OH است استخراج شد تا یک عصاره ارغوانی تیره به دست آید. جزء به جزء شدن عصاره خام با CCC سانتریفوژی با استفاده از (۵ : ۵ : ۳) Meoh : CH₂Cl₂ در سیتسین خالصی (طرح ۲۱) به عنوانیک رنگدانه خرمایی تیره به دست داد. جزء به جزء کردن شیوه اجزاء CCC که دارای مولفه های مربوطه ریزی بودند. (تحلیل NMR , Ilc) با استفاده از HPLC بر یک فاز ثابت آمینو با (۴ : ۴ : ۱) CN : CH₃ . MEOH به عنوان شوینده انجام شد تا نور در ستین به دست آید (طرح ۲۲). همچنین در سیتامین (طرح ۲۳) در سیتامید (کوآنیمین) (طرح ۲۴) و سیلکودرسیتین (طرح ۲۵) نیز به دست آمد.

نرم تن Cystdytes sp منبع کوآنونیامین D (طرح ۲۶) و درسیتامین (طرح ۲۴)
بوده‌است . در این روش خالص سازی ،نرم تن به طور متوالی با هگزان استخراج شد به
دنبال آن از (۲:۱) CH₂CL₂- MEOH استفاده گردید . کروماتوگرافی عصاره خام
ترکیبی بر Sephaderul-20 با استفاده از MEOH به عنوان شوینده دو جزء را تولید کرد
اولین جزء در یک چسب تلغیظ شد، با CHCL₃ شسته شد و در ۴۵ درجه سانتیگراد در
MEOH حل گردید بعد از قرار دادن در دمای اتاق یک جامد ارغوانی رسوب کرد . این
جامد در آب حل شد و این محلول با ۱٪ NAOH تا Ph=9 بازی شد .در این مرحله
یک جامد زردرنگ رسوب کرد که می توانست با HPLC بر یک فاز ثابت RP-18 ؛
MEOH- H₂O (۲۰ : ۱) به عنوان شوینده کروماتوگرافی شود تا کوآنونیامین D در
درسیتامید (طرح ۲۴) تولید شود (طرح ۲۶) . بخش دوم حاصل از کروماتوگرافی LH-
20 در MEOH گرم حل شد و بعد از خنک شدن دی برموشرمیلامین (طرح ۲۷) به
عنوان یک رسوب ارغوانی به دست آمد .ویژگیهای اسیدی - بازی این ترکیبات از سوی
کارول و کوآر مزیتی در خالص سازی کوآنونیامین های a (طرح ۲۸) ، b (طرح ۲۹) ،
D (طرح ۲۶) استفاده شدند. (شکل ۴) یک نرم تن غیر شناخته شده ابتدا با متانول
استخراج شده و سپس با (۱:۱) CH CL₃- MEOH که دارای ۱٪ از یک محلول
NH₄OH ۳۰٪ است استخراج گردید. این عصاره ها در یک باقی مانده آبی ترکیب شده

و تغلیظ گردید و این باقی مانده با 1m اسید هیدرولکتريک و اسیدی شد در مقابل
CHCl₃ تقسیم‌گردید. فاز آبی با NH₄OH ۱۰٪ بازی شد و در مقابل کلروفرم تقسیم
گردید. عصاره بازی CHCl₃ بعد از آن تغلیظ شد و باقی مانده بر یک ستون کارتریج
ژل سیلیکا با CHCl₃ – MeOH به عنوان شوینده کروماتوگرافی گردید. HPLC اجزاء
فعال با استفاده از یک فاز پیوندی آمینو و / (98:2) CHCl₃ – MeOH به عنوان
شوینده باعث تولید شرمیلامین b خالص و کوآنونیامین های d گردید. یک جزء نیمه
خالص کوآنونیامین A حاصل از جداسازی آمینو با یک HPLC بر فاز ثابت سیلیکا با (۴
:۶) CH₂Cl₂ – ETOAC به عنوان شوینده، بیشتر خالص شد و بدین ترتیب
کوآنونیامین A خالص به دست آمده این متابولیست ها نیز از یک نرم تن *Chelynotus*
semeer که نرم تن پوشش دار را می خورد جدا شدند.
۶-۷- متابولیست های اثر استثنای - اسپونجیستائین ها :
مجموعه ای از ماکرولیدهای ضد توموری به نام اسپونجیستائین ها از ۴ اسفنج مختلف
گزارش شده اند : *Spongiasp* ، *Spirasdrella Spinispirulifera* ، *Hyrtios altrum* ،
Cinachyra sp ، این ترکیبات به عنوان متابولیت های اثر یافت می شوند . اولین
ترکیب در این مجموعه ، اسپونجیتائین ۱ (طرح ۳۰) از یک *Spingia Sp* گزارش شد
که از جمهوری مالیدید جمع آوری گردید .

جدا سازی با راهنمایی سنجش زیستی صورت گرفت و استثناً پیچیده بود. بیش از Kg ۴۰۰ جرم اسفنج مرطوب پردازش شد و چالش های زیادی برای دانشمندان تولید کرد. اگرچه جزئیات گزارش شد. تا حدودی ناقص هستند جداسازی با استخراج اسفنج تازه و یا منجمد با استفاده از متانول و به دنبال آن $\text{CH}_2\text{CL}_2\text{-MCOH}$ شروع شد. این عصاره بعد از آن بین متانول - آب ۱:۹ و هگزان تقسیم گردید و سپس فاز آبی در ۲:۳ H_2O - MCOH تنظیم شد و با دی کلرومتان تقسیم گردید. این جزء دی کلرومتان نقطه آغاز برای یک مجموعه آزمایشات کروماتوگرافی بود منجمده مجموعه ای مراحل کروماتوگرافی تقسیم و دفع استریک بر ۲۰ - Sephadexl H ، کروماتوگرافی تقسیم بر ژل سیلیکا، و Hplc با استفاده از یک ۲۰-۵ Mm Preplex ، ستون ۸ C که با H_2O - MCOH - MCN (۷:۵:۵) شسته شد تا $13/8\text{mg}$ از اسپونجیستاتین بدست آید) بازده $10^{-7} \%$ (* ۳/۴).

این ترکیب در مقابل یک زیر مجموعه از انواع تومور مقاوم شیمیایی با مقادیر ۵۰ Gl در دامنه 10^{-11}M * ۲/۵-۳/۵ بی نهایت فعال است.

در جداسازی اسپونجیستاتین ۴ (طرح ۳۱) جزء CH_2CL_2 حاصل از ۲۴۰۹ kg Sperasrerlla Spihisp. Rulifch ابتدا با HPLC جدا شد و در آن از یک سیستم HPLC مقیاس پیلوت بر ستون ژل سیلیکا ، $0/15\text{m}$ * ۳ ، استفاده گردید و در P^{si}

۱۵۰ راه اندازی شد . بعد این عملکرد مجموعه ای از جداسازیهای ۲۰ - Sphadex IH

و مراحل مضاعف Hplc با استفاده از ستونهای بعدی دنبال شد : 2 _ Merck RP

Prepex-Rp-8, Lichrospher 100 RD-18 برای تولید ۱۰/۷mg اسپونجیستاتین ۴

. کوبایاستی و دیگران اسپونجیستاتین ۱ (اصولاً به نام آلتوهیتترین a) راز اسفنج

Hyrtios altum جدا کردند . روند جداسازی عبارت بود از استخراج استون ۱۱۲Kg

اسفنج تازه. این عصاره بین آب و EtOAc با فعالیتی که در فاز EtOAc باقی ماند تقسیم

شد . کروماتوگرافی تکراری ستونی ژل سیلیکا و Hplc جزء فعال اتیل استات باعث

جداسازی ۰/۵ mg اسپونجیستاتین ۱ (آلتوهیتترین A) گردیده به علت اختصار

ارتباطات ، شرایط کروماتوگرافی دقیق گزارش نشده اند .

فیوستانی و دیگران اسپونجیستاتین ۴ (طرح ۳۱) (سینا کیرو لید) راز یک اسفنج با

جنس Cinachyra جدا کردند (شکل ۵) . در این روند ۶/۶ kg اسفنج تازه خرد شد و

سپس با اتانول و بعد استون استخراج گردید . عصاره های ترکیبی تغلیظ شدند و سپس

بین Et₂O و آب تقسیم گردید . بعد از تغلیظ ، عصاره اتری بین ۹۰٪ متانول آبی و

هگزان تقسیم گردید . فاز متانول آبی بعد از آن با استفاده از یک گرادیان مرحله ای

متانول / آب به عنوان شوینده در معرض کروماتوگرافی درخششی بر یک فاز ثابت

ODF قرار گرفت .

اجزاء فعال حاصل از این جداسازی بعد از آن به طور متوالی با استفاده از ۳ سیستم متفاوت Hpl کروماتوگرافی شدند: Capcall Pak C18 8G120-5 با شستشوی گرادینانی (50-80 % MeoH / H₂O t/7) ; Cosmosil 5c18-AR با شستشوی ایزوکراتیک با استفاده از 40% MecN / H₂O (V/V) ، Consosill 5C18-AR با شستشوی ایزوکراتیک با استفاده از 70% MCOH/ H₂O(V/V) بازده نهایی اسپونجیستاتین ۴ عبارت بود از ۱/۱ mg (وزن مرطوب % ۱۰*۱/۸)

۶-۸ تولید میکروبی متابولیست های حاصل از بی مهرگان و گیاه:

ماهیت اثر بی نهایت ترکیباتی مانند اسپونجیستاتین و وجود آنها در ارگانسیم های دیگری که از نظر طبقاتی با آنها مرتبط نیست و از محل های متفاوت جغرافیایی جمع آوری شدند نشان داد که این ترکیبات می توانند یک رژیم غذایی مشترک و یا یک منبع میکرو ارگانسمی جمعی داشته باشند. بحث در مورد ارگانسیم منبع واقعی بسیاری از ترکیباتی که از بی مهرگان ابزی جدا شده اند ادامه دارد. به طور کل اگر یک محصول طبیعی آبی یک یا چند معیار زیر را داشته باشد یک منبع میکرو ارگانسیم ترکیب می تواند در شک و تردید واقع شود:

۱- وجود یک ترکیبات در شاخه مضاعف در مواردی که در آنها ارتباط صید / صیاد

نمی تواند برای ارگانسیم مشخص شود. جداسازی آکالوئید های پیریدینوآکریدین

مانند درسیتامید (طرح ۲۴) از اسفنج Dercitussp و نرم تن Cysdytes یک نمونه

از این است .

۲- شباهت ساختاری ترکیبات با تولیدات میکروبی مشخص . یک مثال از این

اکتیناسیرین ۷۲۹ (طرح ۳۲) است که از نرم تن Ecteinascidia turbinarg مشتق

شده است این ترکیب از نظر ساختاری شبیه به ساframisin a تولید شد ؛

آکتینومیسیت (طرح ۳۳) و ترکیبات مربوطه می باشد .

۳- بازده بی نهایت پایین ترکیب . هر دوی اسپونجیستاتین و آکتیناسیدین ها مثالهایی

از این هستند.

استثناها در این قانون ترکیباتی هستند که بیوستتر نسبتا ساده ای دارند زیرا این امکان

وجود دارد که ارگانسیم های متفاوت از نظر فیلوژنتیکی بتوانند تکامل مسیرهای ساده را

افزایش دهند . به علت مشکل بودن جدا کردن و کشت میکرو ارگانسیم های آبی

هفریست شکست در کشت یک میکرو ارگانسمی که ترکیب را تولید می کند نمی تواند

دلیل محکمی برای تولید بی مهرگان متابولیست باشد . یک هدف اولیه تحقیق در

تعدادی از گروهها عبارتست از تعیین شرایط کشت برای میکرو ارگانسیم هایی که با

گیاهان و بی مهرگان آبی ارتباط دارند . تا این امر صورت پذیرد روش های دیگری

برای تعیین ارگانسمی که مسئول تولید متابولیست ها است استفاده خواهند شد .

تعیین محل ترکیباتی در سلولهای اسفنج توسط تعدادی از گروهها به طور موفقیت آمیز صورت گرفته است. در این تحقیقات ترکیباتدر سلولهای اسفرولوزو کوآنوسیت اسفنج ها یافت شدند. در بیشتر این مطالعات وجود درون همزیستی ها با میکروسکوپی الکترونی و نوری غیر محتمل شمرده شد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که این ترکیبات با خود اسفنج تولید شده اند.

انواع سلولی ابتدا با جدایی اسفنج در آب دریای بدون منیزیم و کلسیم (CMF-ASW) و

بعد با سانتریفوژ دیفرانسیلی بر یک Ficoll ناپیوسته (کلرید سزیم) و یا گرادیان

Precoll جدا شدند. به عنوان مثال تامپسون و دیگران سلولهای *Aplyeina Fistularis*

را با استفاده از یک لوله سانتریفوژ ۵۰ml که محلولهای ۵۰ml از ۱۰، ۲۰، ۲۵، ۳۰ و ۱۵٪

فیکول در CMF-ASW از پایین به بالا به آن اضافه شد جدا کردند. بعد از سانتریفوژ در

۱۰۰۰ rpm برای یکدوره زمانی، سلولها در رابط بین چگالی های متوالی گرد شدند.

آنها بعد از آن با یک پیپت دمیده شدند و بعد از آبکشی سلولها از نظر وجود متابولیت ها

استخراج شده و آنالیز گردیدند. به این طریق انواع مختلف سلولهای اسفنجی از مؤلفه

های باکتریایی جدا گردید.

یک روش متفاوت توسط باولی و دیگران برای تعیین محل متابولیت های

اسفنج *lithistid* : *theonello swinhoei* استفاده شد. *To Swinhoei* دارای ۴

جمعیت سلولی مجزاست : سلولهای اسفنج ، باکتریهای تک سلولی هتروتروفیک ، سیاروباکتریهای تک سلولی و باکتریهای هتروتروفیک رشته ای این اسفنج دارای ۲ ترکیب اصلی است : Swinhplide a (طرح ۳۴) که از نظر ساختاری با سیتوفیکین شبیه است ؛ یک متابولیست سیانو باکتریایی و پپیند - ۹۵۱ (طرح ۳۵) که دارای AHMP (۳-) آمینو - ۴- هیدروکسی - ۶- میتل - ۸- فنیدلوکتا - ۵- ، ۷- اسید (یشو نیک) یک آمینو اسیدی که شبیه به ADPA است، می باشد و این آمینو اسید در متابولیست های سیانید باکتری کشف شد مانند میکروسیتین ها.

در T.Swinhoei سیانو باکتریها در آکتوزوم اسفنج قرار می گیرند هتروتروفیک رشته ای در آندوروم اسفنج قرار دارند تشریح ناخالص آندوزوم از اکتوزوم به دنبال سانتریفوژ دیفرانسیلی اسفنج تفکیک شده بعث جدایی ۴ نوع سلول می گردد. باکتری رشته ای می تواند با سانتریفوژ در 600g به مدت ۵ دقیقه دانه ای می شود. روشنا در بعد از این سانتریفوژها دارای بیش از ۹۵٪ باکتری تک سلولی می باشد. سیانو باکتریها می توانند با 1000g به مدت ۷ دقیقه دانه ای شوند تحلیل های TLC, HPLC, NMR انواع سلولی جدا شد . نشان دادند که Swinhelidea در یک جمعیت مخلوط باکتریهای تک سلولی هتروتروفیک قرار داشته است در حالی که پپیند P951 در باکتری هتروتروفیک رشته ای بوده است . هیچ ترکیبی با سلولهای اسفنجی در ارتبا طن بود.

در یک روش سوم در تعیین محل متابولیست ها ، سیتومتری جریانبرای جداکردن انواع سلولی اسفنجی *Dysidea herbacea* استفاده شده *p. herdacea* شناخته شده دو نوع شیمیایی اسفنج وجود دارد. اولین آنها داریمتَابولیست های اشتغالی آمینو اسید پلی کارفیناته و ستر کوئیتترین بوده است. و دومی دارای اثرهای دی فینیل پلی پرومسینا ته . یک *Becton - Dickinson facsdar* به اضافه گروه بندی سلولی برای جداکردن سلولهای سیانو باکتری از سلولهای اسفنجی در دو نوع شیمیایی بر اساس فلئوئورسانس استفاده شد. تحلیل *Gclms NMR* نشان داد که ستر کوئیتترین، هر بادیسدولئید (طرح ۳۶) و اسپیرودیسین (طرح ۳۷) در بخش سلول اسفنجی غیر فلئوئورسانی قرار داشته اند و ۱۳- دی میتل ایزوردی سیدین (طرح ۳۸) در سلولهای سیانو باکتریایی قرار داشته است. در نوع شیمیایی دوم، ۲-- (۲، ۴، دی بروموفیل) -۴ و ۶ دی یروموفنول (طرح ۳۹) در جزء سیانو باکتریایی قرار داشته است.

تعدادی از ترکیبات بی نهایت سعی که اصولاً در بی مهرگان دریایی دیده شده اند با باکتریهای آبزی و یا دنیوفلاژرات های مربوط به این ارگانسیم های تولیدمی شوند. تعدادی از مقالات در این زمینه به چاپ رسیده اند. یک فعال اسید اوکادائیک (طرح ۴۰) است و این یک ماده سمی است که از اسفنج *Halichondria Okadai*

گزارش شده است. این با دی نوفلاژرات *Pinopnysis sp* , *prorocentraum lime*

تولید می شود یکی از عوامل سببی سعی شده صدف ماهی دیاریتیک می باشد.

۷- خلاصه بحث :

عواملی مانند عدم قطیعت در شناسایی ارگانسیم منبع ، آلودگی مقطعی با دیگر ارگانسیم

ها، ماهیت اثر تعدادی از ترکیبات بی نهایت زیست فعال ، رژیم غذایی و سنتز میکروبی

متابولیت ها ، عاملیت های شیمیایی غیر منتظره و متنوع کلی ارگانسیم های آبرزی و

زیستگاهها همگی در ارائه یک تضاد در بین شیمیدانان محصولات طبیعی نقش دارند .

برای موفقیت در صنعت شیمیایی محصولات طبیعی آبرزی باید شخص هوشمند باشد و

از روش های زیادی برای خالص کردن مندرجات مقام اجزاء استفاده کند.

افزایش مقیاس جداسازی محصولات طبیعی

۱- مقدمه :

اصطلاح افزایش مقیاس در اینجا افزایش بازده محصول تفسیر می شود این نوع افزایش یا افزایش مقیاس عملکرد و یا افزایش غلظت محصول ماده آغازین به دست می آید. در مورد ، این فصل افزایش مقیاسی را ماکزیمی در نظر می گیرد که در یک محیط آزمایشگاهی به دست می آید بنابراین عملیاتی که به تسهیلات مقیاس فرآیند و کارشناسی مهندسی شیمی نیاز دارند. مستثنی می شوند. این فصل با توجه به متابولیست های ثانویه میکروبی می باشد ولی جنبه های زیادی از جداسازی می توانند برای محصولات گیاهی به کار روند. اگر چه تسهیلات مقیاسی آزمایشگاهی برای مقیاس های بالاتر عملیات در نظر گرفته می شوند. مانند به کار بری حجم های ۵ تا ۱۰، یک میز کار بالای 750mm برای ارتفاع استاندارد 900mm ارجح خواهد بود. برای عملیاتی که به یک دودکش نیاز دارند یک نوع Walkin (یعنی داشتن Benching قابل حرکت و قابل تنظیم) به همین دلیل توصیه می شود . فرض برای است که تحقیر کننده L-10 و وسایل مربوط به پردازش محتواهای آنها به مقیاس ماکزیمم آزمایشگاهی راحت می باشد.

اصطلاح "تولیدات طبیعی" بسیاری از مولکولهای مختلف شیمیایی را که توسط گروههای متفاوت میکرو ارگانیسم ها تولید می شوند در بر می گیرد. این تنوع فرمول بندی فرآیندهای کلی استخراج رامشکل می سازد. با این وجود معلومات اولیه نسبت به طبقه شیمیایی ترکیب موردنظر، مقایسات مفید را با فرآیند های موجود ممکن می سازد و بدین ترتیب یک روش منطقی آغازین برای خالص سازی به دست می آید.

در دوره های خیلی اصولی چه برای تولیدات درونی سلولی یا خارج سلولی، پردازش جریان پایین معمولاً مستلزم یک مرحله طبقه بندی به دنبال جذب یک رزین وی استخراج حلال به دنبال تغلیظ می باشد در هر حالت کروماتوگرافی بیشتر برای حذف ناخالصی ها معمولاً با تغلیظ دنبال می شود پس با بلور سازی و خشک کردن انجمادی جهت تولید محصول نهایی.

به طور نمونه در طی توسعه اولیه، هر مرحله در فرآیند می تواند یک بازده ۸۰٪ داشته باشد بنابراین بعد از ۶ مرحله فقط ۲۶٪ محصول اصلی باقی خواهد ماند. این بیانگر مزیت شروع کار با سطح بالای مواد تا حد ممکن می باشد. به علاوه در پردازش آبگوشتهای پرتیتر، نسبت اتلاف به علت جذب سطحی غیر ویژه و دفع اجزاء کروماتوگرافی ناخالص کاهش خواهد یافت.

بنابراین اگر چه توسعه فرآیند برای جداسازی محصول طبیعی معمولاً مستلزم بهینه سازی عملیات پایین رود است راندمان فرآیند کلی تا حد زیادی با افزایش تیترا محصول در آبگوشت تحقیرکننده در برداشت تسهیل می گردد. مقادیر اولیه یک ترکیب جدید می توانند در طول زمان به عنوان معیار اصولی تولید شوند بتوان به داده هایی در مورد توان / میزان انتخاب محصول خالص شده است یافت و این در نهایت منجر به اولین ثبت اختراع می گردد. با پیشرفت کار نه تنها افزایش مقیاس بلکه افزایش بازده و پیشرفت های اقتصاد بی نهایت مهم می گردند. هر فرآیند مقیاس توسعه یافته می تواند به مرحله بعدی افزایش مقیاس واحد نیمه صنعتی را باید و ایمنی تواند موثر باشد یعنی تحت تأثیر زیاد تغییرات کوچک در ترکیب ذخیره غذایی واقع نمی شود و به کنترل دقیق پارامترهای فرآیند بستگی ندارد. به عنوان یک رهنمود یک شخص باید در هر مرحله هدفی معادل دسترسی به بازده ۹۰٪ داشته باشد. هر مرحله باید با توجه به حذف ناخالصی ها تا حد ممکن مؤثر باشد زیرا آشکار است که تعداد کراکل هنوز نباید بیش از ۶ تا باشد تا بتوان با یک بازده کلی ۵۰٪ دست یافت. کار بهینه سازی موفق در این رابطه به سنجش معتبر کمی برای ترکیب مورد نظر بستگی دارد.

۲- سیستم های سنجش :

بسیاری از محصولات طبیعی در نتیجه غربال بیولوژیکی کشف می شوند . در حالی که نیازی نیست روش های کشف کمی باشند . با این وجود در مقام جنبه های افزایش مقیاس به یک سنجش معتبر کمی برای ترکیب مورد نظر نیاز است . سنجش غربالی بر اساس واکنش بیوشیمیایی خواهد بود و برای یک نوع خاص از نمونه طرح ریزی می شود (مانند یک آبگوشت تحضیری) . بیشتر متابولیت های ثانویه به عنوان مخلوطهای ترکیبات مرتبط تولید می شوند و چنین سنجشی فقط یک ارزش کلی فعالیت در سیستم آزمایشی ارائه می کند . واکنش سنجش می تواند به علت ترکیباتی با درجات متفاوت فعالیت و یا جنبش متفاوت در سیستم آزمایشی باشد . این امکان نیز وجود دارد که کم و زیادی اثر و یا ناسازگاری بین مؤلفه های مخلوط وجود داشته باشد . هنگام توسعه یک روش برای افزایش مقیاس لازم است که افزایش غلظت محصول در تحضیر و افزایش خلوص بعد از هر مرحله خالص سازی ارزیابی شود . به این دلایل مطلوب است که از یک روش کروماتوگرافیک با کشف فیزیکی استفاده شود . Hplc با کشف uv زمانی ایده آل است که مؤلفه ها یک کلروموفور مناسب داشته باشند. در صورت عدم وجود یک کلروموفور کشف ضریب شکست نور مفید است ولی معمولاً حساسیت کمتری دارد . اکنون که کشف یابهای مبنای اسپکتروسکوپی جرمی به آسانی در دسترس هستند اینها

مؤثرتر و بهتر می باشند. شوینده Hplc می تواند برای جریان کل یونی، یون والد انتخابی یا یون قطعه انتخابی کنترل شود. در بعضی موارد همین یون قطعه ای از اعضای متفاوت یک مجموعه آنالوگها بدست می آید و می تواند برای مجموعه ها عامل تشخیصی باشد.

صرفنظر از سیستم سنجش لازم است ارزیابی مناسبی از افزایش در بازده محصول ناشی از آزمایشات بهینه سازی داشته باشیم.

۳- توسعه تحضیر

۳-۱: مقیاس عملیاتی:

رشد اولیه ارگانیسم تولید کننده بر آگار خواهد بود و به کشت مایع منتقل خواهد شد و سپس افزایش مقیاس بالغ بر ۷۰L ۱۰L آبگوشت کشت برای جداسازی مقادیر بیشتر ترکیب مورد نیاز خواهد بود.

۳-۱-۱: انتقال به محیط مایع:

معمولاً ۳ تویی آگار (قطر ۱۰mm) به ۵۰ یا ۱۰۰ml محیط در یک فلاسک تکان ml ۵۰۰ منتقل می شود و به دنبال آن انکوباسیون تحت شرایط دمایی و تکان دادن انجام می شود (۲۴۰rpm تکاننده اربیتال، ۵۰ mm پرتاب در ۲۸ °C برای استرپتومیسیت ها می باشد). برای یک برنامه تعمیم یافته کاری یک ذخیره همگن از هاگها و یا کشت

رویشی با رشد تعلیق مجدد از یک صفحه آگار در یک Cryopreservative (مانند ۲۰٪)

گلیسرول ، ۱۰٪ لاکتوز) و ذخیره به عنوان Imlaliquots در نیتروژن مایع و یا در ۸۰^oC تهیه می شود .

۲-۱-۳- : افزایش مقیاس :

کشت های اولیه مایع در مثلا فلاسک های تکانی ۵۰۰ ml می توانند یک حجم کافی از ابگوشت تحضیری برای تولید رشد و ساختارهای تولید و برای آزمایشات جدا سازی اولیه مربوط به تأیید ، ثبات ، حلالیت محلول و میل ترکیبی به رزین های کروماتوگرافیک ارائه کنند .

افزایش مقیاس تا ۱۰ L -vol به استفاده از تحضیر کننده های مقیاس کوچک نیاز دارد

و نه فلاسکهای تکانی . تولید ۱۰L ابگوشت در این فلاسک ها ظرفیت تکاننده مقیاس

بزرگ را می طلبد (۲۰ L * ۳۴ فلسک هر یک دارای ۳۰۰ml محیط) که شاید در

آزمایشگاهها در دسترس نباشد . برعکس ، تحضیر کننده قابل اتوکلاو benchtop با ۱۰

حجم کاری از سوی تعدادی از تولید کنندگان در دسترس است . به علاوه آنها دارای

این مزیت هستند که کنترل پیوسته فرآیند را عملی می سازند و فستی برای انجام

آزمایشات مواد غذایی و بهینه سازی پارامترهای عملیاتی بدست می دهند . مشکل انتقال

یک تحضیر از فلاسکهای فوق به تحضیر کننده ها نباید نادیده گرفته شود. اگر چه ۱۰ L

آبگوشت می تواند از یک مجرای واحد بدست آید انجام یک برنامه پیشرفت تحضير حداقل به ۴ و در صورت ارجح به ۸ مجرا نیاز دارد .

هیچ قانون درستی برای انتقال موفقیت آمیز کشت های فلاسک تکانی به تحضير کننده وجود ندارد . برای بسیار از گروه های ارگانیک هایی که ترکیبات مشخص تولید می

کنند یک جستجو و تحقیق از سوابق مکتوب داده های مفیدی در مورد هوادهی ، همزدن ، دما ، فشار و کف سازی بدست می دهد . وقتی هیچ داده ای در دسترس نباشد ،

اکسیداسیون سولفید برای برآورد سرعت های انتقال اکسیژن در فلاسک ها استفاده می شود . و شرایط انکوباسون در تحضير کننده می توانند تنظیم شوند تا سرعت های مشابه

و فزاینده در مجراها حاصل شود . این عملکرد با سنجش جنبش های اکسیداسیون سولفید به سولفات در یک تحضير کننده هوا دهی / هم زن در یک تحضير کننده بر

سرعت های انتقال جرم قابل برآورد است . با این وجود باید بدانید که سرعت های مطلق انتقال جرم که در یک سیستم سنتزی تعیین می شوند متفاوت با سرعت هایی

هستند که در یک تحضير واقعی سنجش شده اند و این خود به دلیل اثر عواملی مانند PH ، استحکام یونی و وجود ناخالصی های کاتالیکی است . با این وجود در بسیاری از

موارد فلاسک های تکانی نمی توانند شرایط مطلوبی تولید کنند و وقتی شرایط اولیه تحضير حاصل شوند افزایش بازده باید با آزمایشات بیشتر حاصل شود.

تعدادی پارامتر متفاوت می تواند برای رسیدن به مقیاس بندی موفق بین تحضیر کننده هایی با اندازه متفاوت استفاده شود. به طور کل یک عامل به تنهایی مانند سرعت اوج هم زن زمانی ثابت حفظ می شود که تحضیر در مجراهایی با اندازه متفاوت صورت گیرد. این پارامتر خاص مورد استفاده به ماهیت آبگوشت تحضیر بستگی دارد. بنابراین سرعت اوج همزن می تواند سرعت نیروی برشی را تعیین کند و این خود بر اندازه توده های میکروبی و آسیب وارد به سلولهای قابل زیست اثر می گذارد. عدد Reynolds و ورودی توان در هر حجم واحد بر ضرایب انتقال جرم در رآکتور اثر می گذارد و ورودی توان در طی هوادهی می تواند تعیین کننده اندازه موتوری مورد نیاز برای تحضیر کننده باشد (به خصوص باری تحضیرهایی با ویسکازیتة بالا). در تحضیر کننده های مخلوط یک زمان مشخص مخلوط وجود دارد که تعیین کننده طول زمان حرکت سیال از impeller می باشد. در مجراهای بزرگ، این پارامتر باید برای تضمین درجه بالای همگنی در آبگوشت تحضیر در نظر گرفته شود.

علاوه بر پارامترهای فیزیکی که در بالا توصیف شدند تعدادی عوامل دیگر در رابطه با کشت و محیط باید برای انتقال آبگوشت یک فرآیند از فلاسکها به تحضیر کننده و همچنین برای افزایش مقیاس تا مجراهای بزرگتر در نظر گرفته شوند. این عوامل عبارتند از تهیه ذخیره کشت که رشد تکرار پذیر رابعد از تولید مثل دوباره ممکن می

سازد ، روش مایهکوبی که می تواند به تعدادی فلاسک و مراحل تشکیل تخم تحضیر کننده نیاز داشته باشد ، یک ارزیابی از قابلیت تغییر در فرآیند ، هزینه و میزان دسترسی به مؤلفه های محیط و روش استریلیزه در تحضیر کننده . تحضیر کننده های ریز با حجم کاری ۲ L یک مرحله میانی در فرآیند افزایش مقیاس تولید می کنند . در این مقیاس شکل هندسی تحضیر کننده متفاوت با همتهای بزرگتر آنها است و تعدنات منافذ و دیگر ورودیهای مجرای وجود داشته باشد . این امر مقیاس بندی موفق را بین اینها و دیگر مجراها مشکلتر می سازد .

در هر مرحله از افزایش مقیاس کشت ، معیار اصلی برای موفقیت تولید محصول مطلوب است و باید این معیار را به درستی دنبال کرد . اهمیت روش های سنجش معتبر مورد تأکید قرار گرفته است . اگر چه اتلاف فعالیت می تواند در آزمایشات اولیه افزایش مقیاس روی دهد با بهینه سازی عوامل فوق الذکر می توان این مشکل را حل کرد .

۲-۳: پیشرفت در تحضیر جهت افزایش تیترا :

تعدادی استراتژی می تواند برای افزایش تیترا و بازده در یک تحضیر استفاده شود . در کوتاه مدت این استراتژیها عبارتند از توسعه محیط ، بهینه سازی شرایط تحضیر ، و توسعه مایه کوبی . این استراتژیها در زیر توصیف می شوند . در دراز مدت روش های کلی (مانند همگروه سازی برای بروز بیش از حد ، جهش ارگانیسم تولید کننده ،

جداسازی مجدد نژاد تولید کننده) ، تغییرات بیوشیمیایی مسیر بیونستری ، تئوری کنترل متابولیک و بهینه سازی ذخیره کشت و مراحل تولید مثل همگی به طور موفقیت آمیز استفاده شده اند ولی در خارج از حوصله این کتاب هستند . مثالهای زیادی در سوابق مکتوب وجود دارد که تولید بیشتر متابولیت های خاص را . معمولا در نتیجه روش واحد در توسعه تیترا مثلا توسعه محیط ، توصیف می کنند . یکی از بررسیهای جامع تر در مورد توسعه تحضیر و پیشرفت فرآیند برای تولید یک avermectin می باشد . این بررسی یک آگاهی در مورد پیشرفت های نسبی حاصل از روش های خاص توسعه تیترا و بر هم کنش های بین آنها ارائه می کند .

۱-۲-۳- توسعه محیط :

یک محیط نمونه برای افزایش محصول طبیعی باید ذخایر کافی غذایی را برای رشد سلول و بیوستنز محصول فراهم کند . مواد غذایی عبارتند از منابع کربن ، نیتروژن ، فسفر ، سولفور ، پتاسیم و آثار عناصری مانند آهن و کبالت . در بسیاری از موارد استفاده از منابع پیچیده و نامشخص نیتروژن مانند آرد سویا می تواند سطوح کافی فسفات ، سولفات و دیگر یون ها را تأمین کند . در حقیقت تعدادی از محیط های ساده می توانند فقط یک منبع کربن و منبع نیتروژن با مخلوطی از عناصر اثر باشند . در بعضی موارد

مقادیر مهمی از کربنات کلسیم و یا یون های فسفات می تواند برای بافرکران PH اضافه شوند و نه برای بر آوردن نیازهای خاص عنصری .

توسعه محیط در ساده ترین شکل خود یک محیط آغازین است و شاید این سئوالات در آن مطرح باشد :

- ۱- اثرات غلظت های متفاوت هر مؤلفه محیطی چیست ؟
 - ۲- ماده غذایی محدود کننده چیست ؟
 - ۳- اثر جانشین کردن هر مؤلفه با یک منبع غذایی متناوب چیست ؟
 - ۴- آیا ترکیبات متناوب از منابع غذایی عمده یافت می شوند که بتوانند تولید تیتراهای بیشتر را موجب شوند؟
- در بسیاری از موارد تشکیل متابولیت های ثانویه با محدودیت غذایی و نمونه هایی از تنظیم با کربن ، نیتروژن و فسفات به راحتی آشکار هستند . تولید محصولات طبیعی خاص نیز می تواند تحت تأثیر سطوح پایین عناصر اثر باشد مانند کبالت ، و یا دیگر مؤلفه های کوچک محیط مانند سولفات با این وجود در صورت عدم وجود معلومات کافی نسبت به توسعه محیط ، آزمایشات اولیه برای تغییر نوع و سطح منابع کربن و نیتروژن باعث افزایش تیترا می شوند . مقدار فراوان منابع کربن و نیتروژن در فرآیندهای تحضیر استفاده شده اند و آزمایش اثرات تمام اینها بر تولید یک متابولیت خاص عملی

نخواهد بود. یک روش مفید عبارتست از طبقه بندی منابع موجود کربن و نیتروژن به

تعداد کمی از طبقات مجزای شیمیایی و سپس آزمایش نمایندگان هر طبقه.

انواع ممکن منابع کربن: ۶ شکر کربن، ۴ و ۵ شکر کربن، مونو-دی- پلی ساکارید،

روغن و چربی، اسیدهای آلی و غیره.

انواع ممکن منابع نیتروژن: محصولات مخمر، پپتون، عصاره های گوشتی، مواد غذایی

و آرد، مواد غیر آلی و غیره.

اگر معلومات اولیه در مورد انواع میکرو ارگانیسم و یا نوع محصول وجود داشته باشد

یک تحقیق از سوابق مکتوب می تواند اطلاعات مفیدی در مورد اثر منابع مختلف غذایی

ارائه کند. اگر ساختار محصول مشخص باشد یک ملاحظه تئوریک از مسیرهای

بیوسنتزی می تواند فواید استفاده از منابع ویژه را نشان دهد. (به عنوان مثال یک منبع

نیتروژن با سطوح بالای آمینو اسیدهای خاص). با این وجود یک غربال تصادفی و

اولیه محیط می تواند مستلزم آزمایش دو و یا سه کاندید از هر طبقه منبع کربن و نیتروژن

باشد. این کاندیدها بر اساس میزان دسترسی، هزینه و اثرات ممکن بر فرآیند پایین رود

انتخاب می شوند.

۲-۲-۳: طرح آزمایشگاه :

تعداد زیادی توسعه محیطی در فلاسک ها با استراتژی دقیق آزمایشگاه بسته به مقدار و کیفیت معلومات اولیه به وجود خواهد آمد.

یک روش ساده در این نوع توسعه عبارت است از غربال تصادفی تعدادی از محیط های

متناسب. این یک روش معتبر در صورت نداشتن اطلاعات اولیه خواهد بود برای تولیدات

کاملاً جدید گروه های ارگانیک های شناخته شده نیستند مفید باشد. با این وجود در

بیشتر موارد حداقل تعدادی داده در مورد نیازهای رشد و یا تولید وجود نخواهد داشت از

سوابق مکتوب و یا تجربیات قبلی و روش منطقی تر پیشرفت سریع تر را در جهت

افزایش تیتراژ می سازد.

روش های مختلف طراحی آزمایشگاهی وجود دارد که برای بهینه سازی محیط می تواند

استفاده شوند. روش ساده ای که به طور موفق در برنامه های پیشرفت تیتراژ استفاده

شده اند. در زیر توصیف می شوند. این روش ها باید اساسی برای مطالعات اولیه توسعه

محیط باشند که در آزمایشگاه روی می دهند. دیگر روش ها به معلومات عمیق تر آماری

من جمله بهینه سازی، تحلیل چند متغیری و تحلیل مؤلفه های اصولی نیاز دارند که در زیر

بررسی می شوند:

۱- یک عامل در یک زمان :

این نوع سنتی آزمایش هر چیزی را ثابت نگه می دارد و فقط یک مؤلفه را در یک زمان تغییر می دهد. این روش در صورتی معتبر است که عامل انتخابی یک اثر گذار بحرانی تیر باشد ولی دارای این نقص است که عوامل بحرانی را شناسایی نمی کند هیچ داده ای در مورد بر هم کنش این عوامل ارائه نمی نماید.

۲- آزمایشگاه مل فاکتوری :

این آزمایشات داده های جامعی در مورد اثرات و بر هم کنش های عوامل انتخابی ارائه می کنند ولی نقص آنها این است که زمان، هزینه و منابع زیادی را می طلبد. به عنوان مثال برای بررسی ۴ عامل هر یک در ۴ سطح ۲۵۶ درمان آزمایشگاهی مورد نیاز است. اگر چه این عوامل اثرات مهمی بر تیر محصول نداشته باشند این خطر وجود دارد که بیشتر آن اطلاعات مربوط به عواملی خواهند بود که بر اثر کمی بر تیر نهایی دارند. بنابراین چنین آزمایشاتی در مراحل بعدی توسعه محیط بعد از شناسایی چندین عامل بحرانی انجام خواهد شد.

۳- آزمایشات فاکتوری کسری :

این روش بر اساس کار پالت و با رمان به طور موفقیت آمیزی برای تعیین این که کدام مؤلفه های محیط بیشترین اثر را بر تولید متابولیست دارند به کار رفته است. در چنین

آزمایشاتی تعدادی داده در مورد بر هم کنش های بین عوامل از بین می روند و بنابراین عوامل بیشتری باید در همان تعداددرمان آزمایشگاهی بررسی شوند. هر مولفه محیط به عنوان یک عامل در نظر گرفته می شود و در دو سطح متفاوت آزمایش می گردد. بنابراین اگر محیط کنترل دارای ۲٪ گلوکز باشد این گلوکز در ۱ و ۴٪ آزمایش می شود. با استفاده از طرحهای استاندارد یک محیطی که دارای ۷ مولفه جداگانه است (یعنی ۷ عامل) می تواند در ۸ درمان آزمایشگاهی تحلیل شود. این نوع آزمایش برای بهینه سازی یک محیط طراحی نشده است بلکه برای شناسایی عوامل بحرانی و جهت اثر آن بر سیستم طراحی شده است. بنابراین یک آزمایش اولیه فاکتوری کسری در مورد مولفه های محیط می تواند در مراحل اولیه توسعه محیط انجام شود تا یک اساس منطقی برای آزمایشات بیشتر به دست می آید.

۴- آزمایش آرایه:

این آزمایشات بررسی جفتهای عوامل هر یک در ۳ سطح متفاوت می باشد (سطح کنترل ۲ * کنترل و ۵/۰ * کنترل). جفت های نمونه عوامل عبارتند از:

الف) سطح منبع کربن در مقابل سطح منبع تیترو و ژل.

ب) نوعی منبع تیترو و ژل در مقابل سطح منبع کربن.

بنابراین برای یک محیط کنترل که دارای مثلاً ۲٪ گلوکز و ۱٪ آردسویا است. مثال الف بالا می تواند ۱ و ۲ و ۴٪ گلوکز رادر هر ۵/۰، ۱ و ۲٪ آردسویا آزمایش کند، یعنی یکرقم کل ۹ درمان. تعیینتیر در هر محیط آزمایش ترسیم سطوح را ممکن می سازد و از اینجا اثرات سطوح بالا وپایین هر عامل ویر هم کنش های آنها به راحتی شناسایی می شود. این آزمایشات همانند آزمایشات فاکتوری کسری فوق برای بهینه سازی مطلق طراحی نشده اند بلکه برای شناسایی سریع روندهایی می باشند که به افزایش تیر می انجامند.

۳-۲-۳: بهینه سازی شرایط تخمیر کننده:

اگر چه داده هایی در مورد شرایط تخمیر می تواند از فلاسکهای تکانی به دست آیند این آزمایشات باید به طور مطلوب در تخمیر کننده ها انجام شوند یعنی در جایی که کنترل دقیق تر فرآیند عملی باشد. با این وجود یک آزمایش اولیه فلاسک می تواند یک نوع بررسی از دما، هوادهی (حجم محیط)، هم زدن، سطوح مایه کوبی باشد. این آزمایش بهعنوانیک طرح فاکتوری کسری. یا مجموعه ای از آزمایشات آرایه انجام می شود مانندآزمایش هوادهی (حجم محیط) در مقابل دما.

اگر تعدادی تخمیر کننده کوچک در دسترس باشند یک آزمایش مقدماتی در ۴ مجرا می تواند یک تقاطع جریان هوای هم زدن با استفاده از جریان هوای بالای هم زدن بالا،

جریان هوای بالای همزدن پایین ، جریان هوای پایین / هم زدن بالا و جریان هوای پایین / هم زدن پایین باشد.

چنین آزمایشی به طور نرمال بایک محیط توسعه یافته و در یک دمای برای حمایت از تیرهای کافی محصول انجام می شود.

آزمایشات بیشتری که بتوانند به طور سودمند در تخمیر کننده ها انجام می شوند عبارتند از کنترل ، سطوح خاص ، رژیم های تغذیه ای و کنترل سطوح اکسیژن . بسته به سطح ابزار ، تعدادی استراتژی برای کنترل اکسیژن محلول (dot) می تواند بررسی شوند مانند افزایش سرعت جریان هوا و یا سرعت هم زدن جهت حفظ سطوح dot در ملی رشد سلول و یا تغییر یک پارامتر خاص بعد از فاز اولیه رشد.

افزایش حجم تخمیر تا مقیاس واحد صنعتی و ماورای آن به بهینه سازی تفصیلی شرایط تخمیر نیاز دارد تا پارامترهایی مانند رژیم استرلیزه ، وسیکازیتة محیط ، نیروی برش impeller و کف سازی نیز در نظر گرفته شوند.

هر نوع تغییری در شرایط تخمیر کننده باعث تغییر ساختار تخمیر می گردد و تغییر در سرعت رشد سطوح نهایی زیست توان بر تشریح کل آبگوشت اثر می گذارد مورفولوژی تعدادی از ارگانیسم ها به خصوص قارچ ها می تواند در تخمیر کننده هادر مقایسه بافلاسکها ، کاملاً متفاوت باشد و این به علت سطوح مایه کوبی ، سطوح اکسیژن محلول

، رژیم های هم زدن و نیروی برش می باشد. تغییر در این مورفولوژی نه تنها بر بازده کشت اثر می گذارد بلکه بر تشریحات بعدی نیز اثر گذار است. بنابراین در صورت امکان آزمایشات اولیه استخراج باید برای آبگوشت کشت که از عملکرد تخمیر کننده ها به دست آمده است انجام گیرند.

۴-۲-۳: توسعه مرحله تخم:

تولید 10 love آبگوشت کشت مستلزم استفاده از حداقل یک مرحله تخم جهت ارائه سطوح کافی مایه کوبی می باشد. در بعضی موارد این یک اثر مهمی بر تترهای مرحله نهایی دارد. این اثر با مدت مرحله تخم، دمای آنکوباسیون، سطح مایه کوبی و منبع اصلی مایه کوبی اعمال می شود و تمام اینها در کیفیت تخمیر مرحله نهایی نقش دارند.

در بیشتر موارد هر گونه اثر بر پردازش پایین رود تغییرات در رژیم مرحله تخم به علت اختلاف در زیست توده ای است که بر تشریح اثر می گذارد. با این وجود استفاده از محیط تغییر یافته تخم می تواند باعث ساختار متفاوت ناخالصی در ملی جداسازی گردد. در این جا است که تغییر مراحل کروماتوگرافی جهت رسیدن به درجه خلوص مطلوب محصول نهایی الزامی خواهد بود.

۴- اثر پردازش پایین رود :

از استراتژیهای کوتاه مدت برای توسعه تیترا، بیشترین افزایش ها ابتدا از توسعه محیط حاصل می شوند. با این وجود این بالاترین اثر را بر پردازش پایین رود دارد. حتی تغییرات کوچک در محیط میتوانند عواقب مهمی در فرآیند بعدی جداسازی داشته باشند اینها می توانند عبارت باشند از سطح تغییر یافته زیست توده که مرحله تغییر یافته تصفیه را الزامی می سازد به طور متناوب ترکیبی از مولفه های محیط خاص و شرایط تخمیر می تواند موجب تولید ناخالصی های بیوشیمیایی غیر قابل ردیابی می گردد که برای دفع بهیک گروه کروماتوگرافی بایک کاهش در بازده کلی فرآیند نیاز دارند تعدادی مثال ویژه در جدول ۱ ارائه شد.

تمام اثرات شرایط تخمیر و محیط تغییر یافته برای پردازش پایین رود مخرب نخواهند بود به عنوان مثال تغییراتی در مورفولوژی کشت می تواند باعث تصفیه ساده تر گردد. در بسیاری موارد اثر کلی تغییر تخمیر آشکار نخواهد شد تا اینکه فواصل تا فرآیند جداسازی به وجود آید یعنی زمانی که داده ها در مورد درجه خلوص جریان محصول در دسترس باشند یک فرآیند توسعه یافته برای یک محیط خاص می تواند شامل مراحل کروماتوگرافی برای دفع ناخالصی های آن محیط باشد تغییر در یک مولفه محیط می تواند باعث تغییر در ساختار ناخالصی گردد و این خود مراحل بیشتر کروماتوگرافی را در

جهت دسترسی به یک تولیدی با درجه خلوص مطلوب الزامی می سازد برعکس ،
تعدادی از محیط های ناخالصی های کمتری دارند و نیاز به مجموعه ای از روندهای
مختلف کروماتوگرافی را رفع می کنند.

ناخالصی ها در یک فرآیند نیز استخراج در نتیجه تخمیر در ۲ طبقه قرار می گیرند:
فیزیکی و بیوشیمیایی .

ناخالصی های فیزیک عبارتند از : ناخالصی های سلولها ، ضایعات سلولی و مولفها غیر
محلول محیط که بیشتر آنها با مراحل اولیه تصفیه از بین می روند. این فرآیند با شرایط
اولیه آبگوشتی آسان می گردد . به عنوان مثال افزایش عوامل لخته سازی ، تنظیم PH و یا
حرارت درمانی ، چنین عملیاتی باعث توسعه رهایی تولیدات داخلی سلولی به فاز مایع
می گردند و بدین وسیله نیاز به استخراج کامل سلولی از بین می رود. تجزیه سلولی نیز
باعث افزایش بار ناخالص بیوشیمیایی می گردد.

ناخالصی های بیوشیمیایی از مولفه های محیطی ، ضد کف ها ، روغن ها ، ویونهای
فلزی ناشی می شوند و می توانند دارای متابولیست هایی باشند که با ترکیبات موردنظر
ارتباط نزدیک دارند آنها همگی می توانند به روندهای تجربی جداسازی اثر بگذارند .
بنابراین لازم است که ارتباط نزدیکی بین دانشمندان استخراج و تخمیر در طی تمام
جنبه های افزایشی مقیاس وجود داشته باشد تا تضمین شود که توسعه های تخمیری اثر

معکوس بر روندهای جداسازی ندارند. تغییر اجتناب ناپذیر ماهیت ذخیره غذایی نیاز به
سنجش خاص کمی را برای تولید و سنجش درجه خلوص تولید را در فرآیند جداسازی
الزامی می سازد.

۵- توسعه فرآیند پایین رود

۵-۱- داده های اولیه :

چون یکی از اهداف افزایش مقیاس افزایش بازده، یعنی نسبت به تولید جدا شده می
باشد. علم به ثبات ترکیب یک عامل مفیدی است. روندهایی که از شرایطی کم ثبات
ترکیب استفاده می کنند می توانند به کنار گذاشته شوند تا از میزان اتلاف کاسته شوند.
اگر داده ها تعیین شده اند، می توان ثبات پذیری را تحت یکسری از شرایط دمایی و PH
بستگی دارد. یعنی از ترکیباتی که در حالت خالص نسبتاً ناپایدار هستند می توانند با
جفت شدن با دیگر ترکیبات پایدار گردند متابولیت های ثانویه میکروبی معمولاً در
سلولهای قابل زیست و رو به رشد سنتز می شوند. و می توانند به طور کامل و یا نسبی
به محیط پیرامون ترشح کنند. تعیین ویژگیهای نسبی به این معناست که محصول با جزء
سلولی در تصفیه و یا سانتریفوژ جمع آوری می شود. محل دقیق در سلول و یا بر سلول
مهم نیست.

جداسازی در صورتی ساده تر و بازده نیز در صورتی بیشتر است که محصول کاملاً در سلول و یاسیال کشت قرار داشته باشد. شاید بتوان تخمیر را تغییر داد تا بتوان محصول را کاملاً در سلول به یک فاز منتقل کرد. این را می توان با تنظیم ماده PH و یا با ابزار دیگری انجام داد مانند حرارت درمانی بعد از برداشت. به عنوان مثال یک مولفه اسیدی می تواند در PH=400 درون سلولی باشد و این به علت حلالیت پایین آب و یا جذب سطحی در لیبیدهای سلولی است ولی در PH بالاتر شکل آینونی خارج سلولی خواهد بود.

۲-۵ - محصولات درون سلولی :

محصولات پروتئینی درون سلولی اغلب با متلاشی شدن سلول آزاد می شوند بنابراین مخلوط حاصل شامل تمام مواد سلولی است و هیچ خالص سازی مورد نیاز نیست ، برعکس ، متابولیت های میکروبی ثانویه می توانند به طور انتخابی با حلال های آلی مخلوط در آب از سلولها شسته شوند. گاهی اوقات استخراج انتخابی تر (اگر چه کند تر) می تواند با حلال های کم قطبی غیر مخلوطی در آب حاصل شوند. برای استخراج انتخابی نیز با استفاده از سیستم های حلال بر اساس دی اکسید کربن فوق بحرانی نیز حوزه ای وجود دارد. ارزش آنرا دارد که اندکی وقت برای این مرحله جهت کاهش بار ناخالصی در مراحل بعدی صرف کنیم ولی نمی توان به طور قطع یک مرحله واحد را در

آن واحد بهیبه کرد تمام تحضیر و فرآیند توسعه استخراج یک سیستم دینامیکی است و بهینه سازی یک فرآیند تکراری می باشد. هدف در این مرحله دسترسی به یک عصاره ای است که دارای محصول مطلوب و محصولات مربوطه است ولی بدون مواد آلوده کننده در مواد منبع. خالص سازی بیشتر می تواند به وسیله تعدادی از روش ها برای محصولات خارج سلولی که در بخش ۳-۵ توصیف شوند انجام شود.

یک ماده آلوده کننده پر دردسر ضد کف تحضیر است. اثرات آن می توانند گاهی اوقات با استخراج اولیه توسط یک حلال غیر قطبی مانند هگزان کاهش یابند حتی اگر به طور کامل دفع نشوند.

افزایش مقیاس این روند ها به آسانی با استفاده از وسیله سستی آزمایشگاهی صورت می گیرد. تعدادی سانتریفوژ آزمایشگاهی برای استفاده تا مقیاس ۶L در دسترس هستند و ماشین ۵/۲۲ Jouan دارای ظرفیت L - ۹/۶ است.

۳-۵: تولیدات خارج سلولی:

اکثریت متابولیت های ثانویه خارج سلولی مواد آب دوست و یا قابل یونیزاسیون می باشند. مواد قابل یونیزاسیون اغلب به داخل حال های مخلوط ناپذیر در آب در حالت یونیزه خود استخراج می شوند. بنابراین مواد اسیدی می توانند از یک محلول آبی اسیدی استخراج شوند.

تعدادی روش استخراج حلال وجود دارد که با استفاده از ابزار سنتی آزمایشگاهی نمی توانند انجام شوند. به عنوان مثال استخراج سنتی پنی سیلین G که در آن آبگوشت اسیدی در تماس با حلال مخلوط ناپذیر در آب می باشد می تواند فقط با استفاده از روش های جریان پیوسته صورت گیرد و این به علت ثبات ضعیف محصول در مقادیر پایین PH است. این استخراج می تواند بر مقیاس bench با استفاده از ابزار ALUFVE نیز صورت گیرد. این ابزار برای مطالعات استخراج در صنعت هسته ای طراحی شده اند. استخراج انتخابی می تواند مستلزم استفاده از حلال هایی باشد که در آنها محصول ضریب تقسیم پایینی دارد. استخراج کن های جریان مخالف مقیاسی پردازشی هستند ولی کوچکترین استخراج کن ۴ مرحله ای که توسط Robatel تولید شد می تواند یک مقیاسی bench در نظر گرفته شود. این وسیله دارای بازده عملیاتی ۵۰-۱۰۰ ml/min است.

اگر استخراج حلال به عنوان یک مرحله اولیه خالص سازی غیز قابل انجام است روش های جذب سزحی می توانند استفاده شوند. استفاده متوالی از تبادلگر یونی و رزین های غیر یونی پلیمری بر خالص سازی اثر می گذارد. اگر رزین ها به طور منظم استفاده شوند به گونه ای که بیش از ۵۰L از آنها در طی یک پروژه استفاده شود مقرون به صرفه تر آن است که آنها مستقیماً از سازندگانی بدست آوریم و نه از عرضه کنندگان

آزمایشگاهی . رهنمودها در مورد استفاده از بتادل گرهای یونی به راحتی در دسترس هستند . یک مقدمه مفید از سوی هارلند ارائه شده است .

رزین پلیمری غیر یونی مانند ۱۱۸۰ - Amberirle و یا ۲۰ Diuion HP می تواند به عنوان جاذب سطحی اولیه استفاده شود . آنها ابتدا به بر هم کنش های آب گریزی و پیوندی Pi عمل می کنند . آنها می توانند بر محلولهای حلال در آب که کی حوزه آب گریز کوچک در مولکول دارند مؤثر باشند . جذب سطحی باافزایش استحکام یونی محلول افزایش می یابد .

اگر آبگوشتی که برای چنین رزین هایی به کار می رود قبل از تصفیه به لخته شدن نیاز داشته باشد لخته ساز غیر الی باید استفاده شود مانند کلرید کلسیم . یونهای اضافی غیر آلی جذب سطحی را افزایش می دهند در حالیکه لخته سازهای الی می توانند رزین را چروکیده کنند . شستشوی محصول حاصل از چنین رزین هایی با استفاده از متانل آبی ، پروپانول و یا پروپان . ۲- OL به آسانی صورت می گیرد .

متانول باید با احتیاط استفاده شود زیرا ممکن است محصولات واکنشی خاص را استری و یا متانولی کند . رزین هایی از این نوع به آسانی با هزینه پایین به شکل توده در دسترس هستند و برای کاربردهای صنعتی توسعه یافته اند مانند جداسازی سفالوسپرین C . اگر ظرفیت بالاتر و یا پیوندقوی تری مورد نیاز باشد رزین پلی استیرن بروصینه

مانند ۲۰۷ - Sepabeadssp (میتزوییشی) می تواند استفاده شود . سابقه مکتوب فنی

از سوز سازندگان این رزین ها در اختیار شما قرار می گیرد .

۴-۵ : خالص سازی محصول :

خالص سازی مفید بیشتری می تواند با استفاده از کروماتو گرافی مایع با فشار متوسط

(Mplc) صورت گیرد . یک تعداد زیادی از خانه های ثابت برای این روش در دسترس

هستند که در آن ها اندازه های ذره ای $100\text{Mm} - 30$ استفاده شود . علاوه بر ژل سیلیکا و

مشقتات معمول آن ، رزین های آب گریز مانند آن هایی که در بالا ذکر شدند می توانند

در یک شکل دانه ای کوچکیافت شوند . در مقایسه با ژل سیلیکا ، رزین های پلیمری

دارای این مزیت هستند که می توانند در قلیای تغلیظ شده پایدار باشند و این ویژگی

برای اهداف پاکسازی مفید است . آنها دارای این نقص هستند که نسبت به ژل سیلیکا

سختی کمتری دارند و حجم خود را با تغییر در قطبیت حلال تغییر می دهند .

مثالهایی از این نوع رزین عبارتند از ۱۶۱ CG Amberchrom (Toso Hass) ،

Diaion Hp 20ss (Mitsubishi) که هر دو کوپولیمرهای پلی استرین - دی وینیل

بنزن هستند و ۷۱ CG Amberchrom که یک رزین اسیدی - بازی با اتصال عرضی

متا کریلیک می باشد . MPLC نسبت با HPLC با توجه به فازهای ثابت هزینه کمتری

دارد زیرا HPLC معمولاً مستلزم خرید ستونهای بسته بندی شده است . سیستم های

ستونی برای MPLC از سوی تعداد زیادی از سازندگان در دسترس هستند مانند Buchi و Chromwald .

در HPLC تدارکاتی از فازهای ثابت ۲۰ Mm و یا کمتر استفاده می شود و زمانی استفاده می گردد که خالص سازی تفکیک بالا مورد نیاز باشد . این در خالص سازی متابولیت ثانویه رایج نیست زیرا اغلب به عنوان مخلوطهای پیچیده ترکیبات خیلی نزدیک به هم تولید می شوند . در زمان افزایش مقیاس به نظر می رسد که روش های تحلیلی HPLC توسعه خواهند یافت . اینها می توانند رهنمودی در مورد طراحی روند های تدارکاتی باشند ولی اوج علاقه نسبت به ناخالصی ها وجود ندارد . زیرا بارگیری خیلی بیشتری که در HPLC تدارکاتی استفاده شده است باعث پهنی نوار می گردد کتابهای زیادی در مورد HPLC در ۲۰ سال گذشته به چاپ رسیده اند و تا از آنها کهرهنمدهای عملی ارائه می دهند که در اینجا بررسی می شوند .

سیلیکای فاز معکوس (مانند سیلیکای اوکتادسیل) برای اهداف تحلیلی فراوان استفاده می شود و وقتی به صورت تدارکاتی استفاده شود خیلی مؤثر است . با این وجود ظرفیت آن نسبتا پایین است . این سیلیکا با اکثریت ناهالسی هایی که در آبگوشتهای تحضیری یافت شده اند مقاوم چین خوردگی است ولی آلیفاتیکهای زنجیره بلند مانند

آنچه که در ضد کف های تحضیری یافت میشود می تواند مسائلی ایجاد کند . وقتی این فازهای ثابت چین می خورند آسانتر از رزین های پلیمری پاکسازی می شوند .

اگر شوینده HPLC دارای یک نمک باز باشد یک مرحله اضافی برای دسترسی به محصول خالص مورد نیاز خواهد بود . نمک زدایی می تواند با عبور محلول نمک / محصول از یک ستونی از یکی از رزین های MPLC انجام شود مانند DialonHp20ss که بسیاری از ترکیباتی که دارای حوزه های آب گریزی در مولکول هستند جذب خواهد کرد اگر چه بی نهایت در آب محلول است . محصول خالص گاهی اوقات می تواند با شستشوی ساده رزین با آب بدست آید . در موارد دیگر شستشو با متانول رقیق و یا پروپانول رقیق ضروری است .

وسایل لازم برای HPLC تدارکاتی نسبتا گران هستند . برای افزایش بازده آن باید با خود تزریقی مشخص شود تا بتوان پیک های شناخته شده قبلی راجع آوری کرد . یک چرخه ۳۰ - min می تواند مفید باشد زیرا عملیات شبانه روزی می تواند بیش از ۳۰ بخش محلول تغذیه را پردازش کند . شاید این بهترین راه حل برای افزایش بازده با وسایل مقیاس bench باشد . همچنین این مزیت وجود دارد که جداسازی می تواند در طی عملیات به راحتی صورت گیرد . تعدادی از سازندگان ابزاری را بر اساس ستونهایی با قطر ۵۰-۱۵ mm که با فازهای ثابت ۵ - ۱۵ Mm بسته بندی شده اند توصیه می

کنند. زمانهای بازداری در HPLC فاز معکوس می توانند تحت تأثیر دما باشند. توصیه می شود که یک ستونی برای تزریق تکراری استفاده شود که در یک مجموعه گرم خانه قرار گرفته است که دمای آن کمی بیش از دمای محیط است یعنی $30^{\circ}C$.

MPLC و HPLC تدارکاتی می توانند از مقادیر زیادی حلال استفاده کنند توصیه می شود که یک عیار تحلیلی برای مراحل میانی کروماتوگرافی لازم نیست. در استفاده از مخلوطهای حلال هایی که به آسانی با تقطیر جدا می شوند قوانینی وجود دارد بنابراین استفاده مجدد آنها تسهیل می شود. یک بازگردانی اتوماتیک حلال یک راه حلی است که از سوی سازندگان ارائه شده است ولی باید با احتیاط استفاده شود.

شوینده حاصل از جداسازی خط مبنا می تواند دارای ناخالصی هایی باشد که با وسیله کنترلی کشف نشد اند و می توانند باعث آلودگی شوینده توده ای گردند.

مرحله نهایی جداسازی معمولاً بلور سازی و یا خشک فریز کردن است. در کنترل محصولات خشک باید دقت کرد زیرا بسیاری از تولیدات طبیعی بی نهایت سعی هستند. توصیه می شود که هر محصول جامدی با خواص نامشخص با استفاده از دستکش کنترل و بررسی شود.

۶ خلاصه بحث :

افزایش مقیاس مستلزم چیزی بیش از افزایش حجم است . افزایش تیتراژ تحضیر نه تنها محصول بیشتری می دهد بلکه باعث افزایش نسبت محصول به ناخالصی می گردد و این فرآیند جداسازی را تسهیل می کند . روندهای جداسازی می توانند با بهینه سازی دقیق هر مرحله با هدف افزایش تعداد مراحل و بازده کلی مؤثرتر شوند . هنوز تجربه گرایشی زیادی در توسعه فرآیند برای تحضیر و استخراج وجود دارد . یک فرآیند کلی مؤثر نتیجه پیشرفت های فراوان است و به روش های معتبر سنجش کمی بستگی دارد .

افزایش مقیاس در یک آزمایشگاه می تواند نیازهای یک ترکیب را برآورد سازد . با این وجود اگر احتمال افزایش بیشتر در مقیاس با استفاده از طرح فرآیند وجود دارد روند های قوی تری که در آنها از مواد ارزان استفاده می شود باید استفاده گردند .

۱- دنبال کردن جداسازی محصولات طبیعی :

منظور ما از ((دنبال کردن)) چیست ؟ فرض کنیم که محصول طبیعی که فقط جدا شده است مورد توجه است یعنی دارای فعالیت بیولوژیکی است که ارزش بررسی بیشتری دارد و می تواند یک ساختار جدیدی داشته باشد و یا این که به خاطر دلایل اکولوژیکی و طبقه بندی شیمیایی مورد توه باشد . در هر حال ما می خواهیم ترکیبات بیشتر ، آنالوگ ها و پیش ماده های بیوسنتزی و دیگر متابولیت های مربوطه بیشتری داشته باشیم . اگر ترکیب از نظر بیولوژیکی فعال باشد می توانیم به این ترکیبات مربوطه نظری بیفکنیم و داده های مربوط به ارتباط ساختار فعال را بدست آوریم زیرا ترکیباتی که فعالیت بیشتری دارند و پایداری شیمیایی و متابولیکی آنها نیز بیشتر است و از نظر تجاری موقعیت ثبت اختراع ترکیب اصلی با توصیف خانواده بزرگتر متابولیت ها مستحکم می گردد.

گذشته از روش های کلاسیک سنتزی تعدادی روش وجود دارد که ما به عنوان دانشمندان محصولات طبیعی از آنها استفاده می کنیم و می توانیم بدین طریق این جداسازی اولیه محصول طبیعی را انجام دهیم .

۲- استخراج بیشتر :

شاید آشکارترین و مهمترین روش ، روش انجام یک تحضير تکراری (یا جمع آوری) باشد - شاید در یک مقیاس بزرگ تا بتوان مقادیر بیشتر یک ترکیب و یا متابولیت های مربوطه ای را که در یک ارگانسیم وجود دارند جدا کرد . شاید بررسی دیگر نژادهای ارگانسیم و یا دیگر گونه های مربوطه نیز مفید باشد زیرا این ها می توانند سطوح بیشتر ترکیب و یا آناتوهای آنها را تولید کننده علم به محصول طبیعی اولیه ما را در بررسی بیشتر عصاره با عقاید بهتر نسبت به چگونگی یافتن ساختارهای مربوطه کمک می کند .

۱-۲ : طیف شبیه UV:

مقایسه ساختارهای UV ترکیب با ساختارهای موادی که مطابق دیگر پیک های در یک کروماتوگرام هستند می تواند باعث شناسایی متابولیت های مربوطه گردد . ترکیبات مربوطه می توانند دارای ویژگیهایی باشند که عملکرد شناسایی را بهتر می سازند - یک کلیدی که با آن بعضی پیک ها انتخاب می شوند . با وجود کروماتوگرافی مایع با عملکرد بالا (HPLC) ، این نوع تحلیل به طور پیوسته با استفاده از کشف یاب آرایه ای دیودی صورت می گیرد ، یعنی یک ردیابی که جذب را بر طول موج های متفاوت به طور همزمان سنجش می کند به طوریکه یک طیف UV آنها به طور جداگانه در یک اسکپتروفوتومتر UV سنجش می شود .

طیف UV می تواند یک نیمه شناسایی بدست دهد و این مشخصه به نوبه خود توجه استخراج کن را به پیک های انتخابی در یک کروماتوگرام پیچیده دیگر مبذول می دارد .
۲-۲: شناسایی شیمیایی :

این اصل شناسایی ترکیبات از یک خانواده شیمیایی و ساختاری می تواند به روش های دیگر نیز انجام شود در حالی که ترکیبات یک مخلوط به طور کامل و یا نسبی جدا شده باشند. به عنوان مثال یک صفحه TLC و یا کروماتوگرام کاغذی می تواند با واکنشگرهایی که با طبقات شیمیایی خاص واکنش ویژه دهند اسپری زده شود . یک مثال از این روش کشف آمین های ثانویه متفاوت در یک ابگوشت کشت *Iuteogriseus* ، *Streptomyces* با کمک رنگ آمیزی صفحات TLC عصاره های ارگانسیم که دارای فنوتیازین پربرومید هستند می باشد .

این روش غربال شیمیایی می تواند برای بررسی ارگانسیم های مربوطه و یا نژادهای مختلف یک ارگانسیم نیز استفاده شود و بدین ترتیب می توان ارگانسیم هایی را که ۸ ساختارهای شیمیایی متفاوت و یا مربوطه دارند کشف کرد . این خود می تواند کانون جداسازی بیشتر باشد . این اصل کشف طبقات ویژه ترکیب مربوطه با سهولت نسبی به تفصیل به عنوان بخشی از روند های dereplication در فصل ۱۰ و ۷ بررسی شده است .

۲-۳: اسپکترومتری جرمی و LC-MS :

اسپکترومتری جرمی (MS) یک وسیله قوی برای شناسایی ترکیباتی است که مرتبط با هم هستند. این اسپکترومتری به همراه سیستم LC می تواند در کشف شباهت ها و روابط مواد مطابق اوج های کروماتوگرافیک با الگوی تحضیری خود و یا با توجه به این حقیقت که آنها دارای اتم های خاصی مانند Cl و Br هستند که نسبت های ایزوتوپی مشخص دارند مفید باشد. شاید دو ترکیب یک وزن مولکولی مشابه داشته باشند یا این که وزن های مولکولی جدا شده با اختلافات مورد انتظار در آنها یکی باشد مثلاً اختلافهایی که ضرابی از ۱۶ هستند می توانند یک مولکول را با گروههای مختلف اکسیژن و یا بدون آن نشان دهند.

۲-۴: جداسازی کامل :

کامل ترین ابزار برای تضمین جدا شدن تمام متابولیت های مربوطه که در یک عصاره ارگانیک وجود دارند عبارتست از جدا کردن هر چیزی - یا حداقل هر ترکیبی تا حد ممکن - از عصاره. با این روش دیگر متابولیت های ثانویه غیر مرتبط نیز جدا می شوند. چنین متابولیت هایی ممکن است از نظر ساختاری با متابولیت های اصلی یکی نباشند ولی ممکن است دارای پیش ماده های اولیه بیوستتری باشند و کلیدی برای مسیرهای بیوستتری در عملیات ارائه کنند. به علاوه این متابولیت ها ممکن است در تولید یک

ساختار متابولیت ثانویه ارگانوسم مفید باشند . این فرآیند با توجه به این حقیقت تسهیل می شود که معمولاً بر یک استخراج تکراری مقیاس بزرگ صورت می گیرد و از این جا این امکان وجود دارد که پیک های کوچک یک کروماتوگرام به درستی بررسی شوند . در جداسازی اولیه مقیاس کوچک ، این پیک های کوچک ممکن است به علت توجه به مواد قابل دسترسی آسان نادیده گرفته شده باشند و یا این که ممکن است کشف نشده باشند . این فرآیند با دسترسی به جداسازی مؤثر عصاره بر HPLC تدارکاتی و کنترل شویش با سیستم کشفی با حساسیت بالا انجام می شود به این منظور که بتوان تمام پیک های کوچک را انتخاب کرد و اختلالات موجود بر خط مبنای کروماتوگرام را که مؤلفه های کوچک را نشان می دهند کشف نمود . این فرآیند - که گاهی اوقات " بررسی چمن " نام دارد می تواند نتایج جالبی داشته باشد . بیش از یک حالت وجود دارد که در آنها فعالیت بیولوژیکی تنها نتیجه یک مؤلفه بزرگ یک عصاره بوده است که بعداً کشف شده است . در حقیقت بیشتر فعالیت به علت یک ترکیب بالقوه ای است که در سطوح خیلی کم در عصاره وجود دارد و بنابراین می تواند نادیده گرفته شود .

یک تحضیر بعدی می تواند منجر به تولید ترکیبات اضافی و مختلف گردد زیرا به چند دلیل ساختار متابولیکی ثانویه یک تحضیر تکراری می تواند متفاوت باشد . چنین دلایلی عبارتند از اثرات افزایش مقیاس ، تغییرات در نژاد ارگانوسم ، اختلافات غیر قابل کشف

در رشد کشت تخم ، مایه کوبی در کشت رشد ، و غیره . تمام اینها می توانند باعث تغییراتی در سطوح و انواع بروز متابولیت ثانویه گردند .

۲-۵ : جداسازی مانیورهای اسکوالستاتین :

یک مثال از این روش از سوی گروهی از متابولیت ها ارائه شده است . اسکوالستاتین (که اسیدهای زاراگازینگ نیز نام دارد) از قارچ *P. homasp.* جدا شده است (شکل ۱) .
عصاره های این ارگانسیم فعالیت بازدارنده سنتز اسکوالین رادارها هستند و استخراج باعث جداسازی اسکوالستاتین هایی گردیده است که در حدود ۴ تا بودند .

بعضی از این متابولیت ها در فراوانی نسبی استخراج شده اند ولی مابقی فقط در مقادیر کم یافت شده اند به گونه ای که نمی توان آنها را از عصاره اولیه ۲۰۰ ml جدا کرد . اگر چه این مثال یک حالت بی نهایت است متابولیت های مربوطه بیشتری از استخراج های تکراری یافت شده اند حتی آنهایی که مستلزم افزایش مقیاس هستند .

۳- افزایش بروز ژن :

یک روش کلی تر تولید آنالوگ ها و یا متابولیت های مربوطه تلاش برای افزایش بوز ژن متابولیت ثانویه به منظور افزایش دامنه تشکیل محصولات می باشد . اگر چه هیچ مفهوم مشخصی از متابولیسم ثانویه وجود ندارد مشخص است که تولید متابولیت ها بسته به محیط فیزیکی و شیمیایی ارگانسیم متغیر است . در سیستم های میکروبی ،

شروع متابولیسم ثانویه همزمان با پایان رشد فاز g ۱۰ و شروع ایویوفاز می باشد که این به نوبه خود نتیجه محدودیت مواد غذایی خاص است. ماهیت این ماده غذایی محدود و دیگر مواد غذایی موجود در محیط می تواند تعیین کننده متابولیت های ثانویه تولید شده باشد. این عملکرد از طریق فرآیندهایی مانند مهار و یا باز داشتن مسیرهای متابولیکی ثانویه صورت می گیرد. به عنوان مثال کنترل متابولیت کربنبا گلوکز نشان داده می شود و این گلوکز بروز سنتز فنوکسازینون را فرو می نشاند و بنابراین تولید آکتینومیسین در *Streptomyces qntibioticus* مهار می شود. سطوح بالای آمونیم تشکیل تیلوسین را با *Streptomyces Fradiae* و تشکیل سفالوسپورین را با *Streptomyces Clavuligerus* مهار می کنند. سطوح بالای فسفات غیر آلی آنزیم های موجود در سنتز تتراسایلیکین ها، کاندیسیرین، نئومایسین و استرپتومایسین را از کار می اندازند. غلظت های فلزات اثر (مانند آهن، روی، کبالت) اثر مهمی بر تولید متابولیت دارند. دیگر ترکیبات ممکن است تولید متابولیت های ثانویه را افزایش دهند. این ترکیبات عبارتند از مولکول هایی که بیشتر وجود دارند مانند آمینو اسیدهای مختلف که می توانند مؤلفه های متابولیت ها باشند و یا ترکیباتی که کمتر شایع هستند مانند مولکولهای خود تنظیم کننده که نقش مهمی در ویژگیهای مربوطه تمایز و مفهوم حد نصاب ایفا می کنند مانند ضریب A ، پامامیسین. به طور کل فرآیندهایی که متابولیسم

ثانویه رانتظیم می کنند به درستی شناخته نشده اند این یک متابولیسمی است که نقش بیولوژیکی آن هنوز مشخص نیست . کافی است که بگوییم بسیاری از پارامترهای فیزیکی و شیمیایی می توانند بر تولید متابولیت ثانویه اثر بگذارند و روش انجام این عملکرد برای هر ارگانیسم و متابولیت جدید به روش تجربی تعیین شده است .

بنابراین تغییر این عوامل می تواند باعث تولید متابولیت های بیشتری نسبت به آن چیزی گردد که توسط یک ارگانیسم تحت یک سری از شرایط تولید شده است . این عملکرد برای میکرو ارگانیسم ها بهتر انجام می شود اگر چه تولید متابولیت ثانویه توسط دیگر ارگانیسم ها تحت تأثیر محیط داخلی آنها است . در مورد این جنبه میکروبیولوژیکی چیزهای زیادی نوشته شده است (به عنوان مثال مرجع ۶) و در این جا به تفصیل بررسی نمی شود . ولی تعدادی از مهمترین عواملی که بر تولید متابولیت اثر می گذارند عبارتند از :

۱- محیط : کربن ، منبع نیتروژن ، منبع فسفر ، نسبت های C/N/P ، سطوح مواد غذایی اثر .

۲- خود تنظیم کننده ها (مانند ضریب A ، پامامایسین)

۳- شرایط فیزیکی ، کشت مایع تکانی ، کشت مایع ایستاتیک ، کشت حالت جامد

۴- سطوح اکسیژن

۵- سرعت رشد

۶- دما

۷- PH

یک قانون کلی این است که قرار دادن یک ارگانیسم در معرض اشکال مختلف فشار می تواند باعث افزایش دامنه متابولیت های ثانویه تولید شده گردد . اگر هدف عبارت باشد از جدا کردن تعداد زیادی از متابولیت ها از یک میکرو ارگانیسم ، آن ارگانیسم باید همیشه در بیش از یک محیط رشد کند و یا در بیش از یک شکل رشد نماید (مانند حالت جامد و مایع تکانی) . روش هایی برای هدف ویژه تر عبارتست از افزایش تولید یک متابولیت خاص که در فصل ۱۴ بررسی می شوند .

۴- بیوستتزی بلوکی :

۴-۱ : جهش یافته های بیوستتزی :

نسل حاصل از ارگانیسم تولید کننده نژادهای جهش یافته که در مسیر بیوستتزی تغییر کرده است می تواند باعث جداسازی متابولیت های مربوطه ای گردد که نمی توانند در غیر این صورت و به روش دیگر بدست آیند . این متابولیت ها می توانند از مسیر بلوکه ای باشند که فقط در مقادیر اثر قابل کشف هستند و یا ممکن است متابولیت های Shunt نشان دهند . بدین ترتیب مواد میانی یک مسیر متفاوت بیوستتزی در پیش می

گیرند و ترکیباتجدیدی بهوجود می آیند . محصولات چنین جهش یافته هایی می توانندمورد توجه خاص باشند یا این که ممکن است در مطالعات بیوسنتزی ، و آزمایشات تغییر شکل زیستی استفاده گردندو یا نقطه آغازی برای بیوسنتز در جهت پیش ماده باشند .

این در ساده ترین شکل خود مستلزمهش مواد جداسازیهای ارگانسیم و جستجوی تغییراتی در سطح و نوع متابولیت ثانویه تولید شده در جداسازیهای حاصل می باشد . جهش می تواند با استفاده از نور UV و یا جهش زای شیمیایی و یا با استفاده از محیط انتخابی صورت گیرد .نقص مواد غذایی - یا دارای سم - و بدین ترتیب نژادهای ارگانسیم هایی که ساختار ژنی تغییر یافته دارند جدا می شوند و در چنین محیطی باقی می مانند و در نهایت تغییری از متابولیت های ثانویه حاصل می شود . همین اثر می تواند با استفاده از مهار کننده های آنزیمی که مسیر بیوسنتزی را در مراحل خاص مسدود کرده اند حاصل شود .

۱-۱-۴ : جهش یافته های بیوسنتزی پرادیمیسین :

هاگهای *Actinomadura Uerrucosospora* زیر گونه *neohibisea* ، یک تولید کننده پرادیمیسین انتی بیوتیک دی هیدروبنزنونافتاسین کوئینون ، با نور UV و یا N - متیل - N - نیترو و - N - نیترو سوگوآنیدین جهش یافتند . وقتی پرادیمیسین یک رنگدانه

قرمز باشد جهش یافته ها ابتدا از ۱۰۰۰۰ کولونی بر اساس تولید رنگدانه های غیر قرمز و یا بی رنگ انتخاب می شوند و این ها در طبقات قرار می گیرند که هر یک مواد میانی در یک مرحله خاص در مسیر انباشته کرده اند و یا متابولیت های جدید Shunt تولید نموده اند . از این نژادها ۸ متابولیت جدید جدا شد و تعدادی متابولیت مشخص نیز جدا گردید .

۲-۱-۴ : جهش یافته های بیوسنتزی آکاراسینومایسین :

به طور مشابه ، جهش یافته های Streptomyces galilaeus که طبقه دیگری از آنتراسایکلین های گلیکوسیدی ، آکاراسینومایسین ، را تولید می کنند (شکل ۴) تعدادی متابولیت جدید نیز تولید خواهند کرد . این ها عبارتند از آنترا سایکلینونهای جدیدی که بدون شکر هستند و آنهایی که ترکیباتی از شکر های متفاوت دارند . بعضی از آنها قادر بودند که فقط یک شکل از آگلیکون تولید کنند . مابقی نمی توانستند رودوزامین را ذخیره کنند زیرا آنالوک هایی تولید می کردند که این شکر را نداشتند . مابقی نمی توانستند به هیچ طریقی رودیتوز را ذخیره کنند از همین برنامه تعدادی نژاد جدا شد که قادر به تولید آکاسینومایسین A در یک غلظت ۳۰ برابر بیشتر نسبت به نژادهای موجود بودند .

۳-۱-۴ : آنالوگ های تریکوتسین :

تریکوتسین ها خانواده ای از متابولیت های قارچی سمی هستند و سم ۲-T مهمترین تریکوتسین تولید شده توسط قارچ *Fusarium Sporotrichioides* می باشد (شکل ۵). بر ماند و دیگران در تحقیق پیرامون بیوسنتز این متابولیت اوکسوتروف های آمینو اسیدی بسیاری تولید کردند و فهمیدند که این جهش یافته دو آنالوگی تولید کرده است که فقط در سطوح قابل کشف پر زحمت در نوع وحشی قابل رؤیت هستند . غلظت های نسبی ۲-T و آنالوگ های آنها می توانند با کنترل غلظت لئوسین در محیط تغییر کنند و این نشان میدهد که متابولیست ها از نوع shunt بوده اند و مقام ۳ ترکیب از یک واسطه مشترک حاصل شده اند.

۲-۴ : بازدارنده های آنزیم :

بازدارنده های آنزیم می توانند برای تولید اثری همانند جهش یافته ژنیتیکی به کار روند یعنی مسدود کردن یک مسیر بیوسنتزی . این بازدارنده ها می توانند منجر به تشکیل واسطه های گذرا و یا محصولات Shunt گردند . چنین بازدارندگانی عبارتند از سرولنین که از سنتز اسید چرب جلوگیری می کند و از سنتز مشابه پلی کتید نیز ممانعت به عمل می آورد و سینفانجین ها و ایتونین ها که از انتقال گروههای میتونین جلوگیری می کنند . گروه مفید دیگر بازدارنده ها آنهایی هستند که سیتوکروم های P ۴۵۰ را مهار می کنند .

. این سیتوکروم ها گروهی از آنزیم هایی هستند که واکنش های اکسیدی در بسیاری از ترکیبات انجام می دهند. این بازدارنده ها عبارتند از آنسیمیدول در تحضیر قارچ *Gibberella Pulicaris* به منظور مسدود کردن تولید تریکوتسن ها و دسترسی به دیگر تریکودین های ناپایدار میانی .

۵- بیوستنز مستقیم :

روش بهتری برای تغییر ارگانیسم جهت تولید آنالوگ ها و مشتقات آنها وجود دارد. بیشتر متابولیت های ثانویه در بیشتر موارد از واحدهای ۵-کربن ایزوپرنیل ساخته می شوند . پلی کتیدها از واحدهای استات حاصل می شوند و یا از واحدهای فرمیل ، استات یا مالونیل . گروههای آروماتیک از یکی از آمینو اسیدهای آروماتیک مشتق می شوند مانند تیروزین ، فنیلالانین و یا تریپتوفان که خود از اسیدتیکمیک و یا از واحدهای استات بدست می آیند . الکلوتید ها نیز تا حد زیادی از تعدادی آمینو اسید بدست می آیند مانند تیروزین ، فنیلالانین ، تریپتوفان ، لیسین و یا اورنیتین و همچنین از واحدهای استات ، موالونات و تعدادی از پیش ماده های ساده دیگر . تأمین ارگانیسم ها با آنالوگ های پیش ماده ها و یا واسطه های یک متابولیت ثانویه می تواند گاهی اوقات باعث تغییر با وسیله بیوستتری ارگانیسم در یک متابولیت جدید ثانویه گردد .

در این روش معلوماتی موردنیاز است و یا حداقل پیش فرضیاتی در مورد مسیر کلی بیوسنتزی که متابولیت با آن تشکیل شده است. معمولاً این امکان وجود دارد که حدسهایی در مورد اصل و منشأ بیوسنتزی یک مولکول ارائه کرد به خصوص وقتی اطلاعات بیوسنتزی در مورد مولکولی با ساختار مشابه در دسترس باشد. این تئوریا می تواند با استفاده از پیش ماده های نامگذاری شده ایزوتوپیکی آزمایش شوند. این حقیقت نیز نقش دارد که آنزیم های بیوسنتزی آنقدر خاص نیستند که همه را به جز پیش ماده طبیعی استثنا کنیم. خوشبختانه آنزیم های متابولیسم ثانویه کمتر از آنزیم های متابولیسم اولیه تخصصی شده اند.

۱-۵ : Mutasynthesis :

همان طور که در زیر عناوین ۱-۴ گفته شد محصولات یک جهش یافته بیوسنتزی می توانند به نوبه خود مهم باشند ولی به علاوه جهش یافته و یا تولیدات آن می توانند بیشتر استفاده شوند. جهش یافته می تواند به عنوان یک سیستم واکنشی استفاده شود که یک شکل تغییر یافته واسطه بلوکه شده در آن تغذیه می شود یعنی محصول آنزیم بلوکه و یا بلوک های ساختمانی و سازنده بعدی.

با فرض این که این تنها مرحله بلوکه در مسیر است و مابقی آنزیم های مسیر عمل می نمایند آنزیم ها می توانند بر واسطه تغییر یافته عمل کنند بدون رقابت از سوی

سویستراهای طبیعی جهت تولید یک محصول اشتقاقی نهایی Mutasynthesis

اصطلاحی است که برای اشاره به این فرآیند تغذیه و مسدود کردن استفاده می شود .
واسطه های بلوکه می توانند در دیگر ارگانسیم ها به روش منطقی تغذیه شوند . مثلا در
ارگانسیم هایی که معمولا یک پیش ماده مربوطه را تغییر می دهند - بدین ترتیب
متابولیست های هیبریدی بدست می آیند . این فرآیند Mutasynthesis به معلوماتی در
مورد مرحله بلوکه نیاز دارد و آنزیم های بیوستتزی برای پذیرش آنالوگ های سویسترا
تخصص کافی ندارد .

۲-۵ : روش شناسی :

یک مزیت این روش این است که وقتی یک مسیر مفروض بیوستتزی تشریح شد و
آنالوگ های مناسب پیش ماده بدست آمدند چند روش آزمایشگاهی اضافی غیر از
آنهایی که برای جداسازی متابولیت های والد و اصلی وجود داشته اند به وجود خواهند
آمد .

۵- آنالوگ پیش ماده به عنوان یک محلول تغلیظ شد آبی که بافیلتر استرلیزه شده و

تحت شرایط ضد عفونی تهیه گردیده است. اضافه می شود. با این وجود اگر

ترکیب در آب محلول نباشد در حجم کوچک حلال آلی و یا حتی به عنوان یک

جامد اضافه می شود این می تواند به محض ورود به محیط آبی باعث رسوب ترکیب

گردد ولی آزمایش را مختل نمی کند . این ترکیب می تواند محلول باشد و در حقیقت به عنوان یک ماده غذایی بارهش کم فرض شود.

۶- در حقیقت یک پیش ماده مصنوعی مسائل مربوط به جذب خود را در غشای

سلول منعکس نمی سازد و شاید لازم باشد که شرایط جهت تولید یک سیستم بدون

سلول و یا کشت سلول آرام تغییر کند. مورد مستلزم رشد کشت در فاز ثابت است

که سلولها را از محیط مایع با عمل سانتریفوژ جدا می کند سپس سلولها را خرد می

سازد و در یک بافر ایزوتونیک که آنالوگ های پیش ماده به آن اضافه می شوند در

حالت تعلیق مجدد قرار می دهد . این مایع دیواره های سلولی را از بین می برد و

دسترسی مولکولهای پیش ماده را به آنزیم های بیوستتزی ممکن می سازد .

در کشت های سلول آرام ، سلولهای کشت فاز ثابت با سانتریفوژ از محیط مایع جدا می

شوند و سپس شسته شد . و دوباره در سانتریفوژ قرار می گیرند و در بافر و یا محیط

مینیمی که پیش ماده به آن اضافه می شود دوباره معلق می گردد . بنابراین سلولها با

حذف تمام سوبستراهای برون زاد دست نخورده وزنده هستند ولی بی اثر می باشند . با

وجود عملکرد مسیرهای متابولیکی و بیوستتزی ، احتمال جذب پیش ماده و تغییر آن

افزایش می یابد . یک مزیت اضافی این است که سیستم سلولی شسته شده تمیز تر از

کشت سلول اولیه است و این خالص سازی را ساده تر می سازد .

شاید مسائلی در رابطه با تبدیل متابولیست به شکل فعال وجود داشته باشد. این تبدیل برای آن است که متابولیست با آنزیم های مربوطه حمل شده و شناسایی گردد. دیگر ترکیبات می توانند به سرعت متابولیزه شوند و با مسیرهای متابولیسم اولیه خرد گردند قبل از این که بتوانند به متابولیست ثانویه تبدیل گردند.

۲-۲-۵: تحلیل محصولات بیوستنز مستقیم:

شاید یک سیستم سنجش برای کنترل محصول طبیعی در طی جداسازی اولیه توسعه یافته باشد و این سیستم تحلیل محصول تغییر یافته را عملی می سازد. با مقایسه کروماتوگرام عصاره ارگانیک تغذیه شده با پیش ماده با کروماتوگرام یک ارگانیکم کنترلی تغذیه نشده می توان پیک ها را در مورد مطابق محصول تغییر یافته و یا سوبسترای که در کنترل یافت نمی شوند کشف نمود. با این وجود اگر یک محصول تغییر یافته با سیستم تحلیلی کشف شود بدان معناست که پیش ماده تغییر نکرده است و یا این که محصول تغییر یافته از محصول طبیعی جدا نشده است. این مسئله با این حقیقت همراه است که هیچ استانداردی از ترکیب موجود در دسترس نخواهد بود. تفکیک ترکیبات Coeluding می تواند مستلزم استفاده از HPLC گرادینانی و یا استفاده از اختلاف بیشتر بین محصولات طبیعی و تغییر یافته باشد به وسیله LC-MS-یک روش ایده ال برای چنین تحلیلی وجود اتم خاص مانند هالوژنی و یا یک اکسیژن اضافی می

تواند به راحتی با این روش کشف شود. تغییر پیش ماده دارای فلئورین می تواند با استفاده از FNMP دنبال شود. هر متابولیت دارای فلئورین یک پیک واحد با تغییر مشخصه به یک طیف FNMR ارائه می کند و این روش بدون سیگنال هایی از هر مولکول دیگر یک روش ساده و غیر مبهمی است که برای تولید متابولیت های دارای فلئورین در یک مخلوط کمپلکس به کار می رود.

۳-۵: بیوستز پیش ماده ای اسکوالستاتین ها:

اسکوالستاتین ها که در بخش قبل توصیف شدند یک مثال از این نکته هستند که چطور علم به مسیرهای بیوستزی می تواند محصولات بیوستزی مفیدی ارائه دهد.

مولکولی که ابتدا ظاهر می شود ماهیتا پلی کتید است و به منظور آزمایش این فرضیه و

تأیید وصل بیوستزی قطعات مؤلفه این مولکول، ارگانسیم تولید کننده - - Phomasp با

واحدهای ایزوتوپیکی استات در شکل (^{13}C - ۱)، (^{13}C - ۲)، (^{13}C - ۲) و (^{13}C - ۱)

تغذیه می شود. اینها نشان می دهند که ساختار مولکول از دو زنجیره پلی کتید به وجود

آمده است و این زنجیره ها از واحدهای استات هستند. ۴ کربن باقی مانده ساختار حلقه

ای ۲ چرخه از (کربن های ۲، ۲۲، ۴، ۳) که از مطالعات جفت سازی NMR اشکار شده

اند به عنوان واحدهای دست نخورده مجاور مشتق شده از استات در یک سطح پایین تر

از بقیه تغییر کرده اند و این متابولیسم استات را از طریق چرخه TCA در یک واحد ۴

کربنی نشان می دهد . در حقیقت تغذیه (^{13}C Succinatc - ۲و۳) باعث تغییر این ماده می گردد . دیگر کربن ها (۱۹ ، ۲۰ ، ۳۲ ، ۳۳) از واحدهای کربنی در شکل - S اونوزیل میتونین مشتق می شوند . بخش آروماتیک این مولکول با تغذیه اشکال C دار فنیلالانین و اسید بنزوئیک بررسی شده است و در نهایت هر دوی این ترکیبات دچار تغییر شدند ولی تغییر بالای اسید بنزوئیک نقش آنرا به عنوان واحد آغازگر بیوستتز به دنبال تشکیل آن از فنیلالانین نشان می دهد .

به طور خلاصه ساختار این خانواده از مولکولها از افزایش بلوکهای ساختمانی استات به یک واحد آغازگر اروماتیکبه همراهتراکم آن تا یک اسید - کتودی کربوکسیلیک ۴ کربنه به وجود آمده است . به دنبال آن استدی سازی / اسیلاسیون زنجیره تتراکتید صورت گرفت و میتلاسیون نیز با کربن های مشتق شده از میتونین و هیدروکسلاسیون در C ۷ نیز انجام شد . اینها همگی یک اطلاعات کاملی بدست می دهند و این اطلاعات وسیله ای برای بررسی مسیر بیوستتزر ارگانسیم جهت تولید آنالوگ های ترکیب میباشند . به چند دلیل ازن طور احساس می شد که نیمه آروماتیک یک بخشی از مولکول را نشان می دهد که برای دست کاری و تغییر به عنوان وسیله تولید آنالوگ مفید است . این نیمه از یک مولکول ساده کوچک مشتق شد ولی محل های زیادی برای تغییر داشت که این خود باعث افزایش تولید آنالوگ ها می گردید . نشان دادیم که اسید بنزوئیک تغذیه

کننده باعث تولید سطوح بالای تغییر در اسکواستاتین می گردد. این واحد آغازین بوده است و شاید با مسیرهای دیگر متابولیزه شده باشد. بدین ترتیب شانس کشف تغییرات بیشتر می گردد. در نهایت روش های دخیل در تغییر محل های خاص بر چنین گروه های اروماتیک پیچیده هستند و با ابزار شیمیایی به سختی انجام می شوند بنابراین محصولات ارزش زیادی دارند.

تعدادی انالوگ ساده اسید بنزوئیک و فنیلانین که به آسانی از سوی عرضه کنندگان مواد شیمیایی در دسترس قرار می گیرند به عنوان سوبسترا انتخاب شدند. اینها عبارتند از تعداد وسیعی از اسیدهای هیدروکسی و دی هیدروکسی بنزوئیک، اسیدهای آمینوبنزوئیک، اسیدهای کلرو بنزوئیک، اسیدهای یدوبنزوئیک و اسیدهای متوکسی بنزوئیک. تعدادی از ساختارها غیر از ساختارهایی که حلقه اروماتیک ۶ عضوی دارند نیز آزمایش شدند من جمله پیریدکربوکسی آلدئید، اسدهای آلکیلک کربوکسیلیک، اسیدهای نفتالین کربوکسیلیک، اسیدهای فروان کربوکسیلیک، اسیدهای پتوفن کربوکسیلیک، اسدهای نیترو - برومو و کلرو یتوفن کربوکسیلیک.

۱-۳-۵: روش:

تحقیقات مربوط به تغذیه نشان دادند که اسید بنزوئیک اضافه شده در زمان مایه کوبی تغییر نکرده بود بلکه وقتی در ۳،۴،۵ اضافه شد در سطوح بالایی تغییر کرد. این امر

شاید به علت این حقیقت باشد که ترکیب اضافه شده در do با فرآیند متابولیسم اولیه متابولیزه شد قبل از این که کشت به فاز ثابت برسد و متابولیسم ثانویه روی دهد .
نمونه ها به عنوان محلولهای آبی ($6/25 \text{ mg/ml}$) اضافه شدند که با هیدرید سدیم و استریلیزه صافی در PH خشتی تنظیم شدند. ۲ MI بخش از هر یک از این محلولها به هر کشت اضافه شود ۵۰ ml تا یک غلظت نهایی پیش ماده در حدود $0/25 \text{ mg/ml}$ بدست آید کشت ها در 25°C با تکان دادن دوباره مایه کوبی شدند زیرا آنها برای اولین بخش تحضير مناسب بودند . ۴ روز بعد (۷ روز بعد از آنکوباسیون) کشت ها برداشت شده ، تحلیل گردیدند و محصولات جدا شدند .

تحلیل HPLC : نمونه های آبگوشت با یک حجم معادل استونیتریل که دارای اسید سولفوریک (5 ml/l) بود مخلوط شدند و سانتریفوژ گردیدند و در نهایت شناور با HPLC گرادینانی فاز معکوس ((اندازه ذره ای 5 Mm) 6 Spherisarbe با یک گرادینان $50\% - 0$ استونیتریل / آب با اسید سولفوریک (50 ml/l)) تحلیل گردید .
تحلیل HPLC-MS : نمونه های آبگوشت برای تحلیل HPLC-MS با مخلوط کردن با یک حجم معادل استونیتریل که دارای اسید تری فلئووو استیک بود (5 ml/l) آماده شدند . این نمونه ها سانتریفوژ شدند و روشناور با یک روش HPLC ایزوکراتیک تحلیل گردید . این سیستم از طریق یک سطح مشترک اسپرو گرمایی به یک اسکبترمتر

جرمی وصل شد . با استفاده از شرایط HPLC در حقیقت می توان بین اسکوالستاتین ۱ و آنالوگ فلوئورینه آن تمایز قائل شد زیرا آنها با هم شسته می شوند ولی می توانند با MS شناسایی شوند .

خالص سازی آنالوگ ها طبق قبل با استخراج حلال ، جذب سطحی ، و شستشو از یک ستون Amberlite XADH صورت گرفت و به دنبال آن بارگیری نمونه به یک ستون HPLC تدارکاتی صورت گرفت . این ستون با ٪ ۲۵ استونیتریل / آب شسته شود پس اسکوالستاتین ۱ و آنالوگ ها با ٪ ۶۰ استونیتریل / آب شسته شدند . یک مجموعه از مراحل نهایی HPLC تدارکاتی برای تفکیک هر یک از آنالوگها و ترکیب والدانجام شد . تولیدات جدا شده در شکل ۶ نشان داده شده اند .

بنابراین در مورد فوق ، تولید این اسکوالستاتین های فلوئورینه و یتوفنیلات موارد زیر را الزامی می سازد :

۱- نظریه بیوستتر به منظور انتخاب یک دامنه معقولی از آنالوگ های مناسب پیش ماده

۲- بهینه سازی ساده شرایط تغذیه . این در ساده ترین شکل خود مستلزم تعیین نکات زیر است .

الف) افزایش ستونها در مایه کوبی یعنی در شروع فاز رشد و ار طی آن و بعد از چند روز رشد زمانی که رشد فاز g ۱۰ متوقف شد .

ب) استفاده از مقام سلولها و یا کشت سلول شسته شده و یا سیستم بدون سلول برای

تغییر مطلوب

۳- یک روش برای کشف تغییر مانند . NMR, TLC, GC-MS, LC-MS, LC

۴- یک روش برای خالص کردن تعدادی از ترکیبات نزدیک به هم .

مثال فوق عدم موفقیت را در تولید متابولیت ها نشان می دهد و این متابولیت ها به

عنوان نسبت پایینی از آنالوگ های پتانسیلی پیش ماده در مولکول نهایی اسکوالستاتین

تغییراتی ایجاد می کنند .

بنابراین محل فعال یک یا چند آنزیم بیوستتزی تخصص یافتگی کم را نشان می دهد .

چرا فقط اسیدهای فلوئوروبنزویک از نظر ساختاری شبیه به آنالوگ های سوبسترای

طبیعی است . فلوئورین یک اتم بی اثر است و با هیدروژن isosteric می باشد . معلوم

نیست که چراتیوفن ها باید تغییر کنند .

دلایل ممکن می توانند به قرار زیر باشند :

۱- ناتوانایی دیگر پیش ماده ها در قطع غشای سلولی . اگر یک سیستم بدون سلول

استفاده شود بیشتر متابولیت ها تغییر خواهد کرد .

۲- اثر بازداری آنزیمی دیگر پیش ماده ها (افزایش تعدادی از ترکیبات با کاهش

سطوح اسکوالستاتین ارتباط دارد) .

۳- تعدادی از آنالوگ ها توسط مسیرهای متفاوت متابولیزه شدند.

علاوه بر تغلیظ در نیمه اروماتیک باید به بخش های دیگر مولکول که از چنین واحد C

۴- ناشی می شوند توجه کرد. این واحد شامل بخشی از هسته دوچرخه ای است و یا

واحدهای استات تفاوت دارد. با این وجود با استفاده از واسطه ها در مسیر می توان

موفقیت بیشتری بدست آورد.

۴- y : مثالهای دیگر :

مثالهای فراوان دیگری از بیوسنتز پیش ماده ای وجود دارد که در برگرفته

محصولات طبیعی با منشأ بیوسنتزی متفاوت می باشند. بسیاری از افراد از واسطه های

حاصل از مراحل بعدی در مسیر بیوسنتزی استفاده کرده اند. تا از مثالهای ایکوالستاتین

۱-۴-۵ : A54745 :

این گروه از آنتی بیوتیک های بیپپتید توسط *Streptomyces Fradiae* که آنالوگ

های زیادی تولید می کند به وجود آمده است. این آنالوگ ها با تغذیه اسیدهای چرب

مختلف حاصل می شوند (شکل ۷). به علاوه، نسبت های متابولیست های مختلف

طبیعی می تواند با افزایش والین و یا ایزولئوسین کنترل شود.

۲-۴-۵ : میتومایسین ها :

این گروه از محصولات طبیعی از مسیر Shikimate مشتق می شوند و توسط
Streptomyces Caecapitosus تولید می شوند و در نهایت شباهت زیادی با تغذیه
ارگانسیم توسط آمین های اولیه به وجود خواهد آمد. اینها در شکل ۸ خلاصه شده اند.

۳-۴-۵: سیکلوسپوزین ها:

سیکلوسپوزین ها طبقه ای پپتیدهای چرخه ای هستند که با Beauvaria nivea
تولید می شوند و این ارگانسیم دارای فعالیت immunosuppressant است آنها تعدادی
زیادی اشکال تغییر یافته با تغذیه آنالوگ های بلوک ساختاری آمینو اسید طبیعی تولید
کرده است. تعداد زیادی از مشتقات از طریق این روش با تغییر در تمام محل های آمینو
اسید تشکیل شده اند و با انجام این فرایند در سیستم بدون سلول مشتقات بیشتری
بدست آمد. این ها با تغذیه پیش ماده در تمام ارگانسیم تولید نمی شود زیرا آمینو
اسیدهای دخیل به طور طبیعی متابولیزه شده اند (شکل ۹).

دامنه مثالهایی که از محصولات طبیعی اشتقاق یافته از آمینو اسید بدست آمده اند عدم
تخصصی شدن این آنزیم ها را در بیوسنتز پپتیدی در مقایسه با سنتز پروتئین ریبوزوم
نشان می دهند.

۴-۵: آورمکتین ها : یکی از موفق ترین تلاش ها در تولید آنالوک های یک محصول

طبیعی ، از جدایی یک جهش یافته ارگانسیم تولید کننده آورمکتین *Streptomyces avcrnitlis*

انواع آورمکتین های q ، b جانشین های ۲۵ - C خود راز اینرولتومین و والین بدست

و آورنده این عملکرد از طریق تغییر این ترکیبات همانند مشتقات کوآنزیم A

ایزوبوتیریک و اسیدهای ۲- میتل بوتیریک انجام می شود . این جهش یافته دارای

فعالیت عملیاتی ۲ - اکسی اسید ای هیدروژناز زنجیری شاخه ای می باشد و نمی تواند

این واحدهای آغازگر بیوستتری را تغییر دهد . وقتی تحضیر با اسیدهای کربوکسیلیک

زنجیری شاخه ای تکمیل نشد هیچ آورمکتین تولید نمی شود. با این وجود تغذیه چنین

اسیدهایی در تحضیر باعث تولید تعداد زیادی آورمکتین می گردد که در محل ۲۵ - C با

جانشین کننده اسید مربوطه تغییر کرده است طبق شکل ۱۰ . آنالوگی که دارای نیمه

سایکلوکسیل در محل ۲۵ - C است اکنون به طور تجاری با این فرآیند بدست می آید

و به عنوان ضد انگل ، دورامکتین ، بازاریابی می شود.

۵-۴-۵: تغذیه پیش ماده های طبیعی :

این روش کلی تغذیه پیش ماده ها می تواند فقط برای افزایش سطوح متابولیت طبیعی

باتکمیل کشت توسط پیش ماده های طبیعی استفاده شود . این عملکرد با مثال ساده

تولید پیرولتیرین توسط *Pseucomonas aureofaciens* تشریح می شود و با افزایش

تریپتوفارن برون زاد ، پیش ماده مستقیم پیرولتیریل ، افزایش یافت (شکل ۱۱) .

افزایش آنالوگ های تریپتوفان باعث تولید آنالوگ های مربوطه پیرولتیریل گردید .

۶-۴-۵: هالوژناسیون :

غیر از روش توصیف شده در زیر عنوان ۳-۵ ، هالوژن دیگر می توانند مستقیمابه جای

تولید طبیعی با استفاده از فعالیت هالوپروکسیداز از ارگانسیم های متفاوت استفاده شوند .

ارگانسیم هایی که متابولیست های دارای کربن تولید می کنند می توانند برای تولید

همان متابولیت ها در یک شکل برومینه با افزایش منبع غیر آلی برومین بدست آیند مانند

برمید سدیم و یا برمید پتاسیم . هالو پروکسیدازی که این واکنش را انجام می دهد غیر

تخصصی است و می تواند به آسانی از برومین به جای کلرین استفاده کند . مثالها عبارتند

از متابولیت های *Monitinia Fracticolla* که به دنبال افزایش محیط $(1 \text{ g/l})\text{NaBr}$

به آنالوگ های بروموی خود تبدیل شدند .

۶- تغییر شکل زیستی :

روش دیگر افزایش تنوع حاصل از یک محصول طبیعی استفاده از دیگر سیستم های

بیولوژیکی است به شکل آنزیم های جدا شده و یا تمام سلولی جهت تغییر مولکول این

فرایند در ساده ترین شکل خود مستلزم انکوباسیون محصول طبیعی جدا شده با یک یا

چند کشت میکروبی باشد. بنابراین آنزیم های هر ارگانیزم می توانند هر ترکیب عمل کنند و اشکال تغییر یافته را تولید نمایند. این روش تولید تنوع شیمیایی از یک محصول طبیعی شبیه به یک برنامه تغییر شیمیایی است با این تفاوت که شیمی دانان در این حالت میکروارگانیزم هایی هستند می توانند واکنش های خاص استرو و یا واکنش خاص محل را انجام دهند در حالی که این واکنش ها توسط انسان به سختی صورت می گیرند. به عنوان مثال هیدروکسیداسیون شیمیایی یک گروه آرماتیک و یا در هر نقطه خاص هر مولکول می تواند مستلزم مراحل حفاظی و غیر حفاظی باشد ولی می توان یک ارگانیزمی یافت که تغییر شکل مطلوب را انجام دهد. این به خصوص با محصولات طبیعی که در زمینه شیمی سنتزی، مولکولهای بزرگی یا عاملیت های زیاد و مراکز کایرال هستند مفید میباشد.

نقص اصلی سیستم های تغییر شکل زیستی این است که فرآیند خیلی قابل پیش بینی نیست به جزء گاهی اوقات در مورد آنزیم های خالص واکنشی را انجام می دهند و یا معلوماتی نسبت به تغییرات کلی در نوع خاصی از یک ترکیب داشت، چنین قوانین تجربی مطلق و یا پیش بینانه نیستند به منظور افزایش شانس دسترسی به یک محصول یا دسترسی به بالاترین درجه محصولات، لازم است که از ارگانیزم های زیادی در غربال اولیه استفاده شود.

به طور خلاصه می توان از متابولیست ثانویه بیوسنتز مختلف ومسیرهای متابولیکی اولیه وآنزیم های مربوط به ارگانسیم های خاص استفاده کرد می توان به این ارگانسیم ها محصولات طبیعی را ارائه کرد.

۱-۶ ک روش ها :

یک طرح کلی برای انجام تغییرشکل های زیستس در یک محصول طبیعی عبارت است از :

- ۱- غربال اولیه برای شناسایی ارگانسیم هایی که ترکیب را تغییر شکل می دهند.
 - ۲- آنکوپاسیون ترکیب باتعدادی از ارگانسیم ها در امتداد یک مجموعه از خطوط کترلی.
 - ۳- تحلیل عصاره های هر دو مجموعه کشت. متابویست ها در کشت تغذیه شد . که در کنترل دید نمی شوند. می توانند با سوسترا در ارتباط باشند.
 - ۴- جداسازی متابولیست ها از این کشت های مقیاسی بزرگ.
- مسائل مربوط به عملکردهای تغییرشکل زیستی هماندمسائل بیوسنتز پیش مادامی هستند . تحلیل اولیه روندهای جداسازی تدارکاتی به جداسازی اولیه محصول طبیعی استفاده می شوند.

۱-۶-۱ : چه چیز باید تغذیه شود:

اگر هدف عبارت باشد از تولید یک مشتق خاص یک محصول طبیعی لازم است که آن محصول طبیعی و یا متابولیست های مربوطه ای را که از نظر ساختاری به ترکیب هدف نزدیکتر هستند تغذیه کنیم . اگر هدف عبارت باشد از تولید وسیع ترین دامنه آنالوگ ها ، محصول طبیعی باید به عنوان ماده آغازین استفاده شود . با این وجود ارزش آنرا دارد ، که استفاده از آنالوگ ها را به عنوان ماده آغازین در نظر بگیرید در صورتی که آنها در دسترس باشند (و به خصوص در صورتی که محصول طبیعی خود ذخیره محدودی داشته باشد) تغییرات در سوبسترای اصلی می توانند در آنالوگ ها نیز روی دهند . بنابراین تغییرات مربوطه در ساختار اصلی چند برابر می شوند .

استفاده از سوبسترای radiolabeled - شاید با اتم ^3H یا ^{14}C - می تواند در مرحله تحلیل مزیت هایی داشته باشد زیرا شناسایی متابولیت های مربوطه را در یک مخلوط کمپلکس آسان می کند .

۲-۱-۶: ارگانایسم ها :

ارگانایسم هایی که می توانند برای تغییر شکل زیستی استفاده شوند بی نهایت هستند . بهترین روش جدا کردن ارگانایسم ها برای یک تغییر شکل زیستی خاص است ، شاید توانایی جداسازیهای متفاوت در استفاده از سوبسترهای خاص به عنوان یک منبع کربن انحصاری در نظر گرفته شود . با این وجود عملاً آسانتر است که از ارگانایسم هایی

استفاده کنید که تغییر شکل دهنده زیستی بوده اند . صدها گزارش از واکنش های خاص که توسط ارگانیسم های خاص انجام شده اند یافت شده است و بسیاری از این ارگانیسم ها به آسانی از کلکسیون های استاندارد کشت میکروبی بدست می آیند . پر استفاده ترین میکروارگانیسم ها منجمله قارچ ، اکتینومایسیت ها ، و باکتریهای غیر رشته ای که در انجام تغییر شکل زیستی تنوع داشته اند و از کلکسیون های اصلی کشت به دست می آیند در جدول ۱ لیست شده اند . ارگانیسم های دیگری نیز در این لیست قرار می گیرند که انواع واکنش هایی را انجام می دهند که مورد هدف ما بوده اند . دیگر ارگانیسم هایی که در این جا قرار می گیرند آنهایی هستند که محصولات طبیعی با ساختار مربوطه تولید می کنند بر این اساس که این ارگانیسم ها می توانند دارای آنزیم های متابولیکی ثانویه / بیوسنتزی باشند که بر این ترکیبات عمل می کنند . کشت های سلولی حیوانی و گیاهی نیز می توانند استفاده شوند اگر چه اینها نسبت به کشت های میکروبی کمتر مفید هستند .

گذشته از نوع ارگانیسم مورد استفاده شکلی که این کشت ها با آن استفاده می شوند نیز مهم است . انواع کشت ها عبارتند از :

۱- کشت های رو به رشد

۲- کشت های ثابت

۳- کشت های سلول ساکن کشت های سلول شسته شده که با جدا کردن سلولها از

یک محیط توسط عمل سانتیفوژ و سپس تعلیق مجدد در بامز رقیق تهیه می شوند .

سوسپانسیون های سلول شسته شده نیز استفاده می شوند زیرا در بسیاری از موارد

اینها همانند کشت های ثابت عمل می کنند ولی دارای این مزیت هستند که مخلوط

پیچیدگی کمتری دارد و بنابراین تحلیل و خالص سازی آسانتر می گردد .

۴- سیستم بدون سلول / سیستم سلول تجزیه شده - با تجزیه دیواره سلول ،

سویسترا به آنزیم های سلولی دست می یابد و مسائل نفوذ پذیری انتخابی حل می

شوند . با این وجود بسیاری از آنزیم ها با این آسیب به دیواره سلول غیر فعال

خواهند شد .

۵- کشت های متحرک - سلولها می توانند همانند آنچه که برای کشت ساکن دیده

شد از محیط خود جدا شوند و سپس در یک پایه جامد غیر متحرک شوند تا

سیستمی بدست آید که برای سیستم های طولانی تر فعال است . عدم تحرک می

تواند تحت تأثیر دامی در یک پلیمر ، جذب سطحی به یک پایه جامد ، چسبندگی

کوالانسی به پایه همانند سلولز و یا اتصال عرضی شیمیایی با گلو تاراکوئید باشد .

مزیت های عدم تحرک عبارتند از این که سیستم برای مدت نسبتاً طولانی فعال است

و می تواند برای بچ های مختلف دوباره استفاده شود . یک سیستم می تواند با

چگالی سلولی بالا تولید شود و محیط پیرامون نسبتاً تحضیر خواهد بود و در نتیجه خالص سازی محصول سریعتر صورت می گیرد. همچنین در بعضی موارد واکنش تغییر شکل زیستی می تواند تحت تأثیر عدم تحرک واقع شود مثلاً بر حسب شیمی فضایی.

۶- سوسپانسیون هاگ - چون هاگها دارای آنزیم های منحصر به فر زیادی هستند که به دیگر اشکال ارگانسیم بروز نمی کنند و چون آنها در بافر به مدت طولانی نسبتاً پایدار و فعال هستند سوسپانسیون های هاگی اغلب سیستم های مفید تغییر شکل زیستی می باشند.

۳-۱-۶: شرایط تغذیه:

همانند شرایط بیوستتز جهت دار، هیچ قانون پیش بینانه سفت و سخت برای شرایط آزمایشگاهی تغییر شکل های زیستی وجود ندارد اما گزارشات فراوانی هستند که نظریاتی در مورد بهترین روش های عملی بدست می دهند.

اگر چه جای کشت های بی نهایی از غلظت های سوبسترا با زمان تغذیه با ارگانسیم های متفاوت وجود دارد شرایطی مانند مقدار سوبسترای موجود، تعداد میکرو ارگانسیم ها، مقدار فضای تکاننده و زمان همگی محدودیت های عملی ایجاد می کنند.

نمونه: خود سوبسترا به کشت اضافه می شود تا غلظت 0.5 mg/ml و 0.25 mg/ml به عنوان یک غلظت استاندارد بدست آید. هدف در این جا عبارتست از افزایش ماده کافی آغازین جهت تولید بازده های متعدد محصولات تغییر شکل یافته زیستی در همان زمان که زیر غلظت هایی که سعی هستند باقی می مانند. این نمونه به عنوان یک محلول آبی اتوکلاو و یا استریل شده فیلتری و یا در حجم کوچکی از حلال الی اضافه می شود. اگر سوبسترا در آب محلول نباشد لازم است که آنرا ابتدا در حجم کلی از حلال الی حل نمایید. همان طور که قبلا گفته شد حتی اگر ترکیب فقط در آب محلول باشد می تواند تغییر شکل یابد. نوع و مقدار حلال مورد استفاده باید در نظر گرفته شود زیرا این حلال می تواند به سلولها آسیب بزند و دیواره سلولها را قابل نفوذ سازد و این خود در نهایت باعث کاهش فعالیت متابولیکی و یا افزایش تغییر شکل زیستی با تسهیل کردن جذب سوبسترا توسط سلولها، می گردد.

زمان تغذیه وانکوباسیون: همانند بیوسنتز جهت دار، دو نقطه بر منحنی رشد که برای افزایش سوبسترا مناسب هستند عبارتند از زمان انکوباسیون و شروع فاز ثابت. مورد دوم ارجحتر است زیرا با این زمان غلظت سلولی بالایی وجود خواهد داشت بنابراین سوبسترا نمی تواند رشد کشت را مهار کند و این احتمال وجود دارد که سوبسترا با آنزیم

های متابولیسم اولیه و ثانویه متابولیزه شود بنابراین دامنه ممکن محصولات تغییر شکل زیستی افزایش می یابد .

یک روش بهتر تغذیه ضربه ای و یا تغذیه پیوسته می باشد . این امر پتانسیل سمیت را توسط ترکیب کاهش می دهد و می تواند شکل مواد غذایی روز مره را از مایه کوبی آغاز می شود و یا از پایان فاز ۱۰ g آغاز می گردد داشته باشد . تغذیه پیوسته با کمک ابزار پیشرفته و گران تحضیر و یا با استفاده از یک فتیله ، با یک پایانه در کشت و دیگر ی در محلول سوسترا ، انجام می شود . هنگام تغذیه ، کشت چند روز به حال خود رها میشود تا واکنش ها روی دهند .

یک کشت باکتریایی می تواند از یک کشت تخم مایه کوبی شود و سپس به مدت ۲۴ ساعت در انکوباسیون قرار گیرد . در این مدت به پایانه فاز رشد می رسد . سپس ترکیب سوسترا به کشت اضافه می شود .

و به دنبال آن انکوباسیون مخلوط برای ۳ ، ۴ و حتی ۷ روز صورت می گیرد . کشت های قارچی دیرتر به فاز ثابت می رسند و شاید ۳ روز طول بکشد و بعد از آن چند روز به حال خود رها می شوند تا به تغییر شکل زیستی ماکزیمم برسند .

۴-۱-۶: عوامل دیگر :

چون فرآیندها و آنزیم های مربوط به چنین تغییر شکل زیستی اغلب با متابولیسم ثانویه ارتباط دارند هر شرط آزمایشگاهی دیگر که بر متابولیسم ثانویه اثر می گذارد باید در نظر گرفته شود .

۱- محیط :

همان طور زیر عنوان ۲ گفته شد مهمترین عامل در این زمینه محیط است . گزارشات زیادی از روش اثر گذاری منبع غذایی بر متابولیسم ثانویه وجود دارد . چنین عواملی عبارتند از کربن ، فسفر ، و منبع نیتروژن ، سطوح و نسبت های آنها ، مواد غیر آلی موجود در محیط ، سطوح هوادهی / اکسیژناسیون ؛ حالت فیزیکی محیط (جامد یا مایع) . تنوع متابولیسم باید در نظر گرفته شود زیرا واکنش های تغییر شکل زیستی یک محصول متابولیسم ثانویه هستند .

به طور مطلوب محیط باید به گونه ای باشد که رشد پراکنده را توسعه دهد به صورتی که ارگانیسم به اطراف مجرا نچسبد و یا همانند حالت فارچ ها ، رشد در شکل دانه سخت میسلیم باشد . شکل فیزیکی رشد ارگانیسم ها بر متابولیسم ثانویه اثر می گذارد و بسیاری از فلاسک های کشت دارای متغیرهای درونی هستند که پراکندگی ارگانیسم را

افزایش می دهند. اگر چه تشکیل دانه می تواند به سختی کنترل شود و شاید بر تغییر شکل زیستی اثر نگذارد یک دانه ابگریز است و برای انتشار سوبسترا کمتر نقش دارد . اگر یک محیط واحد برای هر ارگانیسم استفاده می شود این محیط باید مایع باشد تا انتشار سوبسترا را ممکن سازد و در نهایت زیست توده بزرگی حاصل می شود و دارای Arkasoy است که فعالیت سیتوکروم $p 450$ را افزایش می دهد .

۲- القای سیتو کروم های $p 450$:

این آنزیم ها یک خانواده از مونواکسیژناز هستند که در حیوانات ، گیاهان و بسیاری از میکرو ارگانیسم هایی که واکنش های زیادی انجام می دهند یافت می شوند . این واکنش ها توسط یک ارگانیسم انجام می شود در حالی که آن ارگانیسم باید ترکیب زئوبیوتیک روبرو شده باشد یعنی یک ترکیب نا آشنا برای ارگانیسم مانند یک دارو . این واکنش ها شامل آنهایی هستند که با تغییر شکل زیستی در ارتباط هستند مانند هیدروکسیلاسیون ، و دی میتلاسیون و واکنش های فراوان دیگری که مستلزم مزدوج شدن یک متابولیست با دیگر گروهها می باشند مانند اسید گلوکرونیک ، شکرها ، آمینو اسیدها و غیره .

در بیشتر موارد فعالیت سیتوکروم های $p 450$ یک وسیله ای است که با آن ارگانیسم می تواند یک ترکیب خارجی را تغییر دهد تا آنرا قطبی تر و حلال تر در آب سازد و

بنابراین دفع آن راحتتر گردد. ما به عنوان دانشمندان محصولات طبیعی می توانیم فعالیت سیتوکروم $p 450$ وسیله ای برای انجام واکنش های خاص استریو / خاص محل بر یک مولکول کمپلکس در نظر بگیریم تا بتوان آنالوگ های مربوطه بسیاری تولید کرد که بسیاری از آنها به سختی از نظر شیمیایی تولید می شوند .

سیتوکروم های $p 450$ در بسیاری از ارگانسیم هایی بروز کرده اند که می توانستند چنین واکنش هایی را انجام دهند Arkasoy بروزیسیتوکروم $p 450$ را در بعضی گونه های میکروبی القا می نماید . یک مولفه فعال ژنیستین می باشد . بنابراین Arkasoy باید یک منبع کربن و یا حداقل یک مولفه محیطی در نظر گرفته شود .

۳- افزایش مقیاس :

افزایش مقیاس یک تحضير برای اهداف تغییر شکل زیستی احتمال عدم تولید مجدد تغییر شکل زیستی را با خود دارد . اگر یک مجرای بزرگتر و متفاوت استفاده شود اختلافات جزئی در شرایط فیزیکی شیمیایی به وجود خواهند آمد مانند محدودیت اکسیژن ، مخلوط و غیره و این در نهایت باعث اختلاف در متابولیسم می گردد . در مواردی که چنین چیزی به طور عملی امکان پذیر است بهتر است افزایش مقیاس با افزایش تعداد مجراهای اصلی انجام شود .

۴- تحلیل :

یک سیستم تحلیلی به همان روشی که برای کار بیوستنز جهت دار گفته شد مورد نیاز است یعنی به عنوان یک وسیله مقایسه کشت تغییر شکل زیستی با کشت کنترل جهت تعیین مؤلفه های موجود در کشت اول که با تغییر شکل زیستی ارتباط دارند. این می تواند به شکل HPLC گرادینانی، TLC-HPLC-MS و غیره باشد. هدف از چنین سیستم تحلیلی شناسایی این نکته است که تولیدات تغییر شکل زیستی حاصل شده اند و جداسازی از کشت نمی تواند مهم باشد استفاده از MS می تواند اطلاعات بیشتری در مورد ترکیبات ارائه کند. مثلاً یون مولکولی $M + 16$ این شک را بر می انگیزد که اکسیژناسیون روی داده است ولی به منظور شناسایی مناسب و آزمایش محصول باید ترکیب را همیشه جدا کرد.

۵- جداسازی محصولات:

همانند حالت تولیدات بیوستنز جهت دار، جداسازی نیز با شرایط مورد استفاده برای جداسازی اولیه محصول طبیعی توجیه می شود. بسیاری از واکنش های تغییر شکل زیستی اکسایشی هستند و بنابراین به نظر می رسد نسبت بالایی از محصولات از سوپسترا قطبی تر خواهند بود. بنابراین یک سیستم فاز معکوس که در آن سوپسترا بعد از مدت طولانی شسته می شود مطلوب است اگر چه این امکان وجود دارد که بعضی از

محصولات قطبیت کمتری داشته باشند و بعدا از یک سیستم کروماتوگرافی فاز معکوس شسته شوند .

۶-۲ : تغییر شکل زیستی اسکوالستاتین ها :

با ادامه کار با اسکوالستاتین ها به عنوان مدل های محصولات طبیعی که می توانند به دنبال جداسازی اولیه خود بیشتر استفاده شوند ، از آنها به عنوان سوسترهای تغییر شکل زیستی استفاده می شود . هدف از تولید محصولات تغییر شکل زیستی از این طبقه ترکیبات عبارت است از تولید یک نوع شیمیایی به شکل آنالوگ های محصول طبیعی و انجام تحقیقات SAR و عامل دار کردن اتم های خاص جهت تسهیل بر آورد شیمیایی بیشتر .

به منظور شناسایی ارگانسیم هایی که اسکوالستاتین ها را تغییر شکل می دهند این ترکیب با تعدادی از میکروبهایی که از نمونه های خاکی جدا شده بودند تغذیه شد . بعد از آن تحلیل HPLC عصاره های خام آبگوشت ها صورت گرفت تا بتوان کاهش هر یک سوسترا را که بیانگر استفاده از آن است شناسایی کرد . این مواد جدا شده بعد از آن بیشتر تحلیل شدند و با کشت های کنترلی خود و مقایسه گردیدند و تولیدات شناسایی شدند .

کشت های Shake از کشت های دانه ای مایه کوبی شدند و ۱ روز در انکولسیون قرار گرفتند قبل از این که نمک تری پتاسیم اسکوالستاتین اضافه شود. به دنبال آن مایه کوبی بیشتر به مدت ۷ روز انجام شد.

تحلیل و جداسازی محصول:

تحلیل HPLC گرادیانی و جداسازی محصول طبق آنچه که برای آنالوگ های اسکوالستاتین گفته شد انجام گردید. استفاده از LC-MS شناسایی پیک ها را مطابق متابولیست های مربوطه با قطعیت بیشتری نسبت به LC به تنهایی، عملی ساخت. به

علاوه MS نشانه ای است از این که چطور مولکول ها تغییر کرده اند. در کشت هایی که در آنها اسکوالستاتین متابولیزه شده است LC-MS نشان داد که در بیشتر موارد تغییر

شکل زیستی مستلزم افزایش اکسیژن و یا دی استیلاسیون بوده است. الگوی تحضیر نشان می دهد که این ها به ترتیب بر زنجیرهای جانبی و الکیل روی داده اند. جداسازی

طبق توصیف زیر عنوان ۱-۳-۵ صورت گرفت با این تفاوت که در مراحل نهایی وقتی تفکیک ترکیبات با گروههای هیدروکسیل بر ۲۳ C و ۲۴ C صورت می گیرد HPLC بیشتری مورد نیاز است.

تولیدات حاصل از این آزمایش خاص تغییر شکل زیستی در شکل ۱۳ آمده اند. ۶ آنالوگ تشکیل شد ولی در نظر گرفتن پیچیدگی سوبسترا و تعداد محل های بالقوه

واکنش آنرا در مقایسه با مولکولهایی که متابولیست های مختلف تولید می کنند بهتر می سازد. در این جا یکی از مسائل استفاده از تغییر شکل زیستی به عنوان وسیله تغییر تولیدات طبیعی آشکار می شود. عدم قابلیت پیش بینی چنین سیستم هایی. برای یک مولکول مشکل تعدادی واکنش وجود دارد که قابل پیش بینی هستند ولی این چیزی را در مورد ویژگی محل فعال مونواکسژننازهای سیتوکروم $p 450$ نشان می دهد. با این وجود یکی از مزیت های تغییر شکل زیستی در تولداتی آشکار می شود که اهداف بی نهایت مشکل را برای تغییر شیمیایی نشان می دهند.

ترکیب ۷، اگرچه یک تولید مستقیم تغییر شکل زیستی نیست می تواند نتیجه مهار سنتز اسکوالن باشد و باعث تشکیل فاز نریل بیرون فسفات گروه این ماده با یکی از ارگانسیم های آزمایش به ۷ تبدیل شده است دلایل ممکن است بازده پایین متابولیست های حدید برای کشتهای میکروبی غربال شد در مورد اسکوالستاتین عبارتند از کحلالت ضد یف ترکیب حامل که باعث نسبت پایین سوبسترا در محلول در هر زمانی می گردد، بهترین ارگانسیم ها انتخاب و آزمایش شده اند دیگر شرایط نامساعد بوده اند مانند زمان تغذیه، محیط و غیره. این ترکیبات عبارتند از: اسیدهای تریکربوسیلیک. این می تواند آنها را از تولید سوستراهای نامناسب باز دارد تغذیه ترکیبات در شکل تریمیتل استر

خود باعث تغییر شکل زیستی بیشتر گردد شاید ایکوآلستاتین به عنوان ضدقارچی بتواند اثر سعی بر ارگاناسمی که با آن انکوباسیون شده است داشته باشد.

۳-۶ - مثالهای دیگر تغییر شکل زیستی :

یک مثال از تغییر شکل زیستی ماده یک محصول طبیعی کوچک در شکل ۱۶ آمده است که در آن a سنرکوئیتترین لاکتون، 7x هیدروکسی فرولا تولید حاصل از گیاه *Sphaeranthus indicus* بادو گونه متفاوت *Aspergillus* در استیلاسیون قرار گرفت و احیاشد تا دو شکل محصول نمایش داده شد به دست آید.

در نهایت دیگر، بروگی و دیگران تغییر شکل زیستی خانواده تیلوپلاتین آنتی بیوتیک ها را گزارش کرده اند آنها فهمیدند که این پتیده‌های بزرگ و پیچیده که با *Actinaplane*

teichmycetics تولید شده اند می توانند با کشت های *N. cardiorientalis*

NRRL2450، و یا *streptomyces candidus* NRRL 3218 دیمانوسیلایسیون شوند

. آنها همچنین می فهمیدند که تیکوپلانین دیمانوسیلایسیون شده و دیگر مشتقات

دیمانوسیلایسیون شده می توانند با ارگاناسم تولید کننده اصلی به شکل مانوسیلایسیون

برگردند. کن و دیگران گزارش کردند که یکی از خانواده سیتوکالاسین محصولات

طبیعی که در کشت *Actinoplanes sp* (۵۰ ml * ۴) در غلظت ۰/۰۵ mg/ml تغذیه

شده بود و برای ۳۰ ساعت دیگر در انکوباسیون قرار گرفته بود باعث جدایی ۶ تولید

تغییر شکل زیستی گردیدو در نهایت عامل دار شدن در ۴ نقطه جدید بر مولکول حاصل شد.

۱-۳-۶: انتی بیوتیک های آنتراسایکلین :

این آنتی بیوتیک ها و آنالوگ های آنها همانند بسیاری از گروههای مهم تجاری محصولات طبیعی متحمل تغییر شکل های زیستی میکروبی گردیده اند من جمله اکسیداسیون ، احیا، اسیلاسیون و آلکیلاسیون . این انواع اصلی واکنش می توانند با یکی از این خانواده ترکیبات ، دائونومایسین ، تشریح شوند . گروه متیل درکتون زنجیره جانبی دائونومایسین با یک جهش یافته *Streptomyces Peucetius* اکسیژنه می شود تا آدریامایسین حاصل شود . این مرحله آخر اربوسنتز آدریامایسین بوده است . این گروه کتون می تواند همچنین با ارگانسیم هایی احیا شود مانند باکتریهای رشته ای و غیر رشته ای و قارچ ها تا این که ۱۳- دی هیدرودا ئونومایسین بدست آید . این واکنش همچنین مرحله اول در متابولیسم پستانداری دائونومایسین است . یک نژاد *Streptomyces Peuceticus* نیز می تواند کارمینومایسین ۶ را آلکیلاسیون کند تا ائونومایسین بدست آید .

بسیاری از این تغییر شکل ها بر آنتراسایکلینون های مشابه صورت می گیرند . بخش های آگلیکون این مولکول ها . مابقی بر گلیکوسیدها روی می دهندمانند N . اسیتلاسیون نیمه دائونوسامین و رائونومایسینول یا *Bacillus subtilis var mycoides* دائونومایسینون و ۱۳ - دی هیدرو دائونومایسینون نیز با کشت های *Streptomyces copruleoxibidus* به اشکال گلیکیوسیلاته تبدیل شدند .

۲-۳-۶: میلمایسین ها :

میلمایسین ها گروهی از ماکرولیدهای n عضوی تولید شده با *Streptomyces hygroscopicus* زیر گونه *qureolacrimosus* می باشند و این ارگانسیم ها از نظر ساختاری شبیه به اورکلیتن ها می باشند و می توانند فعالیت های آنتی هلمنتیک و حشره کشی داشته باشند . به عنوان بخشی از برنامه تهیه آنالوگ های جدید این خانواده از ترکیبات برای مشتق های بیشتر و به عنوان استاندارد های متابولیت های اصلی حیوانی ، ناکاگوار و دیگران به آزمایش چندین نژاد آکتینومایسیت ها ، باکتریهای غیر رشته ای و قارچ ها از نظر توانایی تغییر شکل زیستی میلمایسین A ۴ پرداختند . این ارگانسیم ها از مجموعه های کشت بدست آمدند و از نمونه های خاک جدا شدند و سپس بر یک محیط مقیاس ۲۰ ml در یک فلاسک Erlenmeyer ۱۰۰ml به مدت ۲ تا ۳ روز کشت شدند و به دنبال آن میلمایسین A ۴ اضافه شد تا غلظت نهایی ۰/۵mg/ml

بدست آید . نمونه ها در فواصل از کشت گرفته شدند ، با اتیل استات استخراج شدند و برای تبدیل میلمایسین ۴ A توسط TLC با رنگ آمیزی توسط آمونیم مولیدات تجزیه شدند . بسیاری از نژادهای آکتینومایسیت ها و زیگومایسیت ها این ترکیب را تبدیل کردند و بعضی از مؤثرترین مبدل ها جهت انجام تبدیل های مقیاس بزرگ و آزمایش با دیگر آنالوگ های میلمایسین انتخاب شدند . بعضی از تولیدات تبدیل میلمایسین ۴ A عبارتند از ۳۰ - هیدروکسی میلمایسین A۴ ، ۲۶ و ۳۰ - دی هیدروکسی میلمایسین A۴ ، و میلمایسین ۴ A و ۳۰ - اوئیک اسید ، ۲۹ - هیدروکسی میلمایسین A۴ ، B ۱۳ - هیدروکسی میلمایسین A۴ ، B ۱۳ و ۲۴ - هیدروکسی میلمایسین A۴ ، B ۱۳ - ۳۰ دی هیدروکسی میلمایسین A۴ و B ۱۳ ، ۲۹ و ۱۳ دی هیدروکسی میلمایسین A۴ . دیگر تغییر شکل های زیستی این ترکیب که گزارش شده اند عبارتند از B ۱۳ - دی هیدروکسیلاسیون و ۱۵ و ۱۴ - اپوکسیداسیون توسط Streptomyces Violascene بسیاری از این تبدیلات و مابقی آنها بر بسیاری از آنالوگ های نزدیک به هم این ترکیب انجام شدند و در نهایت مشتقات متفاوتی از یک تعداد کمی از ترکیبات آغازین بدست آمد .

اگر چه این استراتژیهای Mutadynthesis ، بیوسنتز پیش ماده ای و تغییر شکل زیستی جداگانه توصیف شده اند یکی از مهمترین نکته آنها در مورد روش همپوشی آنها و

تکمیل یکدیگر است . جهش یافته ها می توانند آنالوگ های جدید و یا واسطه های بیوستتزی ارائه کنند که به روش منطقی در دیگر ارگانسیم ها تغذیه می شوند بدین ترتیب تغییر شیمیایی بیشتری حاصل می گردد . آنها خود می توانند دیگر پیش ماده هارا تغذیه کنند .

۷- بیوستتز ترکیبی :

تغییر ماده ژنتیکی می تواند در تعدادی از سطوح استفاده شود تا جداسازی یک تولید طبیعی جدید قابل استفاده گردد . تولید جهش یافته ها برای تولید ارگانسیم هایی با مسیرهای بیوستتزی تغییر یافته و یا اسنادی استفاده می شود و این مسیرها برای آزمایشات تغذیه با آنالوگ های پیش ماده استفاده می شوند . برنامه های جهش و روش های دقیق تر ژنتیکی مولکولی برای توسعه سطوح تولید متابولیت های خاص استفاده می شوند .

اخیرا مهندسی ژنتیک برای تولید متابولیست های ثانوبهمستلزم تبعیت و توسعه یک محصول طبیعی اولیه نیست بلکه تولید از محصولات طبیعی غیر معمول مهم است اما هنوز از ابزار متابولیست ثانویه ارگانسیم استفاده می شود .

بیوستتز پلی کتیدها با سنتز پلی کتید که در روش خط تولید عمل می کند انجام می شود . هر یک یکی از مجموعه های تراکم بلوک های ساختمانی کوچک و منظم را انجام می

دهند مانند استیل و مالونیل کوآنزیم A با کاهش های بعدی برای تولید مولکول نهایی . بسیاری از پلی کتیدها نتیجه ترکیبات مهم ثانویه هستند مانند اریترومايسين ، آورماکتین ، آکتینیورهودین و راپامایسین . اکنون می توان ژن هایی را که این آنزیم ها را به چند روش کدگذاری می کنند بدست آورد و بدین ترتیب ترکیبات مختلف زیادی از سنتز بدست آورد و به دامنه جدیدی از پلی کتیدها دست یافت .

تغییر آنزیم های دخیل در سنتز حاصل از پیش ماده های جهانی دیگر متابولیست های ثانویه بررسی شده است . سنتزهای سزکوئیتترین خانواده بزرگی از آنزیم هایی هستند که با مکانیزم هایی هستند که با مکانیزم مشترک و کاتالیز حلقه ای شدن فارنسیل دی فسفات عمل می کنند . هر یک ، یک سزکوئیتترین جداگانه تولید می کنند . محل فعال سنتز که تریکوداین ، پیش ماده ترکوتکن ها در *Fusarium sporotricnioides* را تولید می کند با جهش زایی مکانی تغییر کرد و در نهایت منجر به تغییر محصولات حلقه ای شده گردید همان طور که با جداسازی ، سزکوئیتترین اضافی دیده شده در آینده به نظر می رسد که مهندسی سنتز ترپنوئید و دیگر طبقات آنزیم باعث تولید بسیاری از متابولیت های جدید گردد .

۸ - سنتز ترکیبی :

علم شیمیای ترکیبی ابزاری رابرای تبدیل ترکیبات به ترکیبات جدید معرفی کرده است . گذشته از روش های شیمیایی ، استفاده از محصولات طبیعی به عنوان مونومرو الگوها ذر برنامه های علم شیمیایی ترکیبی یکی از مهمترین روش ها برای بهینه سازی و افزایش تنوع تولید شده در پیرامون یک محصول طبیعی می باشد . چندین کتابخانه که در مورد تولیدات طبیعی هستند بر پا گردیده اند همانند آنهایی که دارای مجموعه ای از آکالوئیدهای تغییر یافته Rauwolfia هستند . مزایای توسعه تلاش برای جداسازی محصولات طبیعی جدید به همراه مزیت های ساختاری غیر قابل پیش بینی در شکل کایرال در صورتی افزایش می یابند که بتوانند با توان علم شیمی ترکیبی جهت تولید خانواده بزرگ مشتقات همراه شوند .